

راه‌های تقویت

# فرهنگ حجاب

در حج و زیارت

محقق: عباس رجبی

بسم الله الرحمن الرحیم

# راه های تقویت فرهنگ حجاب


نویسنده:

عباس رجبی



ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# راه های تقویت فرهنگ حجاب

## مشخصات کتاب


سرشناسه : رجبی، عباس، ۱۳۴۷ -

عنوان و نام پدیدآور : راه‌های تقویت فرهنگ حجاب/ تحقیق عباس رجبی.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۸۸ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۴۰۴-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۸۵]- ۱۸۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : حجاب

موضوع : حجاب -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع : حجاب -- تاثیر

موضوع : حجاب -- جنبه‌های اجتماعی

شناسه افزوده : نشر مشعر

رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۷/ر۳ر۲ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۶

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۸۹۲۰۷


ص:۱

## دیباچه

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

ص:۱۱

حجاب و پوشش اسلامی، از احکام و موضوع‌هایی است که در منابع اسلامی جایگاهی ویژه دارد. این دستور قرآنی، نه تنها حافظ اخلاق و عفاف زنان جامعه است، بلکه مردان را نیز از آلودگی‌ها حفظ می‌کند. همچنین به زنان امنیت اجتماعی می‌بخشد و آنان را از نگاه‌های هوس‌بازان حفظ می‌کند. بنابراین حفظ حریم عفاف برای زنان، هم حق است و هم تکلیف؛ حق است، زیرا حق دارند با پوشش کامل، خود را از نگاه‌ها و هوس‌ها محفوظ دارند و تکلیف است، به‌این دلیل که سلامت جامعه، در گرو حفظ عفت و پاک‌دامنی آنهاست. بنابراین وظیفه دارند در سالم نگه‌داشتن فضای جامعه اسلامی بکوشند.

از فضاهایی که حضور زنان در آن، با پوشش کامل و حجاب اسلامی نشانه شخصیت والای زنان ایرانی و پیروان مکتب اهل‌بیت است، صحنه حج، عمره و سفرهای زیارتی است. از آنجا که این سفرها با اهدافی پاک و الهی صورت می‌گیرد، باید زن مسلمان ایرانی با پوششی پسندیده و متناسب، در این سفر حاضر شود.

ص:۱۲

برای نهادینه شـدن فرهنگ حجاب در این سـفرهای معنوی و رعایت این حکم قرآنی از سوی همه زائران، اعم از مرد و زن، اثری با عنوان «راه‌های تقویت فرهنگ حجاب» در قالب داسـتان‌های آموزنده به قلم حجت الاسـلام و المسـلمین «عباس رجبی» تدوین شده است. نویسنده در این اثر کوشیده است وظیفه زائران را نسبت به حجاب تعیین کند.

امیدواریم زائران گرامی با مطالعه این اثر هم وظیفه خود را بشناسند و هم برای نهادینه کردن فرهنگ حجاب کوشا باشند.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه اخلاق و اسرار

ص:۱۳

## مقدمه

### اشاره

سفرهای زیارتی، فرصت بسیار خوبی است که انسان می‌تواند از آنها برای تقرب به خداوند و در نتیجه برآورده شدن حاجات و مستجاب شدن دعاهایش بهره برد. البته بهره کامل بردن از این سفرهای نورانی که چه بسا فقط یک بار در عمر نصیب انسان شود، مشروط بر این است که زائر، آداب زیارت را رعایت کند.

آداب زیارت بر دو نوع است: نخست آداب ظاهری، مانند غسل کردن، لباس تمیز پوشیدن، ذکر گفتن و اذن دخول طلبیدن، آهسته قدم برداشتن، با حالت خضوع و خشوع وارد حرم شدن، صاحب حرم را زنده و ناظر اعمال خود دانستن، توجه به مقامات معنوی صاحب حرم و با چنین احساسی زیارت‌نامه خواندن و عرض سلام و ادب کردن و کارهایی مانند آن که رعایت آنها بسیار سفارش شده است.

دوم، آداب باطنی زیارت است. آداب باطنی زیارت، هماهنگ کردن باطن خود با شرع مقدس اسلام است؛ به عبارت دیگر، کسی که واجبات الهی را رعایت کند و خود را از آلوده شدن به گناهان باز دارد و اگر

ص:۱۴

گناهی کرده است، با توبه کردن، روح و جان خویش را پاک گرداند، می‌تواند امیدوار باشد که بهره کامل را از زیارت خود می‌برد.

بنابراین، کسی که به قصد زیارت، به مکه و مدینه و عتبات عالیات و دیگر زیارتگاه‌ها مشرف می‌شود، برای بهره بردن از سفر، باید در درجه اول، اعمال و رفتار خود را اصلاح کند که در غیر این صورت، از لطف و عنایت الهی بی‌بهره می‌ماند. که شرط قبولی عمل، اخلاص و تقواست: إِنَّما یَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِینَ ؛ «خدا فقط اعمال پرهیزکارن را می‌پذیرد» . (مائده:۲۷)

از مهم‌ترین مصداق‌های تقوا در سفرهای زیارتی و شرط قبولی اعمال و مورد توجه خدا و صاحب زیارت قرار گرفتن، رعایت حریم میان زن و مرد و به عبارت دیگر، رعایت حجاب و پوشش اسلامی از سوی زنان است.

در حقیقت، مهم‌ترین و برجسته‌ترین رفتار دینی و اجتماعی یک زن مسلمان، به‌ویژه زنی که با هدفی مذهبی و به عنوان زائر به سوی مشاهد مشرفه مانند مکه و مدینه و قبور مطهر ائمه (علیهم السلام) در عتبات عالیات سفر می‌کند، پوشش و حجاب اوست. امروزه نزد مردم پوشش و حجاب زنان و رفتار عفیفانه آنها در برابر نامحرم، ملاک مسلمان بودن و متدین بودن آنها به شمار می‌رود؛ زیرا حجاب از یک سو، نشانه عفت و حیا و پاکی زن، و از دیگر سو، نشانه غیرت و مردانگی و دین‌داری خانواده اوست. ازاین‌رو در این نوشتار تلاش شده است توجه زائران محترم به مسئله

ص:۱۵

حجاب، معطوف شود.

دلیل دیگری که به اهمیت طرح این موضوع، به عنوان موضوعی پژوهشی می‌افزاید، این است که چون ماهیت سفر زیارتی، دینی، و از آموزه‌های دینی است، باید در این سفر بیش از موقعیت‌های دیگر به حجاب توجه داشت. همچنین، از آنجا که بیشتر این سفرها در خارج از کشور است و زائران ایرانی، نمایندگان جمهوری اسلامی و مکتب تشیع به‌شمار می‌روند، اگر حجاب و پوشش اسلامی را رعایت نکنند، آبروی مکتب اسلام و نظام جمهوری اسلامی خدشه‌دار خواهد شد.

امام صادق (علیه السلام) خطاب به پیروانشان می‌فرماید:

«کُونُوا لَنا زَیْناً وَلاتکُونُوا عَلَیْنا شَیْناً»(۱)؛ «مایه زینت و زیبایی ما باشید، نه مایه ننگ و عار ما» . حضرت در این سخن سفارش می‌کنند که پیروانشان کاری نکنند که آبروی آنها نزد پیروان دیگر مذاهب برود. ازاین‌رو کوشیده‌ایم موضوع حجاب را از جنبه‌های گوناگون، به‌ویژه در سفرهای خارجی و داخلی، بررسی کنیم. سعی شده است مطالب کتاب نیز به شیوه داستانی، نقل روایت و بیان خاطرات تلخ و شیرین باشد تا مطالعه آن خسته‌کننده نباشد.

## حجاب از دو دیدگاه افراط و تفریط

در جامعه امروز ما، برداشت‌های گوناگونی درباره حجاب وجود دارد که برخی از آنها با اسلام سازگار نیست. از میان آنها می‌توان به دو

---

۱- وسائل الشیعه، محمد بن الحسن الحر العاملی، ج۱۲، ص۷.

ص:۱۶

برداشت و باور افراطی و تفریطی درباره حجاب اشاره کرد.

در دیدگاه افراطی، به حجاب، جایگاهی فراتر از حد خود داده شده است و تمام فضایل معنوی زن در حجاب او خلاصه می‌شود؛ چنان‌که اگر خانمی به پوشش ظاهری خود اهمیت دهد، به تمام فضیلت‌های زن مسلمان رسیده، ولی اگر حجابش کامل نباشد، هیچ فضیلتی به دست نیاورده است.

این برداشت افراطگونه، دو نتیجه نادرست در پی دارد: نخست اینکه زنان مسلمان را از کسب فضایل دیگر غافل می‌کند؛ زیرا دچار نوعی خودبزرگ‌بینی کاذب می‌شوند و عجب و غرور آنها را از رسیدن به دیگر کمالات باز می‌دارد؛ دوم اینکه برای دیگر زنان که به حجاب اهمیت چندانی نمی‌دهند، هیچ ارزش و احترامی قائل نمی‌شوند. بلکه آنها را افرادی لاابالی، بی‌فرهنگ و دور از معنویت و دین می‌دانند. توضیح این مطلب که این دو نتیجه، چه پیامدهای مخربی درپی‌دارد، در این نوشتار نمی‌گنجد.

با توجه به آنچه گفته شد، حجاب همه فضیلت‌های یک زن مسلمان نیست و بسیاری از زنان، ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی پسندیده‌ای، مانند خوش‌خلقی، سخاوت‌مندی، ایثارگری، انسان‌دوستی، حیا و ده‌ها صفت نیکو و انسانی دارند، ولی به دلیل نداشتن اطلاعات کافی یا عادت کردن به نوعی پوشش، حجاب کاملی ندارند.

آن‌گاه که خداوند در قرآن، درباره ویژگی‌های زنان مسلمان سخن می‌گوید، بر اخلاق نیک تأکید بسیاری می‌کند. در سوره احزاب آیه ۳۵،

ص:۱۷

برای زنان، صفات و ویژگی‌هایی مانند مردان بیان شده که به ترتیب، عبارت‌اند از: تسلیم بودن در برابر حق، ایمان قلبی به خداوند، اهل عبادت بودن، راستگویی، صبور بودن، خداترسی و خشوع، مسکین‌نوازی، روزه‌داری، دوری از شهوات حرام و بسیار به یاد خدا بودن. آن‌گاه آمده است: «خداوند برای چنین افرادی، آمرزش و پاداشی بزرگ ذخیره کرده است» . (احزاب:۳۵)

بنابراین، زنان باحجاب باید در کنار پوشش مقدس حجاب، این ویژگی‌ها را نیز در خود به وجود آورند، تا افزون بر اینکه مسلمانی کامل می‌شوند، الگویی برای دیگر زنان باشند.

بر این‌اساس، هر بانوی مسلمان و با حجاب، باید با زنان بدحجاب، رفتاری مؤدبانه داشته باشد که ناشی از ایمان کامل اوست.

زن مسلمان باید با عملش دیگر زنان را به حجاب تشویق کند، نه اینکه با بداخلاقی و ترش‌رویی و رفتار متکبرانه، سبب فراری شدن آنها از دین و حجاب شود. در اصل باید میان میزان حجاب زن با دیگر اعمال او، هماهنگی باشد؛ یعنی به‌گونه‌ای نباشد که در ظاهر و پوشش، باحجاب باشد، ولی در عمل و رفتار، معنویتی در رفتار او دیده نشود. چادر هر زن مسلمان، به‌ویژه زائر ایرانی، پرچم اسلام و نماد حکومت اهل بیت است. اگر هنگام نماز دیده شود که این بانوی چادری و باحجاب، به جای رفتن به مسجد و زیارتگاه‌ها، در بازارها و مغازه‌ها پرسه می‌زند، آیا سبب تنفر دیگر مسلمانان از مکتب اهل بیت نمی‌شود؟ یا زنی با پوشش چادر، حق تقدم را رعایت نکند و عدالت را

ص:۱۸

زیر پا بگذارد، یا به هنگام برخورد با دیگران، اخلاق اسلامی و ادب را رعایت نکند، آیا مردم را به حجاب و چادر بدبین نمی کند؟ پس بانوان افزون بر رعایت حجاب، باید حرمت حجاب خود را نیز حفظ کنند و تصویر خوبی از یک زن مسلمان و با اخلاق در اذهان اطرافیان برجا بگذارند.

براساس برداشت دوم که دیدگاهی تفریطی و سطحی درباره حجاب است، مهم نیست که زن چه مقدار پوشش داشته باشد. در این دیدگاه، پوشش و حجاب امری شخصی است و هرکس هر مقدار که دوست دارد، خود را می‌پوشاند. این برداشت از حجاب که مدتی است میان جامعه نفوذ کرده، گاهی میان بانوان خوب و تحصیل کرده نیز دیده می‌شود. ازاین‌رو در جامعه اسلامی ایران، پدیده بدحجابی پدیده‌ای منحصر به فرد است که در فرهنگ‌های دیگر دیده نمی‌شود؛ زیرا در دیگر کشورهای اسلامی، زنان یا با حجاب کامل ظاهر می‌شوند یا به‌طور کلی حجاب را برمی‌دارند.

این دیدگاه بیشتر به حجاب باطنی معتقد است، نه حجاب ظاهری و به پوشش ظاهری خود اهمیت چندانی نمی‌دهد و اصل در مسلمان بودن زن را همان ویژگی‌هایی می‌داند که به نقل از سوره احزاب بیان شد.(۱)این گروه از بانوان که گاه در مراکز مذهبی و مشاهد مشرفه نیز دیده می‌شوند، اگرچه با چنین تفکری، از پوشش کاملی برخوردار

---

۱- ر. ک: احزاب: ۳۵.

ص:۱۹

نیستند، در باطن خود دین را دوست دارند و از عبادت و زیارتشان لذت می‌برند. شگفت‌انگیزتر آن است که این اندیشه، در برخی از زنان محجبه نیز به صورت نامحسوسی نفوذ کرده است. ازاین‌رو گاهی زنان پوشیده و چادری نیز صورت خود را هر چند اندک، ولی جذاب آرایش می‌کنند.

انسان با اندک تأملی در مسائل و احکام دینی، به روشنی درمی‌یابد که این دیدگاه نیز اشتباه است. بزرگان دین و علمای اسلام هیچ‌کدام این اندیشه را که «اصل در طهارت قلب است و پوشش ظاهر لزومی ندارد» ، تأیید نکرده‌اند. ما باید احکام دین خود را عالمانه و از روی دلیل محکم به دست آوریم. دلیل اینکه بسیاری از امت‌های گذشته گمراه شدند، همین دیدگاه سطحی و بدون منطق به دین بوده است.

درباره حجاب و پوشش ظاهری نیز لازم است مردم بینشی درست داشته باشند. آنان باید بدانند که حجاب، دستور مسلّم اسلام برای همه بانوان است، نه امری شخصی. بنابراین هیچ زنی نمی‌تواند غیر از گردی صورت و دست‌ها تا مچ، جایی از بدن خود را در معرض دید نامحرم قرار دهد. البته این دو قسمت که استثنا شده، در صورتی مجوز آشکار شدن دارد که آرایشی نداشته باشد. همچنین اگرچه زنان می‌توانند فضایل بی‌شماری داشته باشند، ولی برجسته‌ترین ویژگی یک زن، عفت و حیای اوست؛ عفت و حیایی که هم در باطن او وجود داشته باشد و هم در ظاهر او نمود پیدا کند. گفتنی است، حجاب کامل حجابی

ص:۲۰

است که هم از درون موجب روشنی قلب زن می‌شود و هم از جنبه بیرونی و ظاهری، درس حیا و بندگی و سرکوب کردن هوای نفس و تسلیم بودن در برابر فرمان الهی را به همگان می‌دهد. در حقیقت، وقتی یک بانوی مسلمان، تمام ایمان، معنویت، وقار، شخصیت، حیا و عفت خود را با حفظ پوشش و حجاب ظاهری‌اش به نمایش می‌گذارد، تأثیر بسیار شگرفی بر دیگر افراد می‌گذارد و درس بزرگی از اخلاق و انسانیت و ایمان به آنها می‌دهد. ازاین‌رو مستکبران و هواپرستان و بیگانگان، باحجاب مبارزه می‌کنند و با زنان محجبه رفتاری نامحترمانه دارند.

خداوند در قرآن کریم، در آیه ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب (که درباره زنان پیامبر نازل شد، و آنها مخاطب آیه هستند) به زنان، این پیام را می‌دهد که در کنار نماز، عبادت، کمک به محرومان و فقرا و تسلیم بودن در برابر خدا و پیامبر، مراقب رفتارهای زنانه خود باشند و در حجاب ظاهر خود، چنان دقت کنند که حتی به صورت ناخودآگاه، نیز توجه نامحرم را به خود جلب نکنند. پس ضروری است زنان، هنگام صحبت کردن با نامحرمان و روبه‌رو شدن با آنها، از هر رفتار که سبب جلب توجه ایشان به زیبایی‌های جسمانی شود، به شدت بپرهیزند.

بی‌شک، اصل در حجاب، رعایت حجاب درونی و باطنی است. ولی به دلیل پیامدهای منفی بدحجابی زنان بر مردان نامحرم و جامعه، لازم است زنان، ظاهر خود را نیز با باطن پاک و معنوی خود هماهنگ کنند، تا موجب گمراهی و به گناه افتادن کسی نشوند.

ص:۲۱

امروزه، برخی پوشش ظاهری را از عفت درونی و باطنی جدا می‌دانند و معتقدند انسان یا باید عفت و حجاب ظاهری را رعایت کند یـا حجـاب و عفت و بـاطنی را. آن‌گاه نتیجه می‌گیرنـد چون عفت درونی مهم‌تر از پوشـش ظاهری است و اصل آن است که درون انسـان پـاک باشـد، دیگر لزومی به رعـایت حجـاب ظـاهری نیست. بـا تـوجه به آنچه گفته شـد، مطرح کردن این سؤال که پوشـش ظاهری مهم‌تر است یا عفت درونی، اشـتباه است و کسانی که این‌گونه بحث‌ها را مطرح می‌کنند یا از اصل موضوع بی‌اطلاع هسـتند یا به عمد، قصد جدایی این دو را از هم دارند.

حقیقت این است که نه پوشـش و حجاب ظاهری می‌تواند جایگزین عفت درونی شود و نه عفت درونی می‌تواند جایگزین پوشـش و حجـاب ظـاهری شود، بلکه هر یک جایگاه خود را دارد و هر دو بایـد رعایت شود. عفت، فضـیلتی اخلاقی است که می‌توانـد در تمام رفتارهای انسان مانند پوشش، منش و گویش ظاهر گردد. زنی که پوشش مناسبی ندارد، چگونه می‌تواند درون عفیف خود را نشـان دهـد؟ البته آراسـته بودن ظاهر اشـکالی نـدارد؛ آنچه اشـکال دارد و حرام است، داشـتن ظاهری تحریک‌کننـده است. بنابراین پوشش ظاهری شرط لازم است، ولی شرط کافی نیست و جای عفت درونی را نمی‌گیرد؛ همان‌گونه که عفت باطنی و درونی شرط لازم است و شرط کافی نیست و جای حجاب و پوشش ظاهری را نمی‌گیرد.

همچنین، بانوان بزرگوار و فرهیخته ما باید به یاد داشته باشند که

ص:۲۲

مردان، به‌طور طبیعی و غریزی، به محرک‌های دیداری بسیار حساس‌اند و به سرعت، تحت تأثیر جلوه‌گری‌های زنان قرار می‌گیرند. ازاین‌رو برای داشتن جامعه‌ای سالم و مردانی باوقار و مورد اعتماد و نیز در امان ماندن از مزاحمت افراد فرصت‌طلب و بیماردل و داشتن جامعه‌ای مذهبی و اماکن زیارتی آرام و سرشار از معنویت، باید به پوشش ظاهری خود توجه کنیم و از رفتارهای تحریک‌آمیز و پوشیدن لباس‌های جذاب و تحریک‌کننده بپرهیزیم. همچنین بکوشیم حریم‌میان زن و مرد را حفظ کنیم؛ هر چند موجب محدود شدن روابط و به زحمت افتادن ما شود. در حقیقت، زنی که پوشش تحریک‌کننده دارد، به دیگران اجازه داده است با دیدی ناپاک و شهوانی به او بنگرند؛ هرچند خود از این موضوع غافل باشد.

بنابراین، جمع بین این دو، یعنی حجاب ظاهری و عفت باطنی، بدان معناست که یک بانوی مسلمان پیرو قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) ، وقتی به مجامع عمومی وارد می‌شود، نه تنها باید به رعایت پوشش مناسب خود حساس باشد، بلکه باید با رفتار عفیفانه، جذاب و اخلاقی خود، الگوی دیگر زنان باشد. ازاین‌رو از بانوان باحجاب انتظار می‌رود در برخورد با دیگر زنان، به‌گونه‌ای رفتار کنند که آنها شیفته حجاب و پوشش عفیفانه‌شان شوند، نه اینکه با بداخلاقی و برخورد نامناسب (هرچند به بهانه امر به معروف و نهی از منکر) سبب فراری شدن آنها از حجاب و بلکه از دین شوند. باید توجه داشت که تمام احکام دین از جمله حجاب، چنان جذاب‌اند که هر انسانی را به سوی خود جذب می‌کنند. بنابراین یک

ص:۲۳

مسلمان اگر مردم را از رفتارهای دینی خود متنفر می‌بیند، باید بداند اشکالی در رفتار اوست، نه در احکام اسلام؛ به قول شاعر:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

هر عیب که هست در مسلمانی ماست

بر این اساس، باید به‌گونه‌ای لباس بپوشیم و رفتار و برخورد کنیم که شیفته منش و مرام اسلامی ما شوند یا حداقل به اسلام بدبین نشوند.

ص:۲۴

ص:۲۵

## فصل اول: حجاب در اماکن مقدس

### اشاره

در تمـام ادیـان الهی به وجوب حجـاب بانوان تأکیـد شـده است. رعایت حجاب در برابر نامحرم، گرچه همیشه و در همه جا بر زنان لازم است، ولی در برخی مکان‌ها ماننـد اماکن مـذهبی-زیارتی ضـرورت بیشتری دارد؛ زیرا این اماکن مقدس‌انـد و باید حرمت آن بیش از مکان‌های دیگر حفظ شود تا زائران بتوانند آزادانه عبادت، و با خدا خلوت کنند.

برخی اعمال مسـتحب و عبادی در حـج و عمره به این دلیل که ممکن است حجاب زن را خـدشه‌دار و توجه نامحرمان را به او جلب کند، بر زنان حرام شده است. امام صادق (علیه السلام) ، در این‌باره می‌فرماید:

لَيْسَ عَلَى النّساءِ جَهرٌ بِالتَّلبيةِ وَلَا اسْتِلامُ الحَجَرِ وَلا دُخُولُ الْبَيْتِ وَلا سَعيٌ بَيْنَ الصَّفا والمَرْوَةِ يَعنى الهَرْوَلَة.(۱)

بر زنان جایز نیست صدای خود را به گفتن لبیک بلند و

---

۱- الکافی، کلینی، ج۴، ص ۴۰.

ص:۲۶

حجرالأسود را استلام(۱)کنند و داخل خانه کعبه شوند و در سعی بین صفا و مروه هروله (دویدن) کنند.

بی‌تردید، اگر زنان بخواهند حجرالأسود را لمس کنند یا وارد خانه کعبه شوند، با ازدحام شدید مردان روبه‌رو می‌شوند که در این صورت، نه تنها این دو عمل برای آنها ثوابی ندارد، بلکه حجابشان نیز خدشه‌دار می‌شود. همچنین اگر بخواهند دو عمل مستحب اول را انجام دهند، یعنی هروله کنند یا با صدای بلند لبیك بگویند، ممکن است توجه مردان نامحرم را به خود جلب کنند، از این روایت می‌توان نتیجه گرفت که برخی اعمال عبادی را باید برای حفظ حجاب، کنار گذاشت.

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی دیگر به این مطلب اشاره کرده‌و فرموده است:

لَیْسَ عَلَی النّساءِ اِستِلامٌ وَ لا یُزاحِمْنَ الرِّجال.(۲)

بر زنان لازم نیست استلام [حجرالأسود] کنند [و از این راه] مزاحم مردان شوند.

بنابراین زنان باید هر عملی را که سبب شکسته شدن حریم آنان می‌شود، ترك کنند؛ هرچند عبادت باشد؛ زیرا حفظ حجاب برای زن مهم‌تر است.

ازاین‌رو، انجام مستحباتی مانند رفتن به مسجد و تشییع جنازه نیز اگر

---

۱- لمس کردن و بوسیدن.

۲- بحارالانوار، مجلسی، ج۹۶، ص ۲۱۱

ص:۲۷

باحجاب منافات پیدا کند و زنان را در دید نامحرم قرار دهد، از عهده آنان برداشته می‌شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این‌باره می‌فرماید: «

خَیْرُ مَساجِدِ النِّساءِ قَعْرُ بُیوتِهِنَّ»(۱)؛ «بهترین مسجد [و محل عبادت] برای زنان، کنج خانه‌هایشان است» .

از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است:

لَیْسَ یَنْبَغی لِلْمَرْأةِ الشّابَّةِ اَنْ تَخْرُجَ اِلَی الْجِنازَةِ تُصَلّی عَلَیْها، اِلّا اَنْ تکُونَ امْرَأَةً قَدْ دَخَلَتْ فِی السِّنِّ.(۲)

بر زن جوان سزاوار نیست به تشییع جنازه رود و بر آن نماز گزارد، مگر آنکه زنی مسن و پیر باشد.

از جمله مواردی که باید به آن اشاره کرد، پوشش سفیدی است که میان بانوان زائر ایرانی در مکه و مدینه مرسوم شده است. اگر این نوع پوشش، سبب جلب توجه نامحرم شود، باید از آن دوری کرد؛ هرچند پوشیدن لباس سفید در حالت عادی برای انسان مستحب است.

## حجاب در احرام

از نشانه‌های توجه اسلام به حجاب این است که زینت کردن و استفاده از زیورآلات در حال احرام، بر زنان ممنوع است. زن نباید در حال احرام از هیچ وسیله‌ای برای زیباتر شدن خود استفاده کند، بلکه باید با یک لباس ساده مُحرم شود. حتی دوختن نوارهای گل‌دار پارچه‌ای

---

۱- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج۱، ص۳۷۴.

۲- التهذیب، شیخ طوسی، ج۳، ص۳۳۳.

ص:۲۸

(گیپور) در اطراف چادر یا مقنعه و نیز استفاده از کلاه یا هرچیزی که نوع و شکل آن، به زن جذابیت بخشد، خلاف احتیاط است.(۱)البته این بدان معنا نیست که رعایت حجاب فقط در حال احرام واجب باشد، بلکه بانوان باید در هر حال به حجاب خود اهمیت دهند. ولی از آنجا که حفظ حرمت این اماکن مقدس به رعایت موازین شرعی بستگی دارد، داشتن حجاب کامل از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

بنابراین، این گونه اعمال زمانی برای زن استحباب دارد که به حجاب او خدشه‌وارد نکند؛ برای مثال، اگر اطراف حجرالاسود خلوت باشد و بانویی باحجاب کامل بتواند به راحتی و بدون آنکه با نامحرم برخورد کند، آن را لمس کند، این استحباب از او ساقط نمی‌شود.

نکته دیگر اینکه، رعایت حجاب در مسجدالحرام از دیگر مکان‌ها سخت‌تر است؛ زیرا زن و مرد از یکدیگر جدا نیستند و طواف که مهم‌ترین عمل عبادی است، به گونه‌ای است که زنان و مردان در کنار هم حرکت می کنند و نماز و عبادت را نیز در کنار هم انجام می‌دهند؛ در این وضعیت تنها معنویت است که کمک می کند انسان از وسوسه‌های شیطان دور بماند ازاین‌رو حاجیان باید معنویت خود را چنان تقویت کنند که خود را از ورود به حریم‌های ممنوعه حفظ کنند.

در روایتی می‌خوانیم:

عَنْ مُعاویهٔ بنْ عَمّارٍ قال: قُلْتُ لَأبی عَبْدِالله (علیه السلام) : اَقُومُ اُصَلّی بِمَکَّهٔ

---

۱- ر. ك: آخر فصل اول همین کتاب، بخش احکام.

ص:۲۹

وَالْمَرْأَةُ بَيْنَ يَدَيَّ جالِسَةٌ اَو مارَّةٌ فقال: لا بَأْسَ، اِنَّما سُمِّيَتْ بَكَّهَ لأَنّها تَبُكُّ فيها الرِّجالُ وَالنّساءُ.(۱)

معاویهٔ بن عمار گوید: «به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم، من در مکه و در مسجدالحرام به نماز می‌ایستم، درحالی‌که زنی جلوی من نشسته یا در حال عبور کردن است» . [آیا نماز در چنین حالتی صحیح است؟] امام فرمود: «اشکالی ندارد. همانا مکه را بکّه نامیدند؛ زیرا در این شهر مردان و زنان از خوف الهی گریه می‌کنند» .

منظور امام این است که زائران مکه و مسجدالحرام و دیگر اماکن زیارتی، اگر حال و هوای معنوی خود را افزایش دهند، بهتر می‌توانند خود را در برابر نامحرم حفظ کنند؛ به عبارت دیگر، مقابله با وسوسه‌های شیطان در این‌گونه موقعیت‌ها فقط به حفظ حجاب نیست، بلکه باید زائر همواره در حال توبه و انابه و توسل و اشک ریختن باشد تا از آلوده‌شدن به گناه محفوظ بماند. هر مرد و زنی که مجبور است در جمع نامحرمان باشد، باید بیشتر به معنویت توجه کند تا گرفتار وسوسه‌های شیطان و نفس اماره نشود.

بنابراین، بانوان زائر باید بدانند رعایت حجاب در مکان مقدسی چون مسجدالحرام، اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا مسجدالحرام را از آن رو مسجدالحرام گویند که احترام بسیاری دارد و مسلمانان باید حرمت آن را بیش از دیگر

---

۱- کافی، ج۴، ص۵۲۶.

ص:۳۰

مکان‌ها نگه دارند. خداوند در قرآن می‌فرماید: وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً ؛ «هرکس داخل مسجدالحرام شود [از هر نظر] در امان است» . (آل‌عمران: ۹۷)

اگر در مسجدالحرام به زن و مرد اجازه داده شده است به صورت اختلاط به عبادت و طواف و نماز و دیگر مناسک عمره و حج بپردازند، به این دلیل است که عظمت این مکان موجب می‌شود زن و مرد از حریم عفاف خارج نشوند. همچنین اگر به زنان دستور داده شده است در حال احرام، گردی صورت خود را باز نگه دارند، به این دلیل است که آزمونی برای ایمان مردان باشد و روشن شود آیا آنها به حدی از رشد و کمال رسیده‌اند که در این شرایط، عفت خود را حفظ کنند یا خیر؟ !

## ماجرای چسبیدن دست زن و مرد نامحرم در حال طواف

زنی دورکعبه طواف می‌کرد و مردی نیز پشت سر آن زن می‌رفت. لحظه‌ای آن زن بازوی خود را از چادر بیرون آورد تا کعبه را لمس کند. ناگهان آن مرد دستش را دراز کرد و روی بازوی زن گذاشت. خداوند دست آن مرد را به بازوی زن چسباند. مردم دیدند و ازدحام کردند، چنان‌که راه عبور بسته شد. کسی را نزد امیر مکه فرستادند و امیر مکه فقها و علما را حاضر کرد و آنها فتوا دادند که باید دست مرد را ببرند؛ زیرا آن مرد مرتکب گناه شده است. امیر مکه که از فتوای علمای مکه قانع نشده بود، گفت: «آیا در اینجا از خانواده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کسی هست؟» گفتند: «بله، حسین بن علی (علیه السلام) اینجاست» .

امیر مکه کسی را نزد امام حسین (علیه السلام) فرستاد. امام حسین (علیه السلام) تشریف

ص:۳۱

آوردند. به آن حضرت عرض کردند: «ای فرزند رسول خدا! حکم خدا درباره اینها چیست؟»

امام حسین (علیه السلام) رو به کعبه ایستادند و دست‌هایشان را بلند کردند.

آن‌گاه مدتی مکث فرمودند و دعا کردند. سپس به طرف زن و مرد رفتند و دست آن مرد را از بازوی آن زن جدا کردند. امیر مکه عرض کرد: «ای حسین! آیا این مرد را برای کاری که از او سر زده است، مجازات نکنیم؟» حضرت فرمود: «نه» .

گویند آن مرد همان شتربانی است که در کربلا دست امام حسین (علیه السلام) را قطع کرد و این‌گونه لطف آن حضرت را پاسخ داد.(۱)

## شباهت حج و حجاب

حج و عمره، آزمایشی از جانب خداوند برای بندگان است تا میزان صبر و تحمل و بندگی آنها روشن شود. کسی که ادعای ایمان می‌کند، باید با انجام دادن فریضه حج و عمره و صرف کردن مال خود در این راه و تحمل دوری از خانواده و به جان خریدن رنج سفر و صدها سختی و مشکل دیگر که در این راه برایش پیش می‌آید، مراتب بندگی و تسلیم خود را در برابر فرمان الهی، به‌طور عملی، نشان دهد.

این مطلب در مورد حجاب نیز صدق می‌کند؛ بانویی که در شدت گرما و ازدحام جمعیت، لحظه‌ای از حجاب خود غافل نمی‌شود و با تمام

---

۱- شجره طوبی، حا، عین، ص۴۲۲.

ص:۳۲

سختی‌هایی که در این راه وجود دارد، حجاب خود را حفظ می‌کند، در حقیقت، به‌طور عملی تسلیم بودن در برابر فرمان الهی را اثبات می‌کند. بر این اساس، می‌توان به روشنی گفت: بانویی می‌تواند حجاب خود را به‌طور کامل حفظ کند که به درجه بالایی از تحول و رشد رسیده باشد. بنابراین میزان تحول و رشد معنوی هر زن در میزان رعایت حجاب وی اثرگذار است و حجاب، نمادی از سفرکردن از خود به سوی خداست.

## نشانه قبولی زیارت

هر زیارتی که با نیت خالص همراه و برای رضای خدا باشد، قبول است. ولی درجات قبولی زیارت، در همه افراد یکسان نیست. میزان قبولی زیارت به میزان اثری است که در فرد می‌گذارد. انسان هرچه در ظاهر و باطن خود، دین، معنویت و اخلاق را حفظ کند و خود را در رفتار و عمل، به صاحب زیارت نزدیک کند، زیارتش از درجه قبولی بیشتری برخوردار است.

با توجه به مضمون برخی روایات، اگر کسی بخواهد بداند زیارتش قبول شده است یا نه، باید ببیند پس از بازگشت از سفر، گناهان گذشته‌اش را انجام می‌دهد یا نه. اگر آن گناه را ترک کرد، بداند زیارتش مورد قبول خداوند قرار گرفته است. ولی اگر همچنان آن گناه را مرتکب شد، نشانه قبول نشدن زیارت اوست(۱)؛ در دیگر عبادت‌ها نیز همین گونه

---

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری‌شهری، ص ۲۹۰.

ص:۳۳

است؛ برای مثـال، خداونـد در قرآن کریم درباره نماز می‌فرمایـد: إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ ؛ «نماز، انسان را از ارتکاب گناه باز می‌دارد» . (عنکبوت:۴۵)

بنـابراین، اگر زائر از زیـارت بـازگردد، درحـالی‌که انگیزه او به عبـادت و دیگر اعمال خیر بیشتر شـده و به ارتکاب گناه بی‌انگیزه و بی‌علاقه شـده باشـد، یا بانویی نسبت به رفتارش با نامحرم، بیشتر از گذشـته دقت داشـته باشد، لطف الهی شامل حالش شده و بهره خوبی از زیارت برده است.(۱)

بنـابراین، در حقیقت، مهم‌ترین نتیجه‌ای که از زیـارت نصـیب انسان می‌شود، افزایش ایمان و تقواست که نتیجه آن، به وجود آمـدن علاقه به عبادت و تنفر از گناه است. خداوند درباره مؤمنان کامل و رشد یافته می‌فرماید:

وَ لکِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَیْکُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فِی قُلُوبِکُمْ وَ کَرَّهَ إِلَیْکُمُ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیانَ أُولئِکَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (حجرات: ۷)

و خداونـد ایمـان را محبوب شـما قرار داده و آن را در دل‌های‌تـان زینت بخشـیده و [از طرف دیگر] کفر و فسق و گنـاه را نزد شـما منفور کرده است؛ [به‌گونه‌ای که از آن متنفر باشید] کسانی که این صفات را دارند، هدایت یافتگان هستند.

در پایان این فصل، چند استفتا از مراجع معظم تقلید را درباره حجاب به‌طور کلی و حجاب در حج و عمره بیان می‌کنیم:

---

۱- عرفان حج، جوادی آملی، ص۱۰۵، با اندکی تغییر.

ص:۳۴

## استفتائات از مراجع تقلید درباره حجاب

آیـا حجـاب از ضـروریات اسـلام است؟ منکر آن و کسـانی که به این دسـتور الهی، به‌ویژه در جـامعه اسـلامی عمـل نمی‌کننـد، چه حکمی دارند؟

امام خمینی (رحمه الله) : «اصل حکم حجاب، از ضـروریات است و منکر آن، حکم منکر ضروری را دارد و منکر ضروری، محکوم به کفر است؛ مگر اینکه معلوم باشد که منکر خدا یا رسول نیست» . (۱)

حد پوشش برای مردان و زنان چقدر است؟ آیا تجاوز از کمتر از این مقدار حرام است؟

امام خمینی (رحمه الله) : «بر مرد ستر (پوشانـدن) عورتین واجب است و ستر باقی بـدن واجب نیست؛ اگر چه بر زن حرام است بـدن مرد نامحرم را نظر کند و بر زن واجب است تمام بدن خود را از نظر نامحرم بپوشاند. ولی پوشاندن وجه و کفین (صورت و دست‌ها تا مچ) لازم نیست، مگر آنکه مفسده‌ای بر آن مترتب باشد» .(۲)

آیا حجاب از ضروریات دین است؟ حکم کسانی که به آن بی‌اعتنایی می‌کنند، چیست؟

مقام معظم رهبری : «اصل حجاب، ضروری دین محسوب می‌شود. ولی بعضی فروع آن ممکن است ضروری نباشد و بی‌اعتنایی به

---

۱- استفتائات امام خمینی، \ ج۳، ص۲۵۶.

۲- همان، ص۲۵۵.

ص:۳۵

اصل حجاب و عدم رعایت آن، معصیت و گناه است» .

حضرت آیت الله تبریزی: « اصل حجاب، برای زنان از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی‌اعتنایی نمایند، حکم بی‌اعتنایی به سایر تکالیف دینی است» .

حضرت آیت الله صافی: اصل وجوب حجاب، فی‌الجمله از ضروریات اسلام است و منکر آن مرتد است. ولی بی‌اعتنایی به آن با عدم انکار وجوب آن، باعث فسق است» .

حضرت آیت الله سیستانی: « اصل حجاب از مسلّمات شریعت است و در قرآن آمده است. ولی کسانی که توجه به وضوح آن ندارند، انکار آنها مستلزم انکار نبوت نیست و بی‌اعتنایی عملی گناه است» .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «آری، حجاب از ضروریات دین است، ولی انکار آن برای کسانی که از ضروری بودن آن آگاهی ندارند، موجب ارتداد نمی‌شود» .

حضرت آیت الله بهجت: «بی‌اعتنایی به حجاب گناه است و داشتن حجاب واجب است» .(۱)

پوشیدن جوراب نازک و بدن‌نما برای خانم‌ها در بیرون از منزل و انظار نامحرمان چه صورتی دارد و بیرون گذاشتن موهای سر از چادر و مقنعه توسط خانم‌ها در دید نامحرمان چگونه است؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای: « پوشانیدن بدن از نامحرمان بر زن

---

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج۱، ص۳۰.

ص:۳۶

واجب است و چنین جوراب‌هایی برای حجاب شرعی واجب، کفایت نمی‌کند و پوشاندن تمام موی سر در برابر نامحرمان واجب است» .

آرایش زنان در خیابان‌ها و بیرون گذاشتن مقداری از موها و پوشیدن جوراب بدن‌نما و لباس‌های محرک چه صورتی دارد؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای: «بر زن واجب است تمام بدن و موی و زینت خود را از نامحرم بپوشاند» .

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «حرام است» .

حضرت آیت الله بهجت: «حرام است» .

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: «حرام است» .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «بدون شک جایز نیست» .

حضرت آیت الله تبریزی: «جایز نیست» .

حضرت آیت الله سیستانی: «جایز نیست» .(۱)

عده‌ای همراه با تبلیغات فرهنگی دشمن، در روزنامه‌ها و سخنرانی‌هایشان می‌گویند: «چادر مشکی برای بانوان مکروه است و باید پوشش جدید، مانند مانتو و کت و دامن با رنگ‌های متنوع، جایگزین چادر مشکی شود» . آیا چنین حرف و اقدامی صحیح است؟ خواهشمند است نظر شریفتان را مرقوم بفرمایید.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: «این صحبت، صحیح نیست، و بهترین حجاب، پوشش چادر است و چادر سیاه هم بی‌اشکال است و کراهت ندارد» .

---

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج۱، صص ۳۱ - ۳۴.

ص:۳۷

حضرت آیت الله تبریزی: «زن باید بدن خود را در غیر وجه و کفین از نامحرم بپوشاند و نیز باید زینت خود را بپوشاند و لباسی که زینت حساب می‌شود، آن را هم بپوشاند و با چادر، بهتر می‌تواند بدن و زینت را بپوشاند و چادر سیاه، مثل عبای سیاه کراهت ندارد» .

حضرت آیت الله بهجت: «این اقدام باطل است» .

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: «نظریه مذکور صحیح نیست و مفاسد بسیار دارد. متأسفانه در این زمان، عده‌ای اصرار بر آشکار شدن مفاتن زن و خروج او از ستر و عفاف که حفاظ شخصیت و ارزش و متانت اوست، دارند و مع‌الاسف می‌خواهند این امر را اسلامی جلوه دهند؛ درحالی که برخلاف اسلام است» .

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «چادر مشکی، بهترین نوع حجاب است و پوشیدن لباس‌هایی که جلب توجه کند، حرام است» .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «با توجه به اینکه در حال حاضر رنگ مشکی برای حفظ پوشش زنان بهتر است، کراهت آن ثابت نیست» .(۱)

امروز یک حرکت خزنده‌ای علیه چادر که یک حجاب ملی و سنتی است، آغاز شده است. خواهشمندیم نظر مبارک را در این مورد مرقوم فرمایید.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «سزاوار است خانم‌ها از چادر استفاده کنند؛ چون چادر در کشور اسلامی ایران، از مظاهر و شعایر

---

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۱، صص ۳۵ و ۳۶.

ص:۳۸

اسلام است و با حفظ این شعار، سعی کنند بانوان محترم، حرکت مورد سؤال را خنثا کنند» .

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: «چادر، بهترین پوشش برای خانم‌هاست؛ چون تمامی مفاتن بدن را می‌پوشاند. خانم‌های مسلمان باید آداب و سنن اسلامی را در لباس پوشیدن مراعات کنند و از تجددگرایی مضر پرهیز کنند» .

حضرت آیت الله بهجت: «چادر، حجاب پسندیده است» .

حضرت آیت الله سیستانی: «چادر، حجاب بهتر است و سزاوار نیست زن‌های مؤمن بدون چادر خارج شوند» .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «حجاب، یکی از قوانین مسلّم اسلام است و اساس آن پوشاندن بدن و موها غیر از صورت و دست‌ها تا مچ است؛ ولی بی‌شک، چادر، حجاب برتر است» .

حضرت آیت الله تبریزی: «پوشیدن بدن بر زن، واجب و بهترین نوع پوشش واجب، همان چادر مشکی است که زن‌های مؤمنه خود را با آن می‌پوشانند»(۱)

۱. برخورد زن همراه با چهر خندان و متبسم با مردان نامحرم، هنگام خرید از مغازه‌ها و سایر برخوردها، چه صورتی دارد؟

۲. خندیدن زنان و دختران با صدای بلند در خیابان یا انجام برخی حرکات دیگر که موجب جلب توجه نامحرمان می‌شود، چگونه است؟

---

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج۱، صص ۳۷ و ۳۸.

ص:۳۹

حضرت آیت الله خامنه‌ای: «۱. صحبت کردن و خندیدن با نامحرم، اگرموجب مفسده باشد، جایز نیست؛ ۲. از هر کاری که موجب جلب توجه نامحرم می‌شود، باید پرهیز نمود» .

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «۱ و ۲. به‌طور کلی، دختران و زنان باید در مقابل مردان نامحرم به نحوی لباس بپوشند و راه بروند و صحبت کنند که موجب توجه و نگاه سوء و تهییج مردان نشوند و اگر کردند، گناه بزرگی است» .

حضرت آیت الله بهجت: «۱. هر کاری که معرضیت ریبه یا فتنه در آن است، جایز نیست. ۲. جایز نیست» .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «۱. اشکال دارد و هنگام ضرورت نباید از مکالمات عادی تجاوز کنند. ۲. بهتر است زنان و دختران مسلمان از این‌گونه کارها بپرهیزند و اگر منشأ فسادی شود، جایز نیست» .

حضرت آیت الله تبریزی: «۱. اگر از روی التفات کاری که موجب جلب‌نظر اجانب شود، انجام دهند، اشکال دارد. ۲. زن عفیف این کار را نمی‌کند، بلکه اگر معرض تهییج شهوت برای یکی از طرفین باشد، حرام است» .

حضرت آیت الله صافی: «۱. مخالف نص قرآن است؛ فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ . ۲. جایز نیست» .(۱)

---

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج۲، ص۷۹.

ص:۴۰

برخی در مورد مسائل زنان، اظهار نظرهای نامناسبی را ابراز می‌کنند؛ مانند بحث دوچرخه‌سواری یا ورزش بانوان یا در مورد حجاب اظهار می‌دارند که به نظر ما کُت و دامن، برای حجاب کفایت می‌کند. نظر حضرت‌عالی در این زمینه چیست؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای: «اظهار نظر در مسائل دینی و احکام شرعی برکسانی که صاحب‌نظر نیستند، جایز نیست و بر مؤمنین واجب است در تمام احکام دینی به مراجع بزرگوار تقلید و اسلام‌شناسان مورد وثوق و اعتماد مراجعه نمایند» .

حضرت آیت الله تبریزی: « ترویج اموری که مبدأ نشر فساد در جامعه یا بی‌عفتی زنان و دختران شود، جایز نیست و پوشیدن لباسی که تمام حجم بدن آنان را نشان دهد که لباس زینت حساب بشود، کفایت نمی‌کند» .

حضرت آیت الله صافی: « امور مذکوره، معرضیت برای مفسده دارد. بانوان باید جدّاً از آن بپرهیزند» .

حضرت آیت الله بهجت: « هر چه باعث فتنه و فساد باشد، اشکال دارد» .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: « هرچه موجب اشاعه مفاسد اخلاقی گردد، حرام است»(۱)

برخی از مادران، فرزندان دختر خود را که به بلوغ شرعی

---

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج۱، صص ۱۴۵ و ۱۴۶.

ص:۴۱

نرسیده‌اند، با سر و پای برهنه در خیابان‌ها و مجالس در حضور نامحرمان می‌آورند. لطفاً وظیفه والدین را در قبال فرزندان خود بیان بفرمایید و این بی‌اعتنایی چه صورتی دارد؟

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: « بر پدر و مادر است که فرزندان خود را با آداب و رسوم اسلامی و وظایف شرعی آشنا کنند و چنانچه موارد مذکور موجب تهییج و مفسده شود، اگر چه بچه ممیز نباشد، باید آنان را بپوشانند و حفظ کنند تا جامعه آلوده و بی‌بند و بار نشود» .

حضرت آیت الله سیستانی: «بر غیر بالغ، پوشیدن واجب نیست. ولی پدر و مادر لازم است فرزندان خود را به رعایت آداب و شئون اسلامی وادار نمایند و در ترتیبت صحیح شرعی آن بکوشند» .

حضرت آیت الله بهجت: « تمرین اطفال بر وظایف شرعیه، به عهده والدین است» .

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: «کار صحیحی نیست و والدین موظف‌اند دختر را از کودکی به رعایت حجاب و گریز از نامحرم عادت دهند و اگر در این امر مسامحه کنند و دختر را نسبت به نامحرم بی‌تفاوت نمایند، شریک در معاصی دختر هستند. در حدیث وارد شده است که در مجلسی که حضرت رضا (علیه السلام) تشریف داشتند و عده‌ای نیز حضور داشتند، دختر بچه‌ای وارد شد. حضار مجلس یکی یکی دختر را مورد نوازش قرار دادند، تا رسید به حضرت رضا (علیه السلام) . آن حضرت از سن دختر سؤال کردند؛ گفته شد: پنج سال دارد. حضرت دختر را از خود دور کرد و رفتاری که دیگران کرده بودند، ننمودند و اعمال آن بزرگوار

ص:۴۲

باید برای زن مسلمان سرمشق باشد» .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را به مسائل اسلامی از طفولیت آشنا کنند» .

حضرت آیت الله تبریزی: « پوشش بر دختران نابالغ واجب نیست، لکن وظیفه والدین است که دخترانشان را به پوشش اسلامی عادت دهند و فرزندانشان را با احکام اسلامی تربیت نمایند»(۱)

در صورتی که زن می‌داند مرد نامحرم، به قصد لذت به صورت و دست‌های معمولی زینت نشده او نگاه می کند، در این فرض، پوشاندن صورت و دست‌ها لازم است؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای: « در فرض مذکور، باید حتی وجه و کفین خود را هم بپوشاند» .

حضرت آیت الله تبریزی: «بله، در این صورت، بنابر احتیاط، پوشاندن لازم است» .

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: « دست و صورت، بنابر احتیاط واجب باید پوشیده شود» .

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «بله، پوشاندن آن لازم است» .

حضرت آیت الله بهجت: « پوشاندن دست و صورت مطلقاً بنابر احتیاط لازم است»(۲)

---

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج۱، صص ۱۷۹ - ۱۸۱.

۲- همان، صص ۸۰ و ۸۱.

ص:۴۳

## زینت در لباس احرام

با توجه به اینکه پوشیدن زیورآلات در حال احرام حرام است، لطفا بفرمایید:

۱. آیا استفاده از گیره‌ها، دکمه‌های تزیینی، گلدوزی، سنگ‌دوزی و گیپور دوزی در لباس احرام، در حکم زیورآلات است؟

۲. در صورتی که در حکم زیور باشد، آیا حرمت، مختص به لباس احرام است یا شامل لباس‌های غیر احرامی می‌شود که در حال احرام پوشیده می‌شود؟

۳. در صورتی که موارد مذکور زیر چادر یا لباس‌های دیگر پنهان باشد، چه حکمی دارد؟

حضرت آیت الله بهجت: «۱. اگر قبل از احرام هم عادتاً می‌پوشیده و قاصد زینت نیست، اگر منصرف باشد از این نحوه زیورآلات، بعید نیست جایز باشد. ۲. زن لباس احرام خاص ندارد. ۲. اگر به نحوی نباشد که اهل تزیین به‌کار می‌برند، اشکال ندارد» .

حضرت آیت الله خامنه‌ای : «۱. تشخیص آن به عهده خود مکلف با مراجعه به عرف است. ۲. اگر زینت باشد، اختصاص به لباس احرام ندارد. ۳. در فرض عدم اظهار، حرمت ندارد» .

حضرت آیت الله سیستانی : «به احتیاط واجب، از هر چه که عرفاً زینت حساب شود، باید پرهیز شود» .

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: «۱. بله، استفاده از این‌گونه لباس‌ها در حال احرام جایز نیست. ۲. شامل هر دو می‌شود. ۳. فرقی نمی‌کند» .

ص:۴۴

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «صرف‌نظر از زیور آلات، این موارد زینت محسوب می‌شود و زینت کردن هم بر زنان در حال احرام جایز نیست و فرقی بین لباس احرام و لباس زیر و غیره وجود ندارد؛ هر چند اگر انجام گیرد، کفاره ندارد و حج یا عمره باطل نمی‌شود» .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «۱. احتیاط آن است که از آن پرهیز شود. ۲. در حال احرام از تمام اینها پرهیز شود. ۳. هرگاه پنهان باشد، مانعی ندارد» .(۱)

---

۱- مناسک حج محشی، صص ۲۳۲ و ۲۳۳.

ص:۴۵

## فصل دوم: اهمیت حجاب و پوشش در قرآن و سیره امامان معصوم (علیهم السلام)

### اشاره

در این بخش به بررسی اجمالی اهمیت حجاب در قرآن و سیره امامان معصوم (علیهم السلام) می‌پردازیم. همچنین اهتمام بسیار آموزه‌های دینی، اعم از توصیه‌ها، اوامر و نواهی دینی و سیره و روش عملی اولیای دین به این موضوع را بررسی می‌کنیم تا خوانندگان محترم، به‌ویژه زائران بیت‌الله‌الحرام و مشاهد مشرفه به میزان و درجه اهمیت آن پی ببرند و این مهم را به کسانی که به آن توجه کافی ندارند، یادآوری کنند.

### اهمیت حجاب در قرآن

#### اشاره

در آیات بسیاری از قرآن، مسئله حجاب مطرح و احکام آن به‌طور مفصل بیان شده است؛ از جمله این آیات، آیه ۳۱ سوره نور است. خداوند در این آیه خطاب به زنان می‌فرماید:
و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه‌های هوس‌آلود فرو گیرند و عفت خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار

ص:۴۶

که نمایان است، آشکار نکنند و [اطراف] روسری‌ها و مقنعه‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشیده شود] و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرشان یا پدرشان یا پدرشوهرشان یا پسرانشان یا پسران شوهرشان یا برادرانشان یا پسران برادرشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم‌کیششان یا بردگانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن، پاهای خود را بر زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته نشود [و صدای خلخالی که بر پایشان دارند، به گوش نرسد] و ای مؤمنان! همگی به سوی خدا باز گردید، تا رستگار شوید.

## داستان شأن نزول آیه حجاب

در کتاب «کافی» به نقل از امام باقر (علیه السلام) آمده است: روزی جوانی از انصار، در یکی از کوچه‌های مدینه می‌گذشت که با زن جوانی روبه‌رو شد که مقنعه خود را پشت گوش‌ها قرار داده و گردن، گوش‌ها و قرص صورت او به‌طور کامل آشکار بود. جوان چشم به زن جوان دوخت و چون از مقابل یکدیگر گذشتند، به دنبالش حرکت کرد، درحالی‌که از همه چیز غافل شده بود و به زن خیره خیره نگاه می‌کرد تا اینکه به کوچه‌ای وارد شد و از فرط غفلت، صورتش به استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود، برخورد کرد و خون جاری شد. وقتی آن زن از جلوی چشمش دور شد و دیگر او را ندید، مرد دریافت که خون بسیاری بر سر و سینه‌اش

ص:۴۷

ریخته است. با خود گفت به خدا سوگند، نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌روم و ماجرا را برای ایشان تعریف می‌کنم. وقتی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفت و چشم حضرت به او افتاد، پرسید چه شده است؟ جوان ماجرای زن بدحجاب را برای ایشان نقل کرد. در این هنگام جبرئیل، فرشته وحی، بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شد و آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور را نازل کرد که هم مردان را از نگاه به نامحرم بازداشت و هم به زنان دستور داد، زیبایی‌های خود را بپوشانند.(۱)

## دومین آیه حجاب

در سوره احزاب آیه ۵۹، خداوند به پیامبرش چنین دستور می‌دهد:

یـا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُـلْ لِأَزْواجِـکَ وَ بَناتِـکَ وَ نِسـاءِ الْمُؤْمِنِینَ یُـدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤْذَیْنَ وَ کانَ اللهُ غَفُوراً رَحِیماً

ای پیامبر! به همسـران و دخترانت و به همسران مؤمنان بگو روسری‌های بلند (چادرهای) خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شـناخته شونـد و مورد آزار قرار نگیرنـد، بهتر است [و اگر تـاکنون، خطـا و کوتاهی از آنان سـر زده، توبه کننـد که] خـداوند همواره آمرزنده و رحیم است.

## داستان شأن نزول آیه دوم حجاب

در «تفسیر علی بن ابراهیم قمی» آمـده است: زنان مسـلمان،ماننـد مردان، در پنـج وقت نماز به مسـجد می‌رفتند و نمازهای‌شان را با پیامبر

---

۱- کافی، ج۵، ص ۵۲۱.

ص:۴۸

به جماعت می‌خواندنـد. هنگامی که آنها برای خواندن نماز صبح یا مغرب و عشا از خانه بیرون می‌رفتند، جوان‌های لاابالی و هرزه که در حال پرسه زدن در کوچه‌ها بودنـد، در مسیر مسجد می‌نشستند و برای زنان مزاحمت ایجاد می کردند. زنان از این ناامنی، به رسول خـدا (صلی الله علیه و آله) شکایت کردند. در این هنگام آیه ۵۹ سوره احزاب نـازل شـد. در این آیه بر پوشش کامل زنان (استفاده از چادر بلند) به عنوان حفاظ در برابر آزار و اذیت افراد فرصت طلب، سفارش و تأکید شده است.(۱)

با توجه به این آیه شریفه، حجاب و پوشش مانع آن می‌شود که مردان، به‌ویژه افراد بیماردل و اسیر خواسته‌های نفسانی، برای زنان باحجاب و پوشیده، مزاحمتی ایجاد کنند و امنیت آنها را به خطر بیندازند. در حقیقت، حجاب چون حصاری محکم است که زن را از هر گونه آسیبی حفظ می کند.

## حجاب در برابر نابینا

«ام سلمه» ، همسر رسول خـدا (صلی الله علیه و آله) می گویـد: وقتی آیه حجاب (نور:۳۱) نازل شـد، من و «میمونه» ، همسر دیگر پیامبر، نزد ایشان بودیم. در این هنگام «ابن ام مکتوم» که نابینا بود اجازه خواست به منزل پیامبر وارد شود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مـا فرمود: «در حجـاب شویـد و خود را از او پنهـان کنیـد» . گفتیم: «او نابیناست و ما را نمی‌بینـد» . ایشان [از این سـخن ما ناراحت شدند و] فرمودند: «آیا شما هم نابینا هستید و او را

---

۱- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج۴، ص۱۹۶.

ص:۴۹

نمی‌بینید؟» (۱)از این‌روایت می‌توان دریافت، حجاب کامل آن است که زنان، افزون بر آنکه خود را از چشم نامحرم می‌پوشانند، باید چشم خود را نیز از نگریستن به نامحرم حفظ کنند. در حقیقت، زنان نباید هیچ‌گونه ارتباطی با نامحرم داشته باشند؛ حتی اگر در نگاه کردن باشد، مگر آنکه ضرورتی پیش آید یا امکان گرفتار شدن در دام شیطان وجود نداشته باشد.

## داستان دختران شعیب و حضرت موسی (علیه السلام)

در آیه ۲۲ تا ۲۸ سوره قصص، داستان ملاقات حضرت موسی و دختران شعیب و اتفاقاتی که میان آنها می‌افتد، نقل شده است. در این داستان آمده است: وقتی موسی از تصمیم فرعونیان که برای قتل او نقشه کشیده بودند، آگاه شد، به طرف شهر مدین فرار کرد. پس از هشت شبانه‌روز پیاده‌روی و نداشتن آذوقه و خستگی شدید، به نزدیکی شهر مدین و کنار چاه آبی رسید که چوپانان مشغول کشیدن آب از چاه برای سیراب کردن گوسفندانشان بودند. در گوشه دیگری از آن بیابان، نگاه موسی به دو دختر افتاد. آنها نیز گوسفندانی داشتند که برای آب دادن آورده بودند. ولی از نزدیک شدن گوسفندان خود به حوضچه آب نزدیک چاه جلوگیری می کردند.

حضرت موسی که همیشه در کمک به نیازمندان پیش قدم بود، جلو رفت و از آنها پرسید: «شما چرا گوسفندانتان را آب نمی‌دهید؟» آنها

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۲۲.

ص:۵۰

گفتند: «ما توانایی آب کشیدن از چاه را نداریم و نمی‌توانیم با این مردان بر سر نوبت در بیفتیم. هرگاه برای آب دادن به اینجا می‌آییم، منتظر می‌مانیم تا مردان کارشان تمام شود و گوسفندانشان را از اینجا ببرند و پس از آن، ما از باقی‌مانده آب حوضچه، گوسفندان خود را آب می‌دهیم. از دیگرسو چون پدری سالخورده و ناتوان داریم، باید [برای امرار معاش]، ما دختران، خود به چوپانی بپردازیم» .

این سخن برای موسی که مردی غیور و بلندهمت بود، بسیار گران آمد و در دل، عمل آن مردان خودخواه و وظیفه‌نشناس را زشت شمرد. سپس جلو آمد و دلو سنگین آب را از چاه بیرون کشید و به آن دو دختر گفت: «گوسفندانتان را نزدیک بیاورید!» آن‌گاه گوسفندان را سیراب و به همراه دختران روانه خانه کرد و خود در پناه سایه دیواری نشست و لب به راز و نیاز با خداوند گشود و از درگاه او تقاضای گشایش و رفع مشکلات کرد.

دعای حضرت موسی (علیه السلام) به سرعت مستجاب شد. وقتی آن روز دختران زودتر از روزهای دیگر به خانه برگشتند، پدر علت زود بازگشتن آنها را پرسید. دختران گفتند: «بر سر چاه مردی صالح دیدیم که دلش به حال ما سوخت و برایمان آب کشید» .

پدر به یکی از دخترانش گفت: «برو آن مرد را نزد من بیاور» .

یکی از آن دو دختر، با حالت شرم و حیا و متانت که شایسته زنان عفیف و پاک است، نزد حضرت موسی (علیه السلام) بازگشت و گفت: «پدرم تو را می‌خواند تا پاداش آب کشیدنت برای گوسفندان ما را بدهد» . موسی

ص:۵۱

دعوتش را پذیرفت و به دختر گفت: «راه را به من نشان بده و خودت از پشت سرم بیا؛ زیرا ما دودمان یعقوب، به پشت سر زنان نگاه نمی‌کنیم» .

وقتی موسی (علیه السلام) نزد شعیب آمد و ماجرای خود را برای او گفت، شعیب او را دلداری داد و گفت: «دیگر به خودت ترس راه نده! اینجا از سلطه فرعون خارج است و تو از شر آنها نجات یافته‌ای» . آن‌گاه دختر شعیب گفت: «پدرجان! این جوان را به همکاری دعوت کن؛ زیرا او مردی نیرومند و امین است» . شعیب این پیشنهاد را پذیرفت و به موسی گفت: «من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به عقد تو در آورم، به شرط اینکه تو هشت سال برای من کار کنی و اگر این مدت را به ده سال رساندی، اختیار با خود توست» . موسی که خود را در آن سرزمین تنها و غریب می‌دید، پیشنهاد شعیب را پذیرفت و به دامادی شعیب مفتخر شد و شبانی گوسفندان او را نیز به‌مدت ده سال به عهده گرفت.(۱)

از این داستان زیبا نکته‌های فراوانی می‌آموزیم، ولی آنچه به بحث ما، یعنی حجاب مربوط می‌شود، این است که خداوند از یک‌سو، برخورد سراسر حجب و حیای دختر شعیب با نامحرم را می‌ستاید و از دیگرسو، رفتار زیبا و همراه با وقار حضرت موسی (علیه السلام) با دختری نامحرم در بیابانی خلوت را به عنوان الگوی رفتاری شایسته بیان می‌کند. همچنین از این آیه در می‌یابیم اگر رابطه با نامحرم، با رعایت موازین شرعی و انسانی و

---

۱- کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۱۵۰.

ص:۵۲

حجب و حیا و سنگینی و وقار همراه باشد، شرع مقدس آن را تأیید خواهد کرد.

در «تفسیر راهنما»(۱)و «تفسیر نور»(۲)در ذیل آیات مربوط به این داستان، نکته‌های مهمی درباره کارکردن زنان در محیط خارج از منزل نقل شده که برخی از آنها عبارت است از:

۱. زنان باید در محیطی سالم و به دور از آسیب کار کنند.

۲. رفت و آمد زنان در بیرون از خانه باید براساس حیا و عفت باشد.

۳. در دعوت [برای مهمانی]، مرد از مرد و زن از زن دعوت کند.

۴. از حیا و ضعف زنان، سوء استفاده نکنیم که اگر قانون و حمایتی در کار نباشد، بسیاری از مردان، حقوق زنان را نادیده می گیرند.

۵. حریم میان زن و مرد یک ارزش است که دختران شعیب به آن توجه داشتند.

۶. دختران پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) چوپانی می کردند، ولی هرگز به ذلت و گدایی تن ندادند.

۷. حمایت از زنان یک ارزش انسانی است.

۸. گفت‌وگوی مرد با زن در صورت لزوم و با هدف خیرخواهانه و انگیزه کمک‌رسانی به او، جایز است.

۹. پاسخ زنان به پرسش‌های بی‌غرض مردان جایز است.

.۱۰

---

۱- تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی، ج۱۳، صص ۴۷۰- ۴۷۸.

۲- تفسیر نور، محسن قرائتی، ج۹، صص۳۶- ۴۴.

ص:۵۳

بکوشیم در حرف زدن با نامحرم، خلاصه (و کوتاه) سخن بگوییم.

۱۱. کار زن در خارج از خانه اشکالی ندارد؛ به شرط آنکه زن در محیط کار با مرد تنها نباشد؛ با مردان اختلاطی نداشته باشد؛ مردی که توان کار داشته باشد، در خانواده او نباشد.

۱۲. زنان پاک‌دامن می‌کوشند کمتر از خانه خارج شوند.

۱۳. در بینش الهی، حیا از برجسته‌ترین کمالات برای زن به‌شمار می‌رود.

۱۴. زنان می‌توانند مردان نامحرم صالح و با ایمان را ستایش کنند.

۱۵. دختر و پسر می‌توانند هنگام خواستگاری، در برابر یکدیگر قرار بگیرند.

## حضرت مریم (علیها السلام) وحجاب

در سوره مریم، آیات ۱۶ تا ۳۳ و در سوره آل‌عمران، آیه ۴۶، داستان حضرت مریم (علیها السلام) آمده است. حضرت مریم (علیها السلام) دختر عمران و از نسل حضرت داوود (علیه السلام) است. مادرش زنی پاک و پارسا بود. روزی مادر مریم از خداوند خواست به او فرزندی عطا کند تا او را به خدمت بیت‌المقدس بگمارد. درخواست او به اجابت رسید و خداوند، مریم را به او عطا کرد. مادر پس از آنکه مریم را از شیر گرفت، او را به بیت‌المقدس برد و از خدا خواست مریم و فرزندانش را از شر شیطان حفظ کند. این دعا به اجابت رسید. وقتی مریم را به بیت‌المقدس

ص:۵۴

آوردنـد، بین متصـدیان آنجـا، در تربیت مریم اختلاف افتاد و همه خواهان تربیت او شدنـد و برای رفع دعوا قرعه زدنـد. قرعه به نام زکریا افتاد و وی سرپرستی مریم را به عهده گرفت.

پس از آنکه مریم (علیها السـلام) کمی بزرگ‌تر شـد، زکریا برای او در گوشه‌ای از بیت‌المقدس حجره‌ای ساخت تا مریم به دور از چشم مردم و با خیالی آسوده به عبادت خداونـد بپردازد. مریم (علیها السـلام) با عبادت بسیار مورد توجه فرشـتگان قرار گرفت و به مقام عصمت رسید و خداوند او را بر تمامی زنان زمانش، برتری بخشید.

روزی اتفاق عجیبی برای مریم۳ افتاد. آن روز مردم پس از انجام عبادت از مسـجد بیرون رفتند و زکریا (علیه السلام) درهای مسجد را قفـل کرد و مریم را تنهـا گـذاشت تـا او بتوانـد به راحتی و بـدون حجـاب، داخـل مسـجد رفت و آمـد کنـد. ناگهان مریم از دور چشـمش به مردی جـوان و زیبـارو افتـاد که به طرف او می‌آمـد. مریم از دیـدن او به وحشت افتـاد و به سـرعت خود را پوشانـد و با فریـادی خطاب به مرد جوان گفت: «به خـدای رحمان پناه می‌برم از [شـر] تو، اگر اهل تقوا هستی» ؛ یعنی اگر به خـدا اعتقاد داری، بدان که من از خدای هستی کمک می‌خواهم تا به تو اجازه ندهد به من نزدیک شوی و حریم مرا زیر پا بگذاری.

آن جوان زیبـارو که کسـی جز جبرئیـل امین، فرسـتاده خـدا نبود، با اظهار رضایت از این همه حیا و پاک‌دامنی مریم، لبخنـدی زد و خطاب

به او گفت: «غمگین و نگران نباش که من فرستاده پروردگارت هستم تا

ص:۵۵

به تو تولد پیامبر بزرگ الهی، حضرت عیسای مسیح (علیها السلام) را بشارت بدهم»(۱)

این بخش از داستان مریم، درس بزرگی برای زنان است که چگونه با نامحرم روبه‌رو شوند و اگر نامحرمی به خود اجازه داد در حریم خصوصی آنان وارد شود، با تمام قدرت جلوی او را بگیرند و به او بفهمانند چگونه باید با خانمی محترم و باحجاب رفتار کند. همین رفتار قاطعانه حضرت مریم (علیها السلام) ، درس بزرگی برای زنان عفیف و پاک‌دامن ما در طول تاریخ بوده است؛ چنانکه آنان هرگاه احساس می‌کردند، افرادی قصد سوء استفاده از آنان را دارند، به شدت با آنها مقابله می‌کردند.

## مردان و حفظ حجاب زنان

حجاب به معنای پوشش، اگرچه در اصل برای زنان تشریع شده و خطاب مستقیم آیات حجاب به زنان است، ولی برای مردان نیز در حفظ حجاب زنان وظایفی را واجب دانست. این حقیقت را افزون بر اینکه از چند روایت گذشته که برخی وظایف مردان در برابر زنان نامحرم را بیان می‌کند و نیز از دیگر سخنان اهل‌بیت (علیهم السلام) می‌توان دریافت، در آیات مربوط به حجاب نیز به روشنی می‌توان دید. در سوره مبارکه نور، پیش از آنکه خداوند به زنان دستور حجاب بدهد، مردان را به حفظ کردن چشم و خودداری از نگاه به زنان امر می‌کند.(۲)

---

۱- ر. ک: مریم: ۱۷ - ۱۹

۲- ر. ک: نور: ۳۰.

ص:۵۶

بنـابراین رعـایت حجـاب فقـط وظیفه زنـان نیست؛ به‌ویژه اگر حجاب را رفتاری عفیفانه میان زن و مرد معنا کنیم، از دیـدگاه اسـلام تفاوتی در رعایت آن برای زن و مرد وجود ندارد.

نکته مهمی که بایـد به آن توجه داشت، این است که حجـاب زنان بسـیار به حجاب مردان بسـتگی دارد. ازاین‌رو اگر بخواهیم زنان مسـلمان به حجاب خود توجه کامل داشـته باشـند، بایـد فضای حاکم بر جامعه مسـلمانان فضای سالم باشد؛ زیرا به تجربه ثابت شده حفـظ حریم حجـاب و عفـاف، فقـط بر عهـده زنـان نیست و نمی‌توان این وظیفه مهم را فقـط به آنـان سپرد. بلکه مردان نیز بایـد با رفتارهای مناسب خود، در برپایی این فضا شـرکت فعال داشـته باشـند. مردی که در برخورد با زنان نامحرم، چشم خود را می‌بندد و رفتاری سـنگین و باوقار دارد، نه تنها به وظیفه شخصـی خود که آلوده نشـدن به گناه است، عمل کرده، بلکه برای تقویت حجاب و عفاف زنان جامعه قدمی برداشـته است. در مقابل، کسانی که در برخورد با زنان، به‌ویژه زنانی که به حجاب خود اهمیت نمی‌دهند، به‌گونه‌ای رفتار می‌کننـد که آنان را به بدحجابی تشویق می‌کنند، به یقین، زمینه دور شدن آنها از حجاب را فراهم کرده‌اند. بنابراین گسترش فرهنگ حجاب، مانند مشارکت در حمل باری سـنگین است که یک طرف آن را زنان بلند کنند و طرف دیگر را مردان بر دوش خود
بگذارند.

در اینجا برای روشن‌تر شدن نقش مردان در ایجاد عفاف و پاکی در جامعه، چند سـخن نورانی از امامان معصوم (علیهم السلام) نقل می‌کنیم:

ص:۵۷

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

اِنّما المَرْأَةُ لُعْبَةٌ فَمَنِ اتَّخَذَها فَلْیُغَطِّها.(۱)

به راستی که زن، شادی‌بخش زندگی است. هر کس او را به همسری گرفت، باید بپوشاندش.

در این حدیث، امام علی (علیه السلام) مردان را مأمور حفاظت از حجاب زنان قرار داده است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز می‌فرماید:

مَنْ کانَ یُؤْمِنُ بِاللهِ وَ الْیَومِ الآخِرِ فَلا یَبِتْ فی مَوضِعٍ یَسمَعُ نَفَسَ امْرَأَةٍ لَیْسَتْ لَهُ بمَحْرَم.(۲)

هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، شب را در جایی به صبح نمی‌رساند که صدای تنفس زن نامحرم به گوشش برسد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سخنی دیگر به مردان می‌فرماید:

اِیّاکُم وَ مُحادَثَةَ النِّساءِ فَاِنَّهُ لا یَخْلُو رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ لَیْسَ لَها مَحْرَمٌ اِلّا هَمَّ بِها.(۳)

از گفت‌وگو و خندیدن با زنان بپرهیزید که هرگاه مردی بیگانه با

زنی خلوت کند، قصد [سوء استفاده از] او را می‌کند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سخن دیگری به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

یا علیُّ مَنْ اَطاعَ امْرَأَتَهُ اَکَبَّهُ اللهُ عَلی وَجْهِهِ فِی النّارِ. فقال علی (علیه السلام) :

---

۱- غرر الحکم و دررالکلم، ج۱، ص۲۹۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص۱۸۵.

۳- نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، ص۲۰۲.

ص:۵۸

وَماتِلْکَ الطّاعَهُ؟ قال: یَأذَنُ له فِی الذّهابِ اِلی الحمّاماتِ وَ الْعُرُساتِ والنّائِحاتِ وَلُبْسِ ثیابِ الرِّقاق.(۱)

ای علی! هر مردی از زنش اطاعت کند، خداوند او را به صورت، به دوزخ می‌اندازد. امام علی (علیه السلام) عرض کرد: «در چه چیزی از زنش اطاعت کند؟» فرمود: «به او اجازه دهد به جاهای نامناسب [که سبب کم رنگ شدن حجاب او می‌شود،] مانند حمام‌های بیرون از خانه و مجالس عروسی و سوگواری برود یا اجازه دهد [در حضور نامحرمان] لباس‌های نازک و بدن‌نما بپوشد» .

با توجه به احادیث بیان شده، عفاف و حجاب زن به عفاف و حجاب مرد بستگی دارد و این مرد است که با رفتارش می‌تواند زنان را به حجاب یا بی‌حجابی و بی‌عفتی تشویق کند.

## حجاب و پوشش در سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

### اشاره

زنان باحجاب، مشمول دعای پیامبرند؛ چنان‌که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: روزی من و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با جمعی از اصحاب ایشان داخل بقیع نشسته بودیم. در این هنگام زنی که بر مرکبی سوار بود، از جلوی ما
گذشت. ناگهان پای مرکب در گودالی فرو رفت و آن زن، از روی مرکب بر زمین افتاد. در آن زمان مردان و زنان اغلب، لباس بلندی می‌پوشیدند. ولی از شلوار استفاده نمی‌کردند. پیامبر برای اینکه نگاهش به پای زن

---

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹.

ص:۵۹

نیفتد، رویش را به سوی دیگر برگرداند. اصحاب گفتند: «ای رسول خدا! آن زن شلوار دارد [و پاهایش پوشیده است]» . حضرت چنان از پوشش زن خوشحال شد که سه مرتبه او را دعا کرد و فرمود: «خدایا! زنانی را که شلوار به تن می کنند، بیامرز!» سپس افزود: «ای مردم! شلوار بپوشید که بهتر شما را می‌پوشاند و زنانتان را نیز وقتی از خانه خارج می‌شوند، با پوشش شلوار از دید نامحرم حفظ کنید»(۱)

## ناراحت شدن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از بدحجاب

«عایشه» می گوید: روزی خواهرم «اسماء» که دختر جوانی شده بود، درحالی که لباس‌های نازکی بر تن داشت، نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) تا او را دید، از ناراحتی رویش را برگرداند. سپس فرمود: «ای اسماء! وقتی دختری به سن بلوغ می‌رسد، [باید در برابر نامحرم چنان خود را بپوشاند که] جز صورت و دست‌هایش تا مچ، جایی از بدنش دیده نشود» (۲)

این حدیث زیبا پیامی روشن برای همه زنان به‌ویژه بانوان زائری دارد

که نماینده ایران اسلامی و اهل بیت (علیهم السلام) هستند. پیام این حدیث آن است که اگر زنان زائر بخواهند لباسی برای خود انتخاب کنند که در سرزمین گرمی مانند مکه و مدینه گرم نباشد، باید به این مطلب توجه کنند که پارچه آن نازک نباشد و بدن آنها نمایان نشود.

---

۱- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۲۴۴.

۲- سنن ابی‌داود، ابی‌داود سلیمان بن الاشعث، ج۴، ص۸۷.

ص:۶۰

آیا سزاوار است زائری که پس از عمری چشم‌انتظاری، خدا به او منت گذاشته و وی را به زیارت خانه‌اش دعوت کرده است، وقتی به این مکان‌ها می‌رود، به‌گونه‌ای لباس بپوشد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یا امامان معصوم (علیهم السلام) از او روی بگردانند؛ همان‌گونه که پیامبر از اسماء، خواهر عایشه به دلیل پوشیدن لباس‌های نازک و بدن‌نمایش روی برگرداند؟ !

با توجه به سخن دیگری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، زنان همان‌گونه که باید خود را از نامحرم بپوشانند و اجازه ندهند نامحرم آنها را ببینند، خود نیز نباید به نامحرم بنگرند.(۱)همچنین نقل شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنان را از نگریستن به مردان نامحرم نهی کرده‌است.(۲)

### «ام رعله» و سفارش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به او

ام رعله، زنی سخنور و خوش صحبت بود. روزی خدمت رسول‌خدا (صلی الله علیه و آله) رسید و عرض کرد: «یا رسول الله! ما زنان چه کاری انجام دهیم که به خدا نزدیک شویم؟» حضرت فرمود: «هر روز و هر شب، خدا را به یاد داشته باشید و از نامحرم دوری کنید و صدایتان را از حد

معمول بلندتر نبرید!»

ام رعله به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: «ای رسول خدا! من آرایشگر زنان هستم و آنها را برای شوهرانشان آرایش می‌کنم» . پیامبر فرمود: «بر هر زنی لازم است خود را برای شوهرش بیاراید و زینت کند. چنین کاری

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۲۲.

۲- «عنه۹: اَنّه نَهَی النِّساءَ اَنْ یَنْظُرنَ اِلَی الرِّجالِ» . مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۲۸۶.

ص:۶۱

را ادامه بـده که بر اثر آراستگی زن شوهردار، مردان به همسران خود دل خوش می‌کنند و فساد و خرابی در جامعه رواج پیدا نمی‌کند»(۱)

## پیامد بی‌توجهی به حجاب

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: من و فاطمه (علیها السلام) محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدیم، درحالی‌که حضرت به شدت می‌گریست. گفتم: «پدر و مادرم فدای شما، ای رسول خدا! چه چیزی شما را گریانده است؟» پیامبر فرمود: «ای علی! در شبی که به سفر آسمانی معراج رفتم، زنانی از امت خود را دیدم که در عذاب سختی بودند. پس برای شدت عذابی که [زنان امتم] در آن گرفتار بودند، گریستم. آنجا زنی را دیدم که با موهایش در دوزخ آویزان شده بود، درحالی‌که مغز سرش می‌جوشید. . . و زنی را دیدم که گوشت خود را با قیچی‌هایی از آتش قطعه‌قطعه می‌کرد. . .» .

فاطمه (علیها السلام) گفت: «ای حبیب من و ای نور چشمم! به من بگو عمل و رفتار آن زن‌ها چه بوده که خداوند این عذاب را بر آنها قرار داده است؟»

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای دخترم! آن زنی که با موهایش آویزان شده بود، زنی بود که موی سرش را از مردان نامحرم نمی‌پوشاند. . . و آن زنی که گوشت خود را با قیچی‌ها پاره پاره می‌کرد، زنی بود که خود را در معرض مردان نامحرم قرار داده بود» . (۲)

---

۱- نماز بانوان، عباس عزیزی، ص۱۴۴، به نقل از: نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، ص۳۵۴.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص۲۴۷.

ص:۶۲

## سفارش پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) به رعایت حجاب

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به «حولاء» ، همسر «عطاره» فرمود: «ای حولاء! زینت و زیبایی خود را برای غیر شوهرت آشکار نکن. برای زن جایز نیست مچ و پایش را برای مرد نامحرم آشکار سازد و اگر مرتکب چنین عملی شود [و به‌طور کامل بدنش را نپوشاند]، خداوند سبحان همیشه او را لعنت می کند؛ به خشم و غضب خداوند بزرگ گرفتار می‌شود؛ فرشتگان الهی او را لعنت می کنند و به عذاب دردناکی در روز قیامت دچار می‌شود» .

آن گاه حضرت افزود: «ای حولاء! هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد، زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نمی کند و همچنین موی سر و بدن خود را نمایان نمی‌سازد و هر زنی که این کارها را برای غیر شوهرش انجام دهد، دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت به خود خشمگین کرده است» .(۱)این احادیث، هشداری است برای زنان مسلمانی که حجابشان کامل نیست و به عمد یا از روی بی توجهی

قسمتی از موی سر خود را نمی‌پوشانند و از اینکه با بدحجابی در معرض نگاه نامحرم قرار بگیرند، ابایی ندارند.

## بی‌توجهی به حجاب همسر

روایت‌های فراوانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره حساسیت مردان نسبت به حجاب همسران و محارمشان وجود دارد. پیامبر خدا در این روایت‌ها

---

۱- مستدرک الوسائل، ج۱۴، صص۲۴۲ و ۲۴۴.

ص:۶۳

این بی‌توجهی را نهی کرده و زشت شـمرده است. امام رضا (علیه السلام) در این‌باره فرمود: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هفت نفر را لعنت کرد که یکی از آنها مردی است که به پوشش و حیای همسرش بی‌توجه است»(۱)

در برخی روایات نیز، رسول خدا (صـلی الله علیه و آله) به مردانی که اجازه می‌دهند همسرانشان، درحالی‌که خود را معطر کرده‌اند، از منزل خارج شونـد، هشـدار داده و فرموده است: «با هر قـدمی که این زن بر می‌دارد، برای همسـرش خانه‌ای در دوزخ بنا می‌شود» (۲).از این سـخنان می‌توان به میزان مسـئولیت مردان در حفظ حجاب زنانشان پی‌برد. در حقیقت، آیات حجاب فقط خطاب به زنان نیست، بلکه مردان نیز وظیفه دارند همسران و دیگر محارم خود را به رعایت این فریضه الهی آگاه کنند و قاطعانه از بی‌توجهی آنها جلوگیری کنند.

## حجاب در سیره امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

### امام علی (علیه السلام) و نامحرم

«ابن عبـاس» می‌گویـد: پس از نزول آیه ۵۳ احزاب کـه به مردان دسـتور می‌داد بـا زنـان پیـامبر (صـلی الله علیه و آله) از پشت پرده صحبت کنید، علی (علیه السـلام) برای دیدار رسول خدا (صـلی الله علیه و آله) به منزل ام سـلمه رفت و در زد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) کوبنده در را شناخت، ولی ام سلمه او را نشناخت. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به همسرش فرمود:

---

۱- مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۲۹۱.

۲- همان، ص۲۴۹.

ص:۶۴

«برو و در را برای او بـاز کن» . ام سـلمه پرسـید: «مگر چه کسـی پشت در است که من بایـد در را برای او باز کنم؟ ! مگر دیروز آیه نـازل نشـد که با زنان پیامبر از پشت پرده صـحبت کنیـد؟ ! آیا من بایـد با محاسن و زیبایی‌هایم جلوی او ظاهر شوم؟ !» رسول خـدا (صـلی الله علیه و آله) از این سـخن ام سـلمه ناراحت شد و فرمود: «هرکس دستور پیامبر را اطاعت کند، دستور خدا را اطاعت کرده است. بلند شو و در را بازکن. همانا پشت در، مردی است که نه نادان است و نه سـبک مغز و نه عجول؛ خدا و پیامبر را دوست دارد و خـدا و پیـامبر نیز او را دوست دارنـد. هرگز وارد خـانه نمی‌شود، مگر آنکه زن خانه چنان از او دور شود که صـدای پایش شـنیده نشود» . ام سـلمه به طرف در رفت، درحالی‌که نمی‌دانست چه کسـی پشت در است و سـخنان پیامبر (صـلی الله علیه و آله) را درباره کوبند در تکرار می‌کرد. وقتی در را گشود، امام علی (علیه السـلام) آن‌قدر جلوی در ایستاد تا ام‌سلمه از کنار در دور و وارد اتاقش شد. سپس امام وارد شد و به رسول‌خدا (صلی الله علیه و آله) سلام کرد.

آن‌گاه ام‌سلمه او را شناخت.(۱)

## سلام کردن به نامحرم

امام صادق (علیه السـلام) می‌فرماید: «رسول خدا (صـلی الله علیه و آله) عادت داشت به زنان سـلام کند و آنان نیز پاسخ سـلام او را می‌دادنـد. امیرمؤمنـان علی (علیه السـلام) نیز ماننـد پیـامبر (صـلی الله علیه و آله) به زنان سـلام می‌کرد. ولی دوست نـداشت به زنان جوان سلام

---

۱- تفسیر البرهان، سیدهاشم بحرانی، ج۶، ص۲۹۹.

ص:۶۵

کنـد و می‌فرمود: «می‌ترسم از صـدای جواب سـلام آنان خوشم بیاید و در این صورت، زیانی که بر من وارد می‌شود، بیش از ثوابی باشد که از سلام کردن به آنان می‌طلبم»(۱)

گفتنی است، حضـرت این سـخن را زمانی فرمود که خود جوان بود، ولی رسول خـدا (صـلی الله علیه و آله) در حالی به زنان سـلام می‌کرد که از سن میان‌سالی گذشته بود.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز درباره برقراری رابطه عاطفی با نامحرم می‌فرماید:

«لا تُبْدِوا النِّساءَ بِالسَّلامِ وَلا تَدْعوهُنَّ اِلی الطَّعامِ»(۲)؛ «به زنان سلام نکنید و آنان را به غذا خوردن با خود دعوت نکنید» .

## زائر مرقد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

«یحیی مازِنی» از اصحاب امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌گوید: من در مدینه

مدت‌ها همسایه امیرمؤمنان علی (علیه السـلام) بودم. اما به خدا سوگند! هرگز شکل و شمایل دخترش زینب (علیها السلام) را ندیدم و صـدای او را نشـنیدم. آن بزرگوار چنان عفیف و با حیا بود که هرگاه می‌خواست از خانه خارج شود و به زیارت مرقد رسول خدا (صـلی الله علیه و آله) برود، شـبانه می‌رفت و این در حالی بود که امام حسن (علیه السـلام) سمت راست و امام حسین (علیه السلام) سمت چپ و امیرمؤمنان (علیه السـلام) جلوی ایشان حرکت می‌کردند. زمانی که نزدیک مرقد شـریف رسول خدا (صـلی الله علیه و آله) می‌رسیدند، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) جلو می‌رفت و چراغی را که بر

---

۱- کافی، ج۲، ص۶۴۸.

۲- همان، ج۵، ص۵۳۴.

ص:۶۶

فراز قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) روشن بود، خاموش می کرد. یک‌بار امام حسن (علیه السلام) پرسید: «پدرجان! چرا این چراغ را خاموش می کنید؟» حضرت فرمود: «می‌ترسم چشم نامحرمی به خواهرت زینب بیفتد»(۱)

آری، این شعاع کوچکی از خورشید عفت و حیای دختر علی (علیه السلام) است. زنان ما باید افتخار کنند که آموزگار بزرگی چون زینب کبرا (علیها السلام) دارند؛ آموزگاری که درس پاکی و عفافی که او و خانواده‌اش به انسان‌ها می‌دهند، بی‌مانند است.

## حجاب در سیره حضرت زهرا (علیها السلام)

### اشاره

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) الگوی کامل همه انسان‌ها در تمام کمالات انسانی است و حتی ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز خود را دست پرورده این مادر گرانقدر و عالی‌مقام می‌دانند. آن حضرت در توجه به حجاب و عفاف،

بهترین الگو برای زنان مسلمان است. ایشان با سخنان و رفتار خود، اهمیت حجاب را برای زن به روشنی تبیین کرده است که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود.

### حضرت فاطمه (علیها السلام) ومرد نابینا

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «روزی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در خانه دخترش فاطمه زهرا (علیها السلام) بود که مردی نابینا اجازه ورود خواست. حضرت فاطمه (علیها السلام) به سرعت از جا برخاست تا به مکانی دیگر رود و در حضور

---

۱- فاطمهٔ الزهرا۳، رحمانی همدانی، ص۶۴۲.

ص:۶۷

مرد نابینا نباشد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از روی تعجب (و شاید برای آزمایش دخترش) فرمود: چرا خود را از این مرد پنهان می کنی، درحالی که او نابیناست و تو را نمی‌بیند؟ حضرت فاطمه (علیها السلام) عرض کرد: اگر چه او مرا نمی‌بیند، ولی من او را می‌بینم. همچنین او می‌تواند بوی مرا استشمام کند. [پس به این دو دلیل، ماندن من در اتاق جایز نیست]. رسول‌خدا (صلی الله علیه و آله) که از این پاسخ زیبا، بسیار خوشحال شده بود، فرمود: گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی»(۱)

## حضرت فاطمه (علیها السلام) وسخنرانی در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله)

«عبدالله بن حسن» از پدران معصوم خود (علیهم السلام) نقل می کند، وقتی عده‌ای از مهاجرین و انصار تصمیم گرفتند برخلاف سفارش‌های رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ، خلافت را از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) سلب کنند، به دنبال آن،

تصمیم دیگری اجرا شد و آن گرفتن فدک از فاطمه (علیها السلام) بود. این در حالی بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امر خداوند این سرزمین حاصل‌خیز را به ایشان بخشیده بود. وقتی این خبر به حضرت فاطمه (علیها السلام) رسید، نخست کوشید غاصبان فدک را از کار اشتباهشان آگاه سازد، ولی پس از اینکه آنان حاضر نشدند فدک را به آن بزرگوار بازگردانند، حضرت تصمیم گرفت، به مسجد برود و در حضور مردم سخنرانی و از غاصبان فدک انتقاد کند.

آن بزرگوار پیش از حرکت، مقنعه بر سر کرد و بندهای آن را محکم بست. سپس چادری بلند روی آن پوشید، چنان‌که تمام بدن مطهرش را

---

۱- میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۱۸۹.

ص:۶۸

فرا گرفت. آن‌گاه از منزل بیرون آمد، درحالی‌که اطراف ایشان را جماعتی از زنان بنی‌هاشم و دوستداران آن حضرت گرفته بودند. آن حضرت درحالی‌که هنگام راه رفتن، چادر و لباس‌هایش بر اثر بلند بودن، زیر پایش می‌رفت، به‌سوی مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) روانه شد.(۱)

## توجه حضرت فاطمه (علیها السلام) به حجاب در آخرین لحظه‌های عمر

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هنگامی که زمان وفات حضرت فاطمه (علیها السلام) رسید، به «اسماء بنت عمیس» که از ایشان پرستاری می‌کرد، فرمود: ای اسماء! من دوست ندارم هنگام تشییع جنازه‌ام، حجم بدنم را نامحرم ببینند. آیا می‌توانی کاری کنی که چنین اتفاقی نیفتد؟ (گفتنی است که در آن زمان، تشییع جنازه با تابوت‌هایی مانند تابوت‌های امروزی که دارای
دیواره است، صورت نمی‌گرفت و جنازه را بر روی یک تخته صاف حمل می‌کردند.) اسماء فکری کرد و گفت: من زمانی که در حبشه بودم، می‌دیدم مردم برای بردن جنازه، از تابوت‌هایی استفاده می‌کردند که دیواره داشت و حجم بدن را می‌پوشاند. آن‌گاه ماکت آن را درست کرد و به آن حضرت نشان داد. حضرت زهرا (علیها السلام) درحالی‌که از این موضوع بسیار خوشحال شد، فرمود: «برای من چنین تابوتی درست کن و با آن بدن مرا بپوشان. خداوند تو را [به عوض این کار] از آتش دوزخ نگه‌دارد»(۲)

---

۱- احتجاج، ج۱، ص۲۵۳.

۲- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، ج۱، ص۴۶۹.

ص:۶۹

## تقرب به حضرت فاطمه (علیها السلام)

انسان بایـد همواره انجام دادن کار خیر را غنیمت شـمارد و تصور کنـد که شایـد نتوانـد دوباره به انجام آن کار موفق شود. حتی در عبادتی مانند نماز که حداقل روزی پنج بار می‌خوانیم، به ما سفارش شده است، هر یک از نمازهای یومیه خود را به نیت نماز مودّع بخوانیم؛ یعنی با این خیال نماز بخوانیم که گویی این آخرین نماز ماست و پس از آن دیگر زنـده نیستیم که دوباره توفیق پیدا کنیم و نماز بخوانیم. پس نماز وداع می‌خوانیم! بدیهی است با این تصور، انسان می کوشد تا بهترین نماز را به پا دارد.

زمانی که به زیارت مشرف می‌شویم به‌ویژه زیارت سرزمین وحی نیز

همین گونه است. وقـتی کسـی توفیق زیـارت مـدینه و مکه یـا عتبـات مقـدسه را پیـدا می کنـد، معلوم نیست دوبـاره این سـفر نورانی نصیبش شود. بنابراین باید تمام بهره خود را از این سفرها بگیریم.

زائری که وارد مـدینه می‌شود و به زیارت رسول خدا (صـلی الله علیه و آله) و فرزندان پاک او مشـرف می‌شود، پشت دیوار بقیع، با تضـرع و التماس، دست به دامان دختر پیامبر می‌شود و از این بانوی عالی‌مقام و با کرامت، تقاضای لطف و کرم دارد و می‌دانـد اگر این بزرگوار گوشه چشـمی به انسان نظر کند، از تمام دنیا ارزشـمندتر است. پس چرا در این فرصت استثنایی، بهترین‌ها را نخواهد؟ گفتنی است بهترین حاجتی که می‌توان با توسل به فاطمه (علیها السلام) به دست آورد، این است که آن بزرگوار، الگوی ما در همه امور زندگی باشد و از آن حضرت پیروی کنیم؛ یعنی به گونه‌ای زندگی

ص:۷۰

کنیم که حضرت فاطمه (علیها السلام) آن را تأیید کند و آن‌گاه که از مدینه خارج می‌شویم، آن حضرت از ما خشنود باشد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هرکه فاطمه از او خشنود باشد، خداوند از او خشنود خواهد بود» (۱)

بانویی که به مدینه می‌آید، اگر توجه داشته باشد که به چه مکانی قدم گذاشته، در مدینه احساس غربت نمی‌کند، بلکه احساس می‌کند به خانه خودش بازگشته است، نشانه این نزدیکی با مدینه، آن است که زن در این مکان، به یاد امور دنیایی نیست و چنان با آرامش زیارت می‌کند که هیچ کاری در دنیا جز زیارت ندارد. چنین بانوی زائری، خود را چون

دختر کوچکی می‌بیند که آمده است تا سر به دامان مادر بگذارد و حرف‌هایش را به او بگوید. بنابراین این لحظه، بهترین زمان است که با این مادر عزیزتر از جانش پیمان ببندد که در تمام امور زندگی، به‌ویژه در پوشش و حجاب و نوع رفتارش با نامحرم، به‌گونه‌ای باشد که حضرت زهرا (علیها السلام) از او خشنود باشد. حضرت فاطمه‌ای که دوست ندارد حجم بدن مطهرش حتی پس از مرگ نیز دیده شود، چگونه از خانمی که لباس‌های تنگ می‌پوشد و بدون چادر در کوچه و خیابان ظاهر می‌شود، خشنود می‌شود؟ !

آیا به دست آوردن مادری چون فاطمه (علیها السلام) که تمام انبیاء و اولیاء، افتخار می‌کنند که به مقام ایشان متوسل شوند و پس از پدر و شوهرش، هیچ شخصی چه در دنیا و چه در آخرت، به مقامش نمی‌رسد، ارزش

---

۱- فرائد السمطین، حموینی، ج۲، ص۶۷.

ص:۷۱

این را ندارد که با رعایت پوشش و حجاب کامل، او را از خود راضی نگه داریم و فردای قیامت در زمره دوستانش قرار گیریم؟ آیا پوشیدن چادر برای خانمی که تا کنون به آن عادت نکرده، آن‌قدر مشکل است که نعمت بزرگ انتساب به بانوی دو عالم، حضرت زهرا (علیها السلام) را از دست بدهد؟

پس شایسته است زن مسلمان که زائر بیت الاحزان و سرگشته کوی فاطمه (علیها السلام) شده است، حال که توفیق زیارت مقام ملکوتی این مادر آسمانی را پیدا کرده، با خدای خود و در حضور این بانو، پیمان ببندد، پس از این، دیگر لباس نورانی حجاب و چادر مقدسی که هدیه بی‌بدیل

فاطمه به زنان عالم است، از تن بیرون نکند.

## پرسشی که همه جز حضرت فاطمه (علیها السلام) ، از پاسخ آن درماندند

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من و عده‌ای از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد ایشان بودیم که آن حضرت پرسید: «بهترین ویژگی‌زنان چیست؟» هیچ یک از ما نتوانستیم پاسخ دهیم تا اینکه جلسه به پایان رسید و از یکدیگر جدا شدیم. من به سوی فاطمه رفتم و او را از آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ما پرسیده بود، آگاه کردم و گفتم: کسی از ما نتوانست به آن پاسخ دهد. فاطمه (علیها السلام) فرمود: «ولی من پاسخ آن را می‌دانم. بهترین ویژگی زنان این است که به مردها نگاه نکنند و مردها نیز آنان را نبینند» .

نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفتم و عرض کردم: ای رسول خدا! شما پرسیدی چه چیز برای زنان بهتر است. من اکنون پاسخ آن را می گویم و همان

ص:۷۲

پاسخی را که فاطمه (علیها السلام) داده بود، بازگو کردم. آن حضرت فرمود: «تو وقتی نزد من بودی پاسخ این پرسش را نمی‌دانستی. چه کسی این پاسخ را به تو آموخت؟» عرض کردم: فاطمه. پیامبر (صلی الله علیه و آله) شگفت‌زده شد و فرمود: «به راستی که فاطمه پاره تن من است» .(۱)

در حقیقت، این روایت حد عفاف زن را مشخص می‌کند. حد عفاف زن آن است که به‌گونه‌ای در جامعه ظاهر شود که نه خود به نامحرمی نگاه شیطانی کند و نه اجازه دهد که نامحرمی به او نگاه کند، بلکه

طوری خود را بپوشاند که نامحرمان حرمت او را نگه دارند.

## حجاب در سیره امام صادق (علیه السلام)

### اشاره

از امام صادق (علیه السلام) نیز درباره حجاب و داشتن رفتار صحیح با نامحرم، سخنان زیبایی نقل شده است. در روایتی آمده است:

عَنِ الحَلَبی عَنْ أبی عَبدِالله (علیه السلام) قالَ: لا یَصْلُحُ لِلْمَرْأَةِ المُسْلِمَةِ اَنْ تَلْبِسَ مِنَ الخُمُرِ وَالدُّرُوعِ ما لا یُواری شیئاً.(۲)

حلبی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که ایشان فرمود: برای زن مسلمان جایز نیست روسری و دیگر لباس‌هایش به‌گونه‌ای باشد که جایی از بدنش را نپوشاند.

بنابراین روایت، نمی‌توان گفت کسانی که مقنعه و چادر می‌پوشند حجاب را رعایت کرده‌اند؛ زیرا ممکن است لباس آنها نازک باشد و

---

۱- کشف الغمه، عیسی اربلی، ج۲، ص۹۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج۱۴، ص۲۵۵.

ص:۷۳

بـدنشان از زیر آن مشـخص باشـد. بانوان عمره گزار و حـج گزار ما بایـد بیشتر به این نکته مهم توجه کننـد؛ زیرا گاه برخی از بانوان برای فرار از گرمـا، از مانتوهـا و لباس‌هـای نـازک و سـفید اسـتفاده می کننـد، غافل از اینکه این لباس‌ها نه‌تنها در حفظ حجاب آنها بی‌تأثیر است، بلکه احرام آنها را نیز دچار اشکال می کند؛ زیرا فقها و مراجع گرانقدر این لباس را برای احرام کافی نمی‌دانند.
نکته دیگر تأثیر پوشیدن این لباس بر افکار دیگر ملت‌هاست. وقتی
زن شـیعه ایرانی بر اثر بی‌توجهی، از این گونه لباس‌هـا اسـتفاده می کنـد، آثـاری سوء بر دیگر ملت‌ها می گـذارد؛ ملت‌هایی که بیشتر آنها اهل سـنت هسـتند. این سـبب می‌شود که آنها شـیعیان و زنانشان را به بی‌مبالاتی و نادانی نسبت به شرع اسلام محکوم کنند که این تحقیر و تمسخر، مکتب تشیع و اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نیز در بر خواهد گرفت.

## ابوبصیر و شوخی با نامحرم

«ابوبصـیر» که مردی نابینـا و از اصـحاب امام باقر (علیه السـلام) و امام صادق (علیه السـلام) است، می گویـد: وقتی در کوفه زنـدگی می کردم، زنی از من خواست به او قرائت قرآن بیاموزم و من پذیرفتم. او روزها نزد من می‌آمد و از من قرآن می‌آموخت. روزی در میان درس، با او کمی شوخی و مزاح کردم، ولی هرگز گمان نمی کردم، شوخی با نامحرم کار بـدی باشد تا اینکه پس از مدتی، به مدینه سفر کردم و به محضر ابی‌جعفر امام باقر (علیه السلام) رسیدم. آن حضرت در همان آغاز دیدار به من فرمود:
«مَنِ ارْتَکَبَ الذَّنْبَ فِی الخَلَاءِ

ص:۷۴

لَمْ يَعْبَأِ اللّهُ بِهِ» ؛ «هرکس در خلوت مرتکب گناه شود، خدا به او نظر رحمت نمی‌کند» . سپس مانند کسی که در آن جلسه قرائت قرآن حاضر بوده است، مرا سرزنش کرد و فرمود: «به آن زن چه گفتی؟ !» من از خجالت صورتم را پوشاندم و توبه کردم. سپس ابوجعفر (علیه السلام) فرمود: «دیگر چنین کاری را تکرار نکن» .(۱)

این داستان به ما می‌آموزد، ارتباط میان زن و مرد نامحرم حد و حدودی دارد و باید در این‌گونه رابطه‌ها ادب و نزاکت و مسائل شرعی رعایت شود و اگر زن و مرد حتی اندکی از این محدوده خارج شوند و احساس خودمانی بر این ارتباط حاکم شود، مورد رضایت ائمه (علیهم السلام) نیست؛ زیرا همین رفتارها و ارتباطها حجاب و عفاف زن را به تدریج، کم رنگ می‌کند.

به دو روایت در همین باره اشاره می‌کنیم. امام علی (علیه السلام) در بخشی از یک حدیث طولانی، می‌فرماید:

مَنْ مازَحَ الجَواری وَ الْغِلْمانَ فَلا بُدَّ لَهُ مِنَ الزّنا و لا بُدَّ لِلزّانی منَ النّار.(۲)

هرکس با دختران و پسران جوان، شوخی‌های زننده کند، به ناچار به زنا مبتلا و بی‌شک، به آتش دوزخ گرفتار خواهد شد.

همان‌طور که گفتیم، این‌گونه ارتباطهای نامناسب، حریم حیا را در

---

۱- بحارالانوار، ج۴۶، ص۲۴۷.

۲- مستدرك الوسائل، ج۱۴، ص۳۳۱.

ص:۷۵

میان زن و مرد از بین می‌برد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در این‌باره فرمود:

مَنْ فاکَهَ امْرَأَةً لا یَمْلِکُها حَبَسَهُ اللهُ بِکُلِّ کَلِمَةٍ کَلَّمَها فِی الدُّنْیا اَلْفَ عامٍ.(۱)

هرکس با زنی غیر از همسر خود شوخی و سبکی کند، خداوند [روز قیامت] او را در برابر هر کلمه‌ای که با آن زن در دنیا سخن گفته است، هزار سال زندان می‌کند.

## عیادت از نامحرم

یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) به نام «محمدبن ابی‌عمیر» ، دو خواهر به نام‌های «سعیده» و «منّه» داشت. آنها روزی از محضر امام صادق (علیه السلام) اجازه خواستند تا خدمتش برسند و از ایشان پرسش‌هایی درباره حجاب و حدود رابطه با نامحرم بپرسند. وقتی به محضر امام رسیدند، یکی از آنها پرسید: آیا زن مسلمان می‌تواند از برادر مسلمانش [در هنگام بیماری و مانند آن] عیادت کند؟ حضرت فرمود: «اشکالی ندارد» . او پرسش دیگری مطرح کرد و سپس پرسید: خواهرم که همراه من است به عیادت برادران مسلمانش می‌رود، [نظرتان چیست؟] حضرت [به او رو کرد و] فرمود: «وقتی به زیارت برادر مسلمانت می‌روی، لباس رنگارنگ و جذاب نپوش!»(۲)

از سخن امام صادق (علیه السلام) در این روایت در می‌یابیم، اسلام با رابطه

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص۱۹۸.

۲- کافی، ج۵، ص۵۲۶.

ص:۷۶

سالم زن و مرد مشکلی ندارد، ولی هشدار می‌دهد که باید از هرگونه رفتار یا سخن یا پوششی که به ناسالم شدن این روابط می‌انجامد، خودداری شود.

## حجاب پیرزنان

چه تفاوتی میان حجاب پیرزنان و حجاب زنان جوان وجود دارد؟

آیا در نوع حجاب، با هم متفاوتند؟ با توجه به آیات قرآن و برخی روایت‌ها، زنان جوان باید حجابشان بیشتر از پیرزنان باشد؛ زیرا توجه و نظر مردان بیشتر به سوی زنان جوان است تا زنان مسن و سال‌خورده. خداوند در سوره نور آیه ۶۰، این مطلب را چنین بیان می‌کند:

وَ الْقَواعِدُ مِنَ النِّساءِ اللاَّتِی لا یَرْجُونَ نِکاحاً فَلَیْسَ عَلَیْهِنَّ جُناحٌ أَنْ یَضَعْنَ ثِیابَهُنَّ غَیْرَ مُتَبَرِّجاتٍ بِزِینَهٍٔ وَ أَنْ یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهُنَّ وَ اللهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ

و زنان از کار افتاده [و پیر] که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های [رویی] خود را بر زمین بگذارند، به شرط اینکه در برابر مردان، خودآرایی نکنند و [البته] اگر خود را بپوشانند، برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و داناست.

حال باید پرسید منظور از لباس رویی چیست.

## حجاب بدون چادر مخصوص زنان مسن

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به سؤال شخصی که پرسید: منظور خداوند از اینکه پیرزنان می‌توانند لباس رویی خود را کنار بگذارند، چیست، فرمود:

ص:۷۷

«تَضَعُ الجَلْبابَ وَحْدَهُ»(۱)؛ «پیرزنان فقط می‌توانند چادر را کنار بگذارند» .

از این سخن در می‌یابیم که لازم است زنان جوان از حجاب برتر؛ یعنی چادر استفاده کنند و حجاب با مانتو را برای پیرزنان بگذارند.

متأسفانه امروزه در جامعه اسلامی برخی زنان جوان، حجاب مخصوص پیرزنان؛ یعنی مانتو را برای خود برگزیده‌اند و در مقابل، پیرزنان از حجاب جوانان استفاده می کنند.

امام صادق (علیه السلام) در سخنی دیگر نیز به بیان تفاوت حجاب زنان جوان و پیر پرداخته و رعایت حجاب را برای زنان جوان لازم‌تر دانسته است. آن حضرت دراین‌باره می‌فرماید:

لَیْسَ یَنْبَغی لِلْمَرْأَةِ الشّابَّةِ اَنْ تَخْرُجَ اِلَی الْجِنازَةِ تُصَلّی عَلَیْها اِلّا اَنْ تَکُونَ امْرَأَةً قَدْ دَخَلَتْ فِی السِّنِّ. (۲)

بر زن جوان سزاوار نیست به تشییع جنازه رود و بر آن نماز بگذارد، مگر آنکه زنی مسن و پیر باشد.

منظور از این سخن این است که زنان جوان باید کمتر از خانه خارج شوند و حتی بهتر است در امور مستحبی مثل تشییع جنازه حاضر نشوند.

امام صادق (علیه السلام) در سخن دیگری درباره حجاب کنیزان می‌فرماید: کنیزان نه تنها لازم نیست چادر سر کنند، بلکه اگر از مقنعه نیز استفاده نکنند [و به جای آن یک روسری ساده بپوشند]، کافی است. (۳)

---

۱- وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص۲۰۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج۳، ص۳۷۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص۲۰۳.

ص:۷۸

از این سخن روشن می‌شود که پوشیدن چادر و مقنعه امتیازی است که دین اسلام، زنان جوان و با شخصیت را به آن مفتخر کرده است. همچنین به زنانی که حجابشان را کامل رعایت نمی‌کنند، می‌فهماند که

این نوع حجاب، مخصوص کنیزان است؛ زیرا کنیزان نوعی کالا هستند که برای خدمت‌گزاری به دیگران خرید و فروش می‌شوند و باید در معرض دید قرار گیرند. اگر بانوان بزرگوار به این حقایق توجه کنند، هرگز خود را از حجاب کامل محروم نمی‌کنند.

این روایت‌ها به زنان بزرگوار و با وقار ما که خود را به زینت عفاف و حجاب آراسته‌اند، این پیام را می‌دهد که در برخورد با افراد بدحجاب، هرگز احساس حقارت نکنند، بلکه به خود افتخار کنند که حجابشان کامل است و از خدا سپاسگزاری کنند که مانند آنها نیستند و به ارزش حقیقی زن که شخصیت و انسانیت اوست، پی‌برده‌اند. همچنین خود را در حد یک کالا تنزل نداده و مانند کنیزی در معرض خرید و فروش قرار نداده‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، اگر زنی دانسته یا ندانسته خود را بیاراید و در معرض نگاه‌های هوس‌آلود مردانی قرار دهد که هدفی جز ارضای غرایز حیوانی خود ندارند، آیا خود را مانند کنیزان، پست و بی‌مقدار نکرده است؟ با طرح این پرسش، بار دیگر به این نکته مهم پی‌می‌بریم که دین اسلام، با واجب کردن حجاب، عزت و شرافت بزرگی به زنان داده است و اجازه نداده هیچ‌کس به حریم خصوصی آنها تجاوز کند و کوچک‌ترین اهانتی به شخصیت با ارزش آنها داشته باشد.

شاید زنان بزرگوار به‌ویژه کسانی که حجابشان کامل نیست، به این

ص:۷۹

نکته مهم توجه نداشته باشند که بدحجابی، به شخصیت و ارزش انسانی آنها ضربه‌های جبران‌ناپذیری می‌زند و ارزش آنها را کاهش می‌دهد. ازاین‌رو بیان این نکته‌ها فقط برای آگاه کردن ذهن بانوان است و
هیچ‌گونه بی‌حرمتی به آنها نیست.

## حجاب در سیره امام رضا (علیه السلام)

### اشاره

امام رضا (علیه السلام) ، هم در سخنان و هم در رفتار خود، مسلمانان را به اهمیت حجاب متوجه کرده‌اند. نقل است: در یک مهمانی، امام رضا (علیه السلام) و جمعی از مردم حضور داشتند. یکی از مهمانان به همراه دختر بچه کوچکش وارد شد. هریک از حاضران، آن دختر بچه‌را در آغوش گرفتند و بوسیدند و به او اظهار محبت کردند. وقتی نوبت به امام رضا (علیه السلام) رسید، حضرت پیش از آنکه مانند دیگران او را ببوسد، پرسید: او چند سال دارد. گفته شد: پنج سال. حضرت فرمود: «وقتی دختر به پنج سال می‌رسد، نباید مردان او را ببوسند» . سپس دختر را نوازش کرد و از بوسیدن او خودداری کرد.(۱)
از این داستان در می‌یابیم که باید حدود محرم و نامحرم حتی در برخورد با دختر پنج ساله نیز رعایت شود.

### چرا حجاب بر زنان واجب شد؟

از موضوعاتی که افراد مختلف، چه موافقان حجاب و چه مخالفان آن

---

۱- تهذیب، ج۷، ص ۴۶۱.

ص:۸۰

مطرح می‌کنند، این است که به چه دلیل زنان باید خود را بپوشانند؟ یا اگر زنان، آزاد و بدون پوشش در سطح جامعه حضور یابند، چه مشکلی ایجاد می‌شود؟ امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به این پرسش می‌فرماید:

حَرُمَ النَّظَرُ الی شُعُورِ النِّساءِ المَحْجُوباتِ بِالْاَزْواجِ وغَیْرِهِنَّ مِنَ النِّساء لِما فیهِ مِنْ تَهْییج الرِّجالِ وَما یَدْعُو التَهْییجُ اِلَی الْفَسادِ وَالدُّخولِ فیما لا یَحِلُّ وَلا یَجْمُلُ وَکذلِک ما اَشْبَهَ الشُّعُورَ.(۱)

نگریستن به موی سر زنان؛ چه شوهردار و چه بی‌شوهر، ازاین‌رو حرام است که سبب برانگیخته شدن غریزه شهوت مردان می‌شود و این برانگیختگی، آنان را به فساد و کارهای حرام و نازیبا وا می‌دارد، چنان‌که نگریستن به قسمت‌های دیگر بدن زن نیز همین حکم را دارد.

بنابراین، اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم و امن داشته باشیم، از انحراف‌های اخلاقی جلوگیری کنیم، آبروی افراد در امان بماند، کسی مزاحم نوامیس مردم نشود و خانواده‌ها از هم نپاشند، باید زنان، این زحمت را به جان بخرند و تمام بدن خود را بپوشانند، همان‌گونه که مردان نیز باید جلوی چشم خود را بگیرند و از نگریستن به نامحرم پرهیز کنند.

### داستانی از پیامدهای رعایت نکردن حجاب

چند سال پیش در یکی از روزنامه‌ها، نوشته شده بود: مردی در رفت و آمدهای فامیلی، شیفته زیبایی خواهر زنش شده و گاه‌گاهی ارتباط

---

۱- بحارالانوار، ج۱۰۱، ص۳۴.

ص:۸۱

کلامی و دوستانه با او برقرار می‌کرد و آن زن نیز از این ارتباط استقبال می‌کرد. این رابطه مدتی طول کشید تا اینکه برخی اطرافیان، از آن باخبر شدند. شوهر آن زن از مرد که باجناقش بود، شکایت کرد و او را به

زندان انداخت. با پخش این خبر در میان فامیل، همسایه و آشنا، زن به شدت تحت فشار روحی قرار گرفت. چند روز به مراسم دادگاه و محاکمه آن مرد باقی مانده بود که ناگهان خبر رسید آن زن از شدت ناراحتی خودکشی کرده است. این خبر به گوش مرد نیز رسید و او را بسیار متأثر کرد، به‌گونه‌ای که او نیز در زندان دست به خودکشی زد. به این ترتیب، به دلیل رعایت نکردن حدود شرعی در روابط و جلوگیری نکردن از نگاه به نامحرم، دو نفر کشته شدند، دو خانواده متلاشی و دو فامیل عزادار شد.(۱)

---

۱- کیهان، ش ۹۰۱۴.

ص:۸۲

ص:۸۳

## فصل سوم: حجاب و تحول

### مقدمه

از اسرار زیارت آن است که زائر، خود را چون قطره‌ای ببیند که می‌خواهد به دریا بپیوندد و در آن محو گردد. این پیوند که پیوندی معنوی است، نه مادی، باید همواره مورد توجه زائر باشد. ازاین‌رو هر چه انسان خود را از پیرایه‌ها، تعلق‌ها، زنجیرهای گناه و خلق و خوی استکباری برهاند، این پیوستن و محو شدن، آسان‌تر و کامل‌تر است.

«علامه طباطبایی (رحمه الله)» چه زیبا سروده است:

من خس بی‌سر و پایم که به موج افتادم

او که می‌رفت مرا هم به دل دریا برد

من‌به‌سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد(۱)

در اهمیت زیارت همین بس که در ادعیه ماه مبارک رمضان و شب

---

۱- مهر تابان، سید محمدحسین حسینی تهرانی، ص۵۶.

ص:۸۴

قدر، سفارش شده است یکی از خواسته‌های ما از خداوند، توفیق رفتن به حج و عمره و زیارت مشاهد شریفه باشد.(۱)

به راستی، دلیل این همه تأکید چیست و چرا باید آرزوی هر مؤمن، رفتن به این زیارتگاه‌ها باشد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: کم‌ترین فایده‌ای که از این سفرهای نورانی نصیب مؤمن می‌شود، تحول و اثر پذیری عمیق روحی و معنوی در نفس آدمی است.

بهترین تعبیری که می‌توان برای این‌گونه توفیقات، در روایت‌ها یافت، این حدیث شریف نبوی است که می‌فرماید:

اِنَّ لِرَبِّكُمْ فی ایّام دَهْرِكُم نَفَحاتٍ اَلا فَتَعَرَّضوا لَها.(۲)

همانا از سوی پروردگارتان، در طول عمر شما، گاهی نسیم رحمت الهی به سوی شما می‌وزد. آگاه باشید که خود را در معرض این وزش و نسیم رحمت قرار دهید و از آن روی‌گردان نشوید.

در یکی از سفرهای زیارتی که به مدینه منوره مشرف شده بودم، یکی از استادان دانشگاه شیراز را که در سفرهای پیش با او آشنا شده بودم، به همراه دو نفر از دوستانش، در صحن مسجدالنبی دیدم. پس از سلام و احوال‌پرسی، یکی از همراهان ایشان از من درخواست زیبایی کرد. وی گفت: دعا کنید من در این سفر تغییر کنم و انسان بهتری شوم! من گفتم: من که باشم که برای شما دعا کنم. شما را راهنمایی می‌کنم که به محضر

---

۱- مفاتیح الجنان، اعمال ماه مبارک رمضان.

۲- بحارالانوار، ج۶۸، ص ۲۲۱.

ص:۸۵

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شرفیاب شوید و این حاجت‌را از ایشان بخواهید. تا من این جمله را به وی گفتم، چنان از این سخن دچار تحول روحی شد که به گریه افتاد و شانه‌هایش از شدت گریه، شروع به لرزیدن کرد و کم بود از شدت گریه بر زمین افتد.

آری، این سفرهای کوتاه، ولی عمیق زیارتی می‌تواند بهترین فرصت برای ایجاد تغییر و تحول اساسی در فکر و رفتار زائران باشد؛ به شرطی که مسئولان فرهنگی حج و زیارت، زمینه این تحول را برای آنان فراهم کنند.

یکی از دگرگونی‌های عمیق در سفرهای زیارتی، تغییر و تحول در پوشش بانوانی است که توفیق این‌گونه سفرها را پیدا می‌کنند، ولی در نوع پوشش و حجاب خود، دچار عادت‌های غیر دینی شده‌اند و از الگوی مناسبی برای لباس و پوشش خود در مقابل نامحرم، برخوردار نیستند. بسیاری از این بانوان وقتی خود را در جمع زائران و علاقه‌مندان به معنویت می‌بینند، خود را چون قطره‌ای احساس می‌کنند که به دریا رسیده و از هویت محدود و کوچک خود خارج شده و در یک هویت جمعی و بسیار بزرگ قرار گرفته‌اند. این افراد در چنین شرایط، دست به انتخاب می‌زنند و با اینکه پیش از این، حجاب خود را جدی نمی‌گرفتند، ولی در این تحول عظیم، هر شرطی را می‌پذیرند تا از قافله مؤمنان و خداجویان عقب نمانند. این تغییر به ظاهر ساده در مدت کوتاه سفر، چنان در فکر، ذهن و رفتار آنان اثر گذار است که همانجا با خدا عهد می‌بندند که برای همیشه حجاب چادر را از خود دور نسازند.

ص:۸۶

## حجاب، یعنی از خود گذشتن

در روان‌شناسی زن، به اثبات رسیده است که زنان به‌طور طبیعی و ذاتی، به خودآرایی و به نمایش گذاشتن زیبایی‌های خود تمایل دارند و از این کار لذت می‌برند. خانم «لمبروزو» ، روان‌شناس معروف ایتالیایی در این‌باره می گوید:

یکی از امیال عمیق و آرزوهای اساسی زن آن است که به چشم دیگران مطلوب و زیبا باشد و با زیبارویی، زیبایی اندام، موزون بودن حرکات، خوش آهنگی صدا، طرز سخن گفتن و شیوه خرام خود، مورد توجه قرار گیرد و احساسات مردان را تحریک و روحشان را مجذوب خود کند.(۱)

او در کلامی دیگر می گوید: «در زن، علاقه به دلبر بودن و دل باختن، مورد پسند بودن و مایه خرسند شدن، بسیار شدید است» .(۲)

همچنین درباره تأثیر غریزه خودآرایی و تبرج در زندگی زنان نوشته است: «میل به جذب دیگران، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین محرک زندگانی زن به شمار می‌رود» . (۳)

در قرآن کریم نیز از این تمایل طبیعی و غریزی زن سخن به میان آمده است.

در سوره احزاب، خداوند خطاب به زنان می‌فرماید:

---

۱- روح زن، جینا لمبروزو، ص۱۵.

۲- همان، ص۴۲.

۳- همان، ص۴۴.

ص:۸۷

وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّهِ الْأُولی (احزاب:۳۳)

[در برابر نامحرم] ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید؛ مانند خودنمایی [زنان] دوران جاهلیت نخستین.

در آیه‌ای دیگر نیز می‌خوانیم: غَیْرَ مُتَبَرِّجاتٍ بِزِینَهٍ ؛ «زنان [در برابر نامحرم] با زینت‌ها و آرایش‌هایشان خودنمایی نکنند» . (نور:۶۰)

از اینکه خداوند در این آیات، صفت تبرج را فقط به زنان اختصاص داده و به مردان چنین صفتی را نسبت نداده است، درمی‌یابیم که این ویژگی از ویژگی‌های زنان است و در طبیعت آنها نهاده شده است. ازاین‌رو پوشش و حجاب به شکل خاص آن، فقط بر زنان واجب شده است. «شهید مطهری» ، در مقام یک اسلام‌شناس دقیق در این‌باره می‌گوید:

اما علت اینکه در اسلام، دستور پوشش، اختصاص به زنان یافته است، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی، همچنان‌که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی، از این نوع حس شکارچی گری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن‌نما و آریش‌های تحریک‌کننده به کار برند. ازاین‌رو انحراف تبرّج و برهنگی، از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقدر گردیده است.(۱)

---

۱- مجموعه آثار، ج۱۹، ص۴۳۶.

ص:۸۸

همان‌گونه که گفتیم، میل به خودنمایی، در طبیعت زن وجود دارد و همین میل ممکن است او را به سوی کشف حجاب سوق دهد. پس آنچه توجه به آن بسیار اهمیت دارد و دختران و زنان محترم باید بدانند، این است که تمایل به جلوه‌گری را در خود آزاد نگذارند و اجازه ندهند که این احساس بر زندگی آنها حاکم شود، بلکه برای کنترل آن تلاش کنند.

بهترین راه کنترل این میل طبیعی این است که در آن افراط و تفریط نکنند، بلکه میانه‌رو باشند؛ یعنی همان چیزی که در اسلام به آن حجاب گویند. حال این پرسش پیش می‌آید که اگر میل به خودآرایی، میلی طبیعی است، پس نمی‌توان از آن غفلت کرد و باید به طریقی آن را ارضا کرد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: در آیات مربوط به حجاب نیز به این موضوع توجه شده است. با توجه به آیه ۳۱ سوره نور، حجاب مانند سکه‌ای دو روست؛ یک روی آن این است که زنان از خودآرایی و زینت کردن در برابر نامحرم و جلب توجه او به‌طور جدی پرهیز کنند و روی دیگرش این است که زنان می‌توانند برای همسر خود زینت‌ها و زیورهایشان را آشکار کنند تا نیاز روانی آنها به خودآرایی تأمین گردد.

آن‌گاه که زن با وجود داشتن میل به خودآرایی و نشان دادن خود به دیگران، خود را در پوشش حجاب می‌پیچد و با وجود گرما و سختی‌های بسیاری که حجاب، به‌ویژه چادر دارد، آن را تحمل می‌کند، نشان دهنده آن است که به درجه بالای ایثار و تقوا و ایمان رسیده است. در حقیقت، چنین زنی برای به دست آوردن رضای الهی، حاضر شده از

ص:۸۹

خودگذشتگی کند و راحتی‌های خویش را نادیده بگیرد تا از این راه، حیا و عفاف خود را حفظ کرده باشد.

آراستگی زن به پوشش و حجاب، پیامدهای تربیتی فراوانی برای او به همراه دارد که در تکامل و رشد معنوی او نقش بسیار سازنده‌ای دارد. آگاهی زن از پیامدها و فواید حجاب سبب می‌شود که میل به رعایت حجاب در درون او شکل گیرد و این آگاهی، به رفتار او معنا و ارزش بخشد و دوام حجاب را تضمین کند؛ زیرا انسان تا به پیامدهای مثبت کاری پی‌نبرد، به انجام آن راغب نخواهد شد.

در مقابل، زنانی که به حجاب بی‌توجهی می‌کنند و در برابر نامحرمان، با پوشش مناسب ظاهر نمی‌شوند، نه تنها خود را از پیامدهای مثبت آن محروم می‌سازند، بلکه مشکلات فراوانی برای خود و خانواده‌هایشان فراهم می‌کنند. این مشکلات می‌تواند موجب متوقف شدن رشد شخصیت زنان و خاموش شدن نور ایمان و ایجاد پلیدی در باطن و روح و جان آنان شود یا روابط عاطفی میان همسران را تحت تأثیر قرار دهد و موجب به وجود آمدن بدبینی بین آنها و ضربه زدن به موقعیت اجتماعی زنان گردد.

در این فصل، نخست، به دیدگاه روان‌شناسی درباره حجاب و پیامدهای آن و سپس به چند نمونه عینی از پیامدهای مثبت رعایت حجاب و پوشش مناسب زن و نیز آثار منفی بدحجابی و پوشش نامناسب اشاره می‌شود.

ص:۹۰

# حجاب از دیدگاه روان‌شناسی

## تأثیر حجاب در رشد شخصیت زن

یکی از نظریه‌هایی که در این زمینه بیان شده، پژوهشی است که یکی از روان‌شناسان کشورمان انجام داده است. این پژوهشگر با کمک گرفتن از نظریه‌های روان‌شناسان بزرگ و معروف، میان نتایج حجاب و عوامل بلوغ روانی در زن مقایسه‌ای انجام داده و به نتایج جالبی رسیده است.(۱)

او با توجه به نظریه‌های روان‌شناسانی چون «فروید» ، «اریک فروم» ، «پیاژه» ، «کولبرگ» و «اریکسون» مراحل و دوره‌های تکامل روانی انسان را به پنج دوره تقسیم می‌کند. این مراحل که از تولد و کودکی شروع می‌شود، به مرحله بلوغ می‌رسد و تا پایان دوره نوجوانی ادامه می‌یابد. سه مرحله اول که به دوران کودکی مربوط می‌شود، چون از موضوع حجاب خارج است، مطرح نمی‌شود. ولی مرحله چهارم و پنجم از مراحل رشد و تکامل شخصیت را به اختصار توضیح می‌دهیم.

مرحله چهارم از تکامل روانی که مرحله «تحرک» (۲)نام دارد، بهترین مرحله در بازشناسی اثر حجاب است. در سه مرحله قبل، بین پسر و دختر تمایز چندانی وجود ندارد، ولی با شروع این مرحله، جدایی دو جنس در حالت‌های روانی و بروز شخصیت آغاز می‌شود. در این مرحله، تفاوت پسران با دختران، در شیوه رفتاری اجتماعی یا برخورد با

---

۱- بررسی مسئله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، شهریار روحانی، ص۱۱.

۲- Pregenital stage.

ص:۹۱

اشیای بیرونی و محیط پیرامون خویش است.

پسران اغلب، حالت تهاجمی، ستیزه‌جویی و نیز تمایل آشکار برای تسلط بر دیگران را از خود نشان می‌دهند. در نتیجه، به افرادی خودرأی و دارای خودِ آمرانه و تقلیدکننده از بزرگسالان تبدیل می‌شوند. در مقابل، در دختران، حالت جذب و انقیاد و قدرت جلب توجه آشکار می‌شود. در نتیجه، علاقه به پوشیدن لباس‌های زیبا، آرایش کردن، با عشوه سخن گفتن، با ناز قدم برداشتن و بروز حالت‌های مادرانه، در آنان به وجود می‌آید.(۱)

مرحله پنجم، مرحله تکامل بلوغ و تعیین هویت انسانی است. در این مرحله، ویژگی‌های بلوغ و هویت انسانی پسران و دختران، ظاهر می‌شود. مردان صفت‌هایی مانند آرامش، پذیرش و صبر را به ویژگی‌های پیشین خود اضافه می‌کنند و به جای تسلط بر همه چیز و از جمله همه زنان، میل به تسلط بر زندگی و خانواده خود را دارند.

زنان نیز با رسیدن به بلوغ روانی، به جای تمایل به جذب همه مردان و صرف تمام وقت و نیروی حیاتی خود در این راه، فقط به یک مرد (نامزد یا شوهر) توجه دارند و دیگر توانایی‌های جسمی و روحی خود را صرف سازندگی می‌کنند.(۲)

نویسنده درباره اینکه ممکن است در روند مرحله چهارم، اختلال

---

۱- بررسی مسأله پوشیدگی ازدیدگاه روان‌شناسی، ص۲۳.

۲- همان، ص۳۲.

ص:۹۲

ایجاد شود و این اختلال موجب به وجود آمدن انحراف در تکامل شخصیت فرد شود، می‌نویسد:

مرحله چهارم اگر به دور از افراط و تفریط و به‌طور طبیعی پیش برود، مشکلی ایجاد نمی‌شود. ولی اگر این شرط رعایت نشود و پسران و دختران رفتارهای خود را کنترل نکنند، یعنی پسران بیش از حد، حالت تهاجمی و ستیزه‌جویی داشته باشند و دختران هم بیش از حد، جلوه‌گری و خودنمایی کنند و به ظهوردادن زیبایی‌های خود بپردازند، ممکن است دو نوع اختلال به وجود آید. نخست، عوض شدن نقش پسر و دختر که خطر همجنس‌گرایی از همین‌جا به وجود می‌آید و دوم تثبیت در این مرحله و نرسیدن به مرحله پنجم؛ یعنی تکامل و بلوغ و در نتیجه، متوقف شدن رشد شخصیت است که باعث می‌شود پسران همیشه تشنه قدرت و خواهان تسلط بر دیگران بوده و دختران به موجوداتی کاملاً گیرنده تبدیل شده و همیشه اسیر توجه دیگران باشند. چنین دخترانی همواره مجبورند پذیرش خود را به خویشتن و دیگران اثبات کنند. ازاین‌رو چنین زنانی از سازندگی و به‌ویژه استقلال شخصیت باز می‌مانند.(۱)

امروزه در بیشتر جوامع انسانی، این توقف شخصیت به شکل‌های گوناگون، تشویق و تبلیغ می‌شود. به نمایش گذاشتن عکس‌ها و

---

۱- بررسی مسأله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، ص۲۵.

ص:۹۳

فیلم‌هایی که بی‌بند و باری را رواج می‌دهد و نیز حضور زنان بدحجاب با آرایش‌های غلیظ در سینما و اینترنت و پخش سریال‌هایی که روابط صمیمی میان زن و مرد نامحرم را رواج می‌دهد و الگو قرار دادن آنها یا نمایش فیلم‌هایی که خشونت را نشان می‌دهد و الگو قرار دادن شخصیت‌هایی که در این فیلم‌ها به سرعت آدم می‌کشند و بر تصاحب زنان بسیار و نداشتن همسر و ویرانگری می‌بالند، از بدترین نمونه‌هایی است که دختران و پسران را از رشد و رسیدن به مرحله بلوغ روانی باز می‌دارد.(۱)

نویسنده در ادامه، به بیان برخی پیامدهای فردی و اجتماعی فرهنگ ابتذال که نتیجه آن تثبیت و توقف در مرحله چهارم رشد و نرسیدن به کمال بلوغ است، می‌پردازد و می‌نویسد:

زنان و مردانی که از چنین فرهنگی تأثیر می‌پذیرند، همیشه از زوال قدرت جذب و نفوذ در دیگران، نگران و ناراضی‌اند. به شدت از روزگار پیری می‌هراسند و عطش رنج‌آور آنها برای پیروزی، خاموش شدنی نیست. چنین زنان و مردانی، به‌طور طبیعی طعم محبت واقعی را نچشیده‌اند و مجالی برای مهرورزی، عشق و قبول مسئولیت ندارند. شاید به همین دلیل است که اکنون بیش از ۶۳ درصد خانواده‌های آمریکایی، تک والدی هستند؛ زیرا لازمه زندگی مشترک، گذشت، قبول مسئولیت، مهرورزی و محبت

---

۱- بررسی مسأله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، ص۳۵.

ص:۹۴

انسانی است و چنین ویژگی‌هایی با الگوها و نمونه‌های عرضه شده در آن جامعه که هنری جز نفوذ بر دیگران و جلب توجه آنها ندارند، در تعارض است. زندگی خانوادگی، نه مکانی است برای تصاحب همه زنان و نه مجالی برای جلب توجه همه مردان.(۱)

آن‌گاه نویسنده به توضیح ویژگی‌های شخصیتی زنان رشدیافته می‌پردازد و می‌نویسد:

در مقابل، زنانی که به مرحله تکامل و بلوغ روانی رسیده‌اند، زنانی سازنده، دانشمند، ایثارگر و خدمت‌گزارند و در تمام جوامع، از این سبک‌سری‌ها به دور بوده، در زندگی و سلوک اجتماعی، به مراتب از دیگر زنان، ساده‌تر زیسته و شخصیت بالغ آنها اسیر جلب کردن دیگران نیست. آنها لباس‌های جلف نمی‌پوشند، کمتر از دیگران در انظار آرایش می‌کنند و عموماً در زندگی خانوادگی موفق‌اند.(۲)

با توجه به آنچه گفته شد، فاصله گرفتن جامعه از فرهنگ حجاب و رعایت نکردن حریم میان زن و مرد، عامل بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی برای افراد، به‌ویژه زنان است. نویسنده در این‌باره می‌نویسد:

هرچه زنان و دختران در استفاده از وسایل آرایش و زیبایی، بیشتر افراط کنند، عطش آنها در خودنمایی و جلب توجه دیگران بیشتر می‌شود و وابستگی و بی‌ارادگی‌شان شدیدتر می‌گردد.

روشن است که این روند، به خودی خود، نفاق، کرنش، قبول

---

۱- بررسی مسأله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، ص۴۸.

۲- همان، ص۴۹.

ص:۹۵

اسارت، سبک سری، ازخودبیگانگی، احساس دلتنگی و بالأخره در روزگار میانسالی و پیری، اندوه و رنج پایان‌پذیری را به ارمغان خواهد آورد و با سپید شدن هر تار مو و آشکار شدن هر خطی بر چهره، گویی ذخیره حیاتی این‌گونه زنان پایان می‌پذیرد؛ زیرا از تنها وسیله دلگرمی و امید برای زندگی، چیزی باقی نمانده است. (۱)

این نویسنده سپس به تأثیر رعایت حجاب در رشد و تکامل شخصیت زن پرداخته و نوشته است:

در برابر این توصیه‌ها، ادیان توحیدی نیز شیوه‌ای توصیه کرده‌اند. یکی از مؤثرترین روش‌ها برای رشد شخصیت زن و آزادی از قید وابستگی به جلب توجه و خودنمایی، پوشیدگی و مستوری است. پوشیدگی برای دختران از زمره نیازهای اساسی برای رشد و بلوغ روانی در این مرحله است که باید در دوران نوجوانی تأمین شود.

دختران با مستور نگه داشتن خویش از نامحرم، در حقیقت، اختصاصی بودن جلب توجه دیگران را می‌آموزند تا در آینده نیز از این گیرندگی و جذابیت در محدوده خانواده، به‌طور سازنده، استفاده کنند و این نهاد مقدس را تحکیم بخشند. این تمرین (حجاب) در حقیقت، تعدیلی است در برابر خواست طبیعی، که اقتضای آن، جذب و گیرندگی بود. پوشیدگی دختران، مانند رفتن به مدرسه در یک صبح سرد و زمستانی است که طبیعتاً با قبول رنج

---

۱- بررسی مسأله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، ص ۴۹.

ص:۹۶

و تحمل فشار همراه است. اما هرز نرفتن نیروهای تعالی‌بخش و سازنده نوجوانان دختر و بعدها زنان، ضروری است؛ چنان‌که آیات حجاب نیز به آن اشاره کرده است.(۱)

نویسنده در پایان، زنان و دختران را از ارزش‌های حقیقی خود آگاه می‌کند و می‌نویسد:

مواهب خداوند به زنان، تنها زیبایی ظاهری نیست که با پایان یافتن آن، زن به پایان نقش خود در حیات اجتماعی نزدیک شود. ارزش زنان به کسب کمالات و فضیلت‌های اخلاقی و انسانی و جلب رضای خداوند متعال است، نه اصرار بیهوده بر جلب توجه دیگران که متأسفانه، بزرگ‌ترین بازنده اصلی این بازی، زنان خواهند بود.(۲)

### حجاب و نقش آن در کاهش اضطراب

در پژوهشی میدانی که روی ۴۱۵ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دو شهر تهران و قم صورت گرفت، رابطه میان نگرش به حجاب و میزان اضطراب دانش‌آموزان محاسبه شد. در این محاسبه، از روش همبستگی میان میانگین نمرات نگرش به حجاب و نمرات اضطراب استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد رابطه بین این دو متغیر، منفی و معنادار است. عدد به دست آمده در این محاسبه «۶۲» است. این عدد نشان می‌دهد هر اندازه نگرش به حجاب در افراد مثبت‌تر باشد، اضطراب آنها

---

۱- بررسی مسأله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، ص۵۱.

۲- همان، ص ۵۵.

ص:۹۷

کمتر است و به‌عکس، هر چه اضطراب افراد بالاتر باشد، نگرش مثبت به حجاب در آنها کمتر خواهد بود؛ به عبارت دیگر، دخترانی که نگرشی مثبت به حجاب دارند و در نتیجه، از حجاب کامل‌تری برخوردارند، در مقایسه با کسانی که به حجاب اهمیت کمتری می‌دهند، از اضطراب کمتری برخوردارند و میزان سلامت روانی آنها بالاتر خواهد بود.(۱)

## نمونه‌هایی از پیامدهای مثبت حجاب و بی‌حجابی

در ادامه به چند نمونه از پیامدهای مثبت حجاب و نیز مشکلاتی که از بدحجابی و نداشتن پوشش مناسب، دامن‌گیر زنان شده است، اشاره می‌شود.

## داستان اسلام آوردن زن آمریکایی به برکت حجاب

در یکی از شهرهای امریکا، زنی مسلمان شده بود. وقتی خبرنگاران برای تهیه گزارش به او مراجعه کردند، داستان مسلمان شدنش را چنین نقل کرد: من در یک خانواده مسیحی زندگی می‌کردم و هیچ‌گاه اسمی از اسلام نشنیده بودم. هنگامی که کودک بودم، از هوش سرشار و استعداد بسیاری برخوردار بودم که همه را به تعجب می‌انداختم.

وقتی بزرگ‌تر شدم، به خاطر درک و فهم بالایی که داشتم، از انجام کارهای زشت و ناروا خودداری می‌کردم و با اینکه در کشورم اسمی از حجاب نبود و زنان، حجاب و پوشش مناسبی نداشتند، من از همان زمان

---

۱- حجاب و نقش آن در سلامت روان، عباس رجبی، ص ۱۹۰.

ص:۹۸

کودکی دوست نداشتم مردان نامحرم بدنم را ببینند. ازاین‌رو لباس‌هایم طوری بود که تمام بدنم را می‌پوشاند و در واقع من زنی عفیف و باحجاب بودم.

چند سال گذشت و من در مقابل فرهنگ بی‌بند و باری جامعه مقاومت می‌کردم. تا اینکه شبی در عالم رؤیا شخصی را با لباس روحانی دیدم که به من فرمود: «من از سمت شرق می‌آیم» . آن‌گاه کتاب مقدسی را به من نشان داد و گفت: «راه نجات و سعادت تو در این کتاب است» . از خواب بیدار شدم و سه سال دنبال آن کتاب گشتم. ولی کتابی با آن نشانی که در خواب دیده بودم، نیافتم.

روزی یک مسلمان هندی را دیدم و خوابی را که دیده بودم، برایش نقل کردم. او دست در جیبش کرد و کتابی در آورد و به من نشان داد. دیدم دقیقاً همان کتابی است که در خواب دیده بودم. پرسیدم: «این چه کتابی است؟» گفت: «قرآن است و آن را به من هدیه کرد» . با خوشحالی کتاب را گرفتم و آن را باز کردم تا بخوانم، ولی چون به زبان عربی بود، چیزی نفهمیدم. تا اینکه پس از مدتی، ترجمه انگلیسی آن را به دست آوردم. وقتی آن را مطالعه کردم، دیدم تمام مطالب آن مطابق عقل و فطرت است. پس ایمان آوردم و مسلمان شدم. اینجا بود که فهمیدم خداوند مرا به برکت حجاب، با اسلام آشنا کرد.(۱)

این داستان ما را به یاد سخنی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌اندازد که

---

۱- نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، سید نعمت الله حسینی، ص۱۲۲.

ص:۹۹

فرمود:

«اَلْعِفَّهُ رَأْسُ کُلِّ خَیْرٍ»(۱)؛ «عفت و پاک‌دامنی، منشأ هر خیر و خوبی است» . در حقیقت، این زن با رعایت حجاب و پوشیدگی و عفت ورزیدن، توفیق مسلمان شدن و اهل نجات شدن را پیدا کرد و از بزرگ‌ترین نعمت الهی بهره‌مند شد.

## خواننده ترکیه‌ای و حجاب

پیش از انقلاب و در زمان رژیم پهلوی که فرهنگ غرب بر ایران حاکم بود، یکی از خوانندگان زن ترکیه برای اجرای برنامه به ایران دعوت شد و هنگام ورود به ایران، مورد استقبال جمع کثیری از جوانان قرار گرفت. در یک هفته‌ای که این خواننده مهمان ایران بود، روزی به همراه راننده‌اش به گردش در شهر تهران رفت. ناگهان یک خانم چادری را دید که در پیاده‌رو در حال حرکت بود. او که از نوع پوشش این خانم متعجب شده بود، از راننده خواست اتومبیل را نگه دارد تا ملاقاتی با او داشته باشد و از انگیزه‌اش درباره پوشیدن چادر بپرسد. این خانم باحجاب ایرانی در پاسخ به این پرسش گفت: «چادر را به این دلیل پوشیده است که حجابش را حفظ کند و او را از نامحرم دور نگه دارد» .

خواننده ترکیه‌ای از او درخواست می‌کند برای لحظه‌ای چادرش را به وی بدهد تا آن را امتحان کند. آن زن نمی‌پذیرد و می‌گوید: «نمی‌توانم

---

۱- غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد الآمدی، ج ۱، ص ۴۰.

ص:۱۰۰

چادرم را به تو بدهم؛ چون در دید نامحرم قرار دارم» . وقتی زن با اصرار او روبه‌رو می‌شود، به ناچار به کنج دیواری می‌رود و چادرش را برمی‌دارد و به او می‌دهد.

خواننده ترکیه‌ای چادر را به سر می‌کند، درحالی‌که قصدش از این کار، نوعی سرگرمی و کنجکاوی بوده است. ولی پس از پوشیدن چادر، ناگهان احساس عجیبی پیدا می‌کند؛ احساسی بسیار عالی و زیبا. در این هنگام به همراهان خود رو می‌کند و با هیجان خاصی می‌گوید: «در تمام عمرم چنین احساس جالبی نداشته‌ام؛ زیرا با چادر احساس آرامش می‌کنم. احساس می‌کنم متعلق به خودم هستم نه دیگران» .

عکس این خانم را با همین چادر در تمام مجله‌های زن زمان طاغوت منتشر کردند. (۱)

آری، حجاب، به‌ویژه اگر کامل و با پوشش چادر باشد، این پیام روشن را به افراد جامعه می‌دهد که زن، مالک بدن، احساسات و شخصیت خویش است. حجاب، زن را توانمند می‌کند و به او اجازه می‌دهد در این دنیای پرزرق و برق مادی، از آن خودش باشد و هیچ‌کس به خود اجازه ندهد به حریم خصوصی او قدم بگذارد و او را تصاحب کند. حجاب، سند آزادی زن از قید و بند بردگی و آزادی از اسارت شهوت‌پرستان است. زن، فقط باحجاب احساس می‌کند شخصیت حقیقی و انسانی خود را یافته و به استقلال رسیده است.

---

۱- پرسمان حجاب، حسین مهدی‌زاده، ص۱۱۳.

ص:۱۰۱

## تأثیر بی‌عفتی بر روح و جان

«دکتر حاج حسین توکلی» ، از شاگردان «شیخ رجب‌علی خیاط» نقل می‌کند: در زمان رژیم طاغوت که بی‌حجابی خصوصاً در شهر تهران، به صورت علنی همه‌جا را فرا گرفته بود، روزی از مطب دندان‌سازی خود حرکت کردم تا جایی بروم. سوار یک اتوبوس شدم که تقریباً خالی بود. حوالی میدان فردوسی، اتوبوس نگه‌داشت و جمعیتی از آقایان به همراه یك زن بی‌حجاب سوار ماشین شدند. ناگهان اتفاق عجیبی افتاد و آن این بود که دیدم تمام جمعیتی که سوار ماشین هستند، حتی راننده، زن هستند و همه یك شکل و یک لباس! حتی کسی که کنار من نشسته، زن است. از خجالت خودم را جمع کردم و فکر کردم اتوبوس، مخصوص کارمندان زن است و من اشتباهی سوارشدم.

کمی جلوتر، اتوبوس نگه داشت و خانمی پیاده شد. وقتی آن زن پیاده شد، ناگهان همه سرنشینان اتوبوس قیافه مردانه پیدا کردند و به همان شکلی که اول بودند، تبدیل شدند. همان‌جا تصمیم گرفتم نزد شیخ رجب‌علی بروم و اتفاق امروز را برایش تعریف کنم و توضیح بخواهم. وقتی به منزل شیخ رسیدم، قبل از اینکه حرفی بزنم، شیخ فرمود: «دیدی همه مردها زن شده بودند؟ ! چون مردها به آن زن توجه داشتند، به شکل زن در آمدند» .

بعد ادامه داد: «وقت مردن هرکس به هرچه توجه دارد، همان جلوی چشمش مجسم می‌شود. ولی اگر محبت امیرالمؤمنین در قلبش باشد، باعث نجات او می‌شود» . این داستان، انسان را به یاد این سخن گهربار

ص:۱۰۲

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌اندازد که فرمود:

«اِنَّ المَرْء مَعَ مَنْ اَحَبَّه»(۱)، «انسان با کسی که دوستش دارد، محشور می‌شود» .(۲)

## حجاب و امنیت

امنیت، از پیامدهای فردی و اجتماعی حجاب است. زن، با پوشش کامل، هم احساس آرامش و امنیت می‌کند و هم از سوء استفاده افراد فرصت طلب و اذیت و آزار آنها در امان می‌ماند. زنی که برای خود حریم قرار می‌دهد و با پوشش و رفتارش، از ورود نامحرمان به حریمش جلوگیری می‌کند، هم خود را از آسیب‌ها و خطرها محفوظ می‌دارد و هم جامعه را از تبدیل شدن به جولانگاه شیطان و شیطان‌صفتان و به وجود آمدن زمینه انحراف جوانان، حفظ خواهد کرد.

در آیه ۵۹ سوره احزاب، وقتی خداوند به زنان دستور می‌دهد برای پوشش بدنشان در برابر نامحرم، از جلباب، یعنی چادر استفاده کنند، این کار، یعنی استفاده از حجاب کامل، سبب می‌شود همه افراد بفهمند که این زن، فردی پاک و باوقار است و به کسی اجازه نمی‌دهد مزاحم او شود یا امنیتش را به خطر اندازد. افزون بر اینکه وقتی زن با پوششی تحریک‌کننده در بین نامحرمان ظاهر شود، احتمال اینکه مورد مزاحمت و اذیت و آزار آنها قرار گیرد، بسیار است. وضعیت زنان در برخی کشورهای غربی که داعیه آزادی زن دارند، گویای این حقیقت است.

---

۱- بحارالانوار، ج۷۴، ص۱۰۹.

۲- کیمیای محبت، محمد محمدی ری‌شهری، ص۱۷۶.

ص:۱۰۳

در یک گزارش خبری از وضعیت امنیت زنان آمریکایی، آمده است: در امریکا، در زمستان که مردم مجبورند به دلیل سردی هوا خود را بپوشانند و از لباس بیشتری استفاده کنند، تجاوز به عنف کمتر می‌شود. ولی در تابستان، تجاوز به عنف نسبت به زنان و حتی پیرزنان افزایش پیدا می‌کند و حتی راهبه‌ها هم مصون نمی‌مانند.(۱)

روزنامه «گاردین» درباره وضعیت زنان انگلیسی و ناامنی که در این کشور غربی برای زنان به وجود آمده است، می‌نویسد: سالانه پانصد هزار مورد خشونت و ضرب و جرح بر ضد زنان اعمال می‌شود. مراکز حمایت از حقوق زنان در انگلیس می‌گویند: از هر چهار زن انگلیسی، یک زن در طول عمر خود هدف خشونت شدید مردان قرار می‌گیرد و دچار آسیب جدی می‌شود. خشونت بر ضد زنان، مربوط به سن، طبقه اجتماعی یا گروه قومی و نژادی خاصی نیست. گفته می‌شود که هزینه رسیدگی به دعاوی خشونت بر ضد زنان و خدمات اجتماعی و مراقبت‌های بهداشتی از زنان آسیب دیده، سالانه به سه میلیارد و دویست میلیون دلار می‌رسد. ولی هزینه‌های روحی و روانی این موارد غیر قابل محاسبه است. براساس همین گزارش، روزانه هزار زن انگلیسی در تماس تلفنی با مرکز فوریت‌های پلیس، از موارد خشونت و ضرب و جرح علیه خود شکایت می‌کنند.(۲)

---

۱- حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص۱۰۸.

۲- نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، ص۳۹۲.

ص:۱۰۴

یکی از نویسندگان معاصر درباره وضعیت امنیت زنان جوامع غربی می‌نویسد:

نداشتن حجاب و پوشش توأم با آرایش‌های هوس‌انگیز زنان در غرب، آن‌چنان بر مردان تأثیر مخرب گذاشته است که بیشتر نسل جوان حاضر را به بیماری‌های جنون جنسی مبتلا ـ ساخته است. در کشورهای غربی، رسانه‌ها هر روز اخبار وحشتناک حمله‌های وحشیانه این افراد به زنان را منتشر می‌کنند. آمارها حاکی از آن است که زنان این کشورها به خاطر توصیه‌های رادیو و تلویزیون، برای حفظ جان خود از وسایل دفاعی از قبیل اسپری‌های بی‌هوش‌کننده و سلاح‌های سرد استفاده می‌کنند. این در حالی است که معمولاً ـ در حملات وحشیانه مردان به آنها، این سلاح‌ها علیه خودشان به کار گرفته می‌شود. حتی مجازات‌های شدید برای جنایتکاران حملات جنسی، باعث شده تا جانیان، قربانی خود را که تنها شاهد جنایت است، به قتل برسانند. (۱)

## حجاب و آرامش روانی

خانمی نقل می‌کند که من هرگاه در قرائت قرآن به آیات حجاب می‌رسم، دگرگون می‌شوم و از اینکه در ایام جوانی‌ام، نسبت به رعایت حجاب دقت کافی نداشتم و همین موضوع، سبب دردسرهای زیادی برای من شد، بسیار افسوس می‌خورم. او داستان زندگی‌اش را

---

۱- حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص۱۰۷

ص:۱۰۵

چنین بیان می کند:

من با اینکه زن باحجابی بودم، ولی همیشه دوست داشتم، صورتم را کمی آرایش کنم و با اینکه سعی می کردم آن را بپوشانم، ولی چشمم که با آرایش کردن، زیبایی خاصی پیدا می کرد را نمی‌توانستم بپوشانم. ما و برادرشوهرم رفت و آمد زیادی با هم داشتیم. اگر مجبور می‌شدم سر سفره‌ای که ایشان هم حضور داشت، بنشینم، طوری می‌نشستم که صورتم پیدا نباشد. اما گاه گاهی نگاه سنگین برادرشوهرم را حس می کردم. من دوست داشتم هنگام صرف غذا، سفره خانم‌ها از آقایان جدا باشد، ولی جاری‌ام می گفت سفره یکی باشد، راحت‌تر است، مگر ما غریبه‌ایم! همسر من هم می‌پذیرفت که دور هم باشیم و من هم قبول می کردم و سعی می کردم سر سفره، بچه‌ها را بین خودم و نامحرم بنشانم تا کمتر دیده شوم. گاهی برادر شوهرم حرف‌هایی را به کنایه یا شوخی می گفت، اما گمان نمی کردم جدی باشد و چیزی در دل داشته باشد تا اینکه روزی در خانه آنها مهمان بودیم و هوا هم بسیار سرد شده بود. بچه کوچکم خوابش برد و جاری‌ام رفت تا از طبقه بالا لحاف بیاورد. همسرم نیز بچه‌دیگرم را به دستشویی برده بود و من در اتاق تنها بودم و قصد داشتم نماز بخوانم که ناگهان برادرشوهرم وارد اتاق شد و در را بست. او جلو آمد و با حالت خاصی از من تقاضای نابجایی کرد. من که از وحشت، تمام بدنم می‌لرزید، به گریه افتادم و التماس کردم که دست از سرم بردارد و حتی تهدید به جیغ زدن کردم. اما او گفت که دست بردار نیست. بعد ادامه داد که سال‌هاست چهره آرایش کرده تو مرا آسوده

ص:۱۰۶

نمی‌گذارد و در این مدت، دائماً تصویر صورت زیبایت در ذهن من ایجاد وسوسه می‌کند. اگر تقاضای مرا قبول نکنی، به تو تهمت می‌زنم و نزد همه فامیل می‌روم و می‌گویم که تو به من نظر داشتی و از من تقاضای ناشایست نموده‌ای! من گریه می‌کردم، ولی فایده‌ای نداشت. سرانجام مجبور شدم به او ناسزا بگویم و نفرین کنم تا بالأخره او مرا رها کرد و رفت. همان وقت فهمیدم که در این سال‌ها چه اشتباه بزرگی مرتکب شده‌ام. اما این فهمیدن دیگر به حالم سود نداشت و کار از کار گذشته بود؛ زیرا او به تهدیدش عمل کرد و با دروغ‌هایش کاری کرد که ما دو خانواده با هم قطع رابطه کردیم و با این تهمت و دروغ، آبروی من پیش فامیل رفت. درحالی‌که من بی‌گناه بودم. همسرم نیز دیگر مرا قبول نداشت و حتی مدتی افرادی را مأمور می‌کرد که مرا تحت نظر بگیرند و خودش هم نسبت به من بی‌توجه شده بود.

در این مدت که دنیا برای من یک جهنم واقعی شده بود، کاری جز گریه کردن نداشتم. با اینکه همه اطرافیان مرا به خوبی می‌شناختند، ولی دیگر از آن محبت‌ها و احترام‌ها خبری نبود. نگاه همه بر من سنگین بود. دیگر دوست نداشتم آرایش کنم و این هوس در من از بین رفت. آرزوی مرگ می‌کردم و با خود می‌گفتم: خدایا به درستی کلامت پی‌بردم. حالا فهمیدم که چرا نباید زیبایی‌هایم را به نامحرم نشان دهم و نیز فهمیدم که در بین نامحرمان فرقی بین آشنا و غریبه نیست. من از این غافل بودم که هر مرد نامحرمی، هر کسی هم که باشد، غریزه دارد و ممکن است نتواند جلوی غریزه‌اش را بگیرد. خدایا! از رفتارهای گذشته‌ام و غفلت‌ها و

ص:۱۰۷

بی‌توجهی‌هایم، خصوصاً بی‌توجهی به حجاب توبه می‌کنم.(۱)

سال‌ها گذشت و من بهای سنگینی به خاطر بی‌توجهی‌ام به رعایت حجاب متحمل شدم تا اینکه برادر شوهرم به بیماری سختی مبتلا شد. این حادثه سبب تنبه او شد و تصمیم گرفت اشتباه گذشته‌اش را جبران کند. ازاین‌رو هر کس به عیادتش می‌رفت، به او می‌گفت: «به فلانی بگویید مرا حلال کند. من به او تهمت زدم و او زن بی‌گناهی است» . بالأخره روزی شوهرم با یک جعبه شیرینی به منزل آمد و از من معذرت‌خواهی کرد و گفت: «امروز فهمیدم که تو زن پاک و مؤمنی بوده‌ای و من بی‌جهت، تهمت‌های برادرم را درباره تو پذیرفته بودم» . او به من گفت که در این مدت بسیار به تو بدبین شده بودم و حتی گاهی فکر می‌کردم که بچه‌هایم مال من نیست. من تازه فهمیدم که بر اثر بی‌توجهی‌ام، چه فاجعه بزرگی برای خودم ایجاد کرده بودم. ولی از اینکه ماجرا به خیر گذشت، خوشحال بودم. آن شب وقتی خوابیدم، احساس کردم پس از مدت‌ها اضطراب و بی‌خوابی، الآن می‌توانم خواب راحتی داشته باشم.

پس از چند روز جاری‌ام به منزل ما آمد و حلالیت طلبید. من به او گفتم: «شوهرت به من تهمت بزرگی زد، اما آبروی او را نبردم و نگفتم که او چه تقاضایی از من کرده بود؛ زیرا مسبب همه این کارها را خودم می‌دانستم. در دلم او را دعا کردم که مرا از خواب غفلت بیدار کرد و

---

۱- جالب اینجاست که خداوند در آیه حجاب، یعنی در آخر آیه ۳۱ سوره نور، به همه افراد فرمان توبه می‌دهد. شاید این قسمت داستان، به این مطلب مهم اشاره داشته باشد.

ص:۱۰۸

نگذاشت این بار سنگین گناه را به قیامت ببرم» .

به لطف خدا او هم از بیماری نجات پیدا کرد و تصمیم گرفت جلوی چشمش را بگیرد و دیگر نگاه شیطانی به نامحرمی نداشته باشد. من نیز دیگر آن زن قبلی نبودم و حجابم شدیدتر از قبل شد. خداوند دوباره صفا و صمیمیت را به این دو خانواده برگرداند و درهای رحمتش را به روی ما باز کرد.

گفتنی است همواره این‌گونه اشتباه‌ها و غفلت‌ها ختم به خیر نمی‌شود و چه بسا گاه به قتل و خون‌ریزی یا طلاق و جدایی و در به در شدن بچه‌ها می‌انجامد. بر این‌اساس، همواره در برابر آموزه‌های الهی سر تسلیم فرود آریم تا دچار این‌گونه مشکلات نشویم.(۱)

در پایان این داستان یادآوری این حدیث از امام رضا (علیه السلام) درباره دوری کردن از نامحرم و پیامدهای زیان‌بار غفلت از این‌واجب الهی ضروری است؛ حضرت فرموده است:

حَرُمَ النَّظَرُ إلی شعور النِّساءِ المَحْجُوباتِ بِالاَزْواجِ وَ غَیْرِهِنَّ مِنَ النِّساء لِما فیه مِنْ تَهْییجِ الرِّجالِ وَما یَدْعُو التَّهْییجُ اِلَی الفَسادِ وَالدُّخُولِ فیما لا یَحِلُّ وَلا یَجْمُلُ وَکَذلِکَ ما أشْبَهَ الشُّعُورَ.(۲)

نگاه کردن به موی سر زنان، چه شوهردار و چه غیر شوهردار حرام است؛ زیرا سبب برانگیخته شدن غریزه شهوت مردان می‌شود و این برانگیختگی، آنان را به فساد و انجام دادن کارهای حرام و نازیبا

---

۱- به نقل از: دانستنی‌هایی درباره ازدواج، عصمت حداد، ص۱۲۷.

۲- بحارالانوار، ج۱۰۱، ص۳۴.

ص:۱۰۹

می‌کشاند، چنان‌که نگاه کردن به قسمت‌های دیگر بدن زن نیز همین حکم را دارد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در سخنی کوتاه، ناامنی حاصل از رعایت نکردن حریم زن و مرد نامحرم را چنین بیان می‌کند:

ایّاکُمْ وَمُحادَثَهَ النِّساء فَاِنَّهُ لایَخْلُو رَجُلٌ بِامْرَأَهٍ لَیْس لَها مَحْرَمٌ اِلّا هَمَّ بِها.(۱)

از گفت‌وگو با زنان بپرهیزید؛ زیرا هرگاه مردی بیگانه با زنی نامحرم خلوت کند، قصد او کند.

این حدیث، پیامی روشن برای زنان دارد که اگر می‌خواهند مورد سوء قصد مردان قرار نگیرند، هرگز با آنان راحت نباشند. بلکه همیشه جانب احتیاط را رعایت کنند؛ زیرا وقتی مردان تحریک می‌شوند، کمتر می‌توانند خود را کنترل کنند.

## حافظان حجاب

در طول تاریخ، زنان پاک‌دامن و با ایمان بسیاری برای حفظ حجاب و عفت خود، همه مشکلات را به جان خریده از جان و مال خود گذشته، ولی از حیا و عفاف دست بر نداشته‌اند. این زنان که در حقیقت، اسطوره‌های مجاهدت و جهادند، بهترین الگوی حجاب برای زنان و عالی‌ترین نمونه تقوا و پاک‌دامنی برای مردان به شمار می‌روند. در حقیقت، وقتی زن با حفظ حیا و عفت خود به درجه بالای انسانیت،

---

۱- نهج الفصاحه، ص۲۰۲.

ص:۱۱۰

ایمـان و شایسـتگی می‌رسـد، در فرهنـگ قرآن، برای همه مردان و زنان الگو می‌شود؛ برای نمونه، قرآن حضـرت آسـیه را که برای حفظ ایمان و عقیـده‌اش، از تمام خوشـی‌های مادی و ناز و نعمت کاخ فرعونی گـذشت و تن به شـکنجه‌های طاقت‌فرسای فرعونیان سپرد و نیز حضرت مریم را به خاطر عفت و پاک‌دامنی و ایمان و صداقتش، الگوی تمام مردان و زنان آزاده و مؤمن معرفی می‌کند. وَ ضَـرَبَ اللهُ مَثَلاً لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قـالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْـدَكَ بَيْتـاً فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظّالِمِيـنَ * وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرانَ الَّتِي أَحْصَـنَتْ فَرْجَها فَنَفَخْنـا فِيـهِ مِنْ رُوحِنـا وَ صَـدَّقَتْ بِكَلِمـاتِ رَبِّهـا وَ كُتُبِهِ وَ كـانَتْ مِنَ الْقـانِتِينَ (تحریم:۱۱ و۱۲)

و خداوند برای مؤمنان، به همسـر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشـت بسـاز و مرا از فرعون و کـار او نجـات ده و مرا از گروه سـتمگران رهایی بخش و همچنین به مریم، دختران عمران که دامان خود را پاک نگه داشت و ما روح خود را در آن دمیدیم. او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود.

## جان باختن برای حفظ حجاب

در «تاریـخ طبری» ، داسـتان فـداکاری زنی باحیا و عفیف نقل شـده است که برای حفظ حجابش، جانش را قربانی می‌کنـد، ولی در معرض نگاه

ص:۱۱۱

نامحرم قرار نمی گیرد. در دوره پادشاهان هخامنشی، زنان به حجاب خود سخت پایبند بودند. یکی از این زنان فداکار، بانویی به نام «وشتا» همسر «خشایار» ، پادشاه ایران بود. او که زنی بسیار زیبا و با شکوه بود، به حجاب خود اهمیت ویژه‌ای می‌داد. روزی خشایار شاه مجلس با شکوهی ترتیب داد و تصمیم گرفت همسر زیبای خود را بی‌پرده و بدون حجاب کامل در آن مجلس حاضر کند تا مردم او را ببینند و به زیبایی او پی‌ببرند و پادشاه را تحسین کنند و داشتن چنین زن زیبایی را از کمالات شاه بدانند.

وقتی پادشاه از همسرش خواست بدون حجاب و پوشش، به مجلس بیاید یا حداقل برقع از صورت خود بردارد، آن زن عفیف و باحیا نپذیرفت با پوشش نامناسب در جمع حاضر شود. پادشاه او را به مرگ تهدید کرد، ولی این زن قهرمان تن به خواری بدحجابی نداد و سرانجام به فرمان شاه کشته شد تا این درس بزرگ را به زنان و مردان غیرت‌مند بدهد که حفظ حجاب، از حفظ جان نیز مهم‌تر است.(۱)

## حاکم و زن باغبان

روزی حاکم بصره در باغ خود قدم می‌زد. ناگهان چشمش به زن باغبان افتاد. آن زن بی‌نهایت زیبا و عفیف بود. حاکم که شیفته زیبایی زن شده بود، باغبان را در پی کاری فرستاد تا از زن دور شد. آن گاه به زن باغبان گفت: «برو و همه درها را ببند» . زن رفت و باز آمد. پادشاه

---

۱- زن به ظن تاریخ، بنفشه حجازی، ص۹۱ با کمی دخل و تصرف .

ص:۱۱۲

پرسید: «همه درها را بستی؟» زن گفت: «همه درها را بستم؛ فقط یک در را نمی‌توان بست» . حاکم گفت: «آن کدام در است؟» زن گفت: «آن دری است که میان تو و پروردگار توست که هرگز بسته نمی‌شود» .

حاکم چون این سخن شنید، از خواسته‌اش پشیمان شد و استغفار و توبه کرد.(۱)

## حجاب دختران کسرا پادشاه ایران

در منابع اسلامی آمده است، در جنگ میان مسلمانان و پادشاه ساسانی، مسلمانان پیروز شدند و اموال و اسیران زیادی در اختیار مسلمانان قرار گرفت. سه تن از دختران یزدگرد سوم نیز در میان اسرا بودند. این دختران را با ثروت فراوانی که داشتند، برای عمر، خلیفه دوم آوردند. آنها با پوشش و نقاب، صورت خود را پوشانده بودند. از آنجا که می‌خواستند آنان را برای فروش در معرض دید مردم قرار دهند، خلیفه دستور داد پوشش از چهره برگیرند تا مسلمانان آنها را ببینند و خریداران، پول بیشتری به پای آنها بریزند. ولی دوشیزدگان ایرانی از برهنه کردن صورت خودداری کردند و به سینه نماینده عمر زدند و وی را از خود دور ساختند. خلیفه خشمناک شد و خواست با تازیانه شاهزادگان ایرانی را بیازارد، درحالی‌که آنان به شدت می گریستند. در آن هنگام امام علی (علیه السلام) نزدیک آمد و به عمر فرمود: «در رفتارت مدارا کن! از

---

۱- نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، ص۱۱۶.

ص:۱۱۳

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می‌فرمود: بزرگ و شریف هر قومی را که خوار و فقیر شده، گرامی بدارید» . آتش خشم عمر، پس از شنیدن سخن امام علی (علیه السلام) فرو نشست. سپس امام افزود: «با دختران پادشاهان نباید مانند دختران بازاری (کنیز) رفتار کرد» . آن‌گاه آنان را آزاد گذاشت تا با هر کس که می‌خواهند، ازدواج کنند.(۱)

## جلوگیری از ورود خانواده بی‌حجاب رضاخان به حرم حضرت معصوَمه (علیها السلام)

عصر حکومت دیکتاتوری رضاخان بود. در عید نوروز سال ۱۳۰۶ شمسی (برابر با ۲۷ ماه رمضان ۱۳۴۶ه. ق) زائران بسیاری از اطراف و اکناف، برای زیارت مرقد منور حضرت معصومه (علیها السلام) به قم آمده بودند. ناگهان این خبر در شهر پیچید که چند نفر از زنان خانواده رضاخان (همسر و دو دخترش به نام‌های شمس و اشرف) بدون حجاب وارد قم شده‌اند و می‌خواهند با همان وضع، وارد حرم شوند.

این گستاخی و بی‌احترامی خانواد شاه، موجب خشم مردم شد و یک روحانی به نام «سید ناظم واعظ» ، مردم را به امر به معروف و نهی از منکر فرا خواند و احساسات دینی و پاک مردم را تقویت کرد.

در این میان، خبر به یکی از علمای مجاهد و مدرسان بزرگ حوزه علمیه به نام «آیت الله شیخ محمدتقی بافقی» رسید. ایشان نخست برای

---

۱- السیرة الحلبیه، علی بن برهان الدین الحلبی.

ص:۱۱۴

خانواده رضاخان پیام داد: «اگر مسلمان هستید، نباید با این وضع، در این مکان مقدس حضور یابید و اگر مسلمان نیستید، باز هم حق ندارید [زیرا کافر نباید وارد حرم شود]» .

خانواده رضاخان، به پیام آیت الله بافقی توجهی نکردند و آن عالِم ربانی، خود، به حرم حضرت معصومه (علیها السلام) آمد و به خانواده رضاخان اخطار داد. همین برخورد، نزدیک بود موجب قیام و شورش مردم ضد حکومت شاه شود.

شهربانی، به رضاخان اطلاع داد: «خانواده شما (همسر و دو دختر شما) به دستور روحانیان در اتاقی زندانی شده‌اند و به آنان اخطار شده که حق ندارند بدون حجاب وارد حرم شوند» . ازاین‌رو رضاخان با یک واحد نظامی به قم آمد و با چکمه وارد صحن مطهر شد و آیت الله بافقی را مورد ضرب و شتم قرار داد درحالی‌که او با فریاد می‌گفت: «یا امام زمان، به فریاد برس!» سپس به دستور رضاخان، آیت الله بافقی را مدتی زندانی و پس از آن به شهر ری تبعید کردند. وی تا آخر عمر، زیر نظر اداره آگاهی در تبعید و همواره در حال عبادت بود تا از دنیا رفت.

گفتنی است آیت الله شیخ محمد تقی بافقی (رحمه الله) ، در عصر مرجعیت «آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری (رحمه الله)» ، از مدرّسان معروف حوزه علمیه بود و در سال ۱۳۲۲شمسی در تبعیدگاه خود (شهر رَی) از دنیا رفت. قبر شریفش در مسجد بالاسر و در کنار مرقد منور حضرت معصومه (علیها السلام) است.

ص:۱۱۵

آری، مسئله حجاب، چنان با اهمیت بود که علمای اسلام برای حفظ آن قیام می‌کردند و به تبعید و زندان می‌رفتند.(۱)

## داستان حجاب در کشورهای به اصطلاح متمدن

در سال‌های اخیر، شاهد بروز پدیده‌ای عجیب در برخی کشورهای غربی مدعی آزادی و حقوق بشر بودیم که برخلاف تمام قوانین بین‌المللی و حقوقی عمل کردند و بسیاری از دولت‌های منطقه نیز از آنها حمایت کردند. این پدیده و اتفاق عجیب، مخالفت این کشورها و دولت‌ها با پوشش حجاب زنان و دختران پاک‌دامنی است که حاضر نبودند زیبایی‌های خود را در معرض دید چشمان ناپاک و هوس‌آلود دنیاپرستان قرار دهند.

در این کشورهای به اصطلاح متمدن و منادی آزادی و حقوق بشر، هر روز اخباری درباره وضع قانون ممنوعیت حجاب یا گرفتن مالیات مضاعف از زنان محجبه یا تعیین جریمه نقدی برای کسانی که برای حفظ حجاب خود از روبند استفاده می‌کنند، یا ممانعت از ورود دختران محجبه به دانشگاه‌ها، یا ممنوعیت اعطای گواهینامه رانندگی به زنان باحجاب و ده‌ها مورد مانند آن به گوش می‌رسد. این اخبار، قلب هر انسان آزاده‌ای را از این همه بی‌عدالتی و نادیده گرفتن حقوق انسانی به درد می‌آورد و عمق ضدیت دولت‌های غربی باحجاب و مظاهر دینی

---

۱- پوشش زن در اسلام، محمد محمدی اشتهاردی، ص۸۶.

ص:۱۱۶

به‌ویژه حیای زنان را بیش از پیش آشکار می‌کند. این در حالی است که گرایش به حجاب و ایستادگی در برابر فرهنگ غربی، روز به روز در میان دختران و زنان این کشورها زیادتر می‌شود. خانم «وندی سلیت» ، فارغ التحصیل رشته فلسفه، در کتاب «دختران به عفاف روی می‌آورند» ، می‌نویسد:

نسل جدید دختران امروز امریکا می‌خواهند، چیزی نباشند که والدینشان بوده‌اند و در تلاشند که با خویشتن‌داری، زندگی عاقلانه و عفیفانه‌ای در پیش گیرند و رابطه خصوصی را تا شروع زندگی دائمی به تعویق بیندازند. آنها می‌خواهند سبک زندگی و نوع پوشش خود را تغییر دهند.(۱)

## مروه شربینی، شهید حجاب

ماجرای شهادت مظلومانه مروه شربینی، از یک‌سو اوج دشمنی و مخالفت غرب باحجاب و آزادی عفاف و پوشش زن و از دیگرسو مقاومت و ایستادگی زن مسلمان در برابر این فرهنگ ضد انسانی و ضد دینی را نشان می‌دهد؛ چنان‌که زن مسلمان حاضر می‌شود برای دفاع از حجاب و عفاف خود، جان عزیزش را فدا کند.

این ماجرا چنان عجیب بود که «مروه الشربینی» را به نمادی برای معترضان به «اسلام‌ستیزی غرب» تبدیل کرد. شربینی در سال ۱۹۹۵ از کالج انگلیسی دختران فارغ‌التحصیل شد و از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ عضو

---

۱- سایت مؤسسه فرهنگی هنری خراسان.

ص:۱۱۷

تیم ملی هندبال مصر بود. شوهرش نیز در مؤسسه «ماکس پلانک» شهر «درسدن» در رشته مهندسی ژنتیک مشغول تحصیل بود و برای انجام تز دکترای خود همراه مروه به آلمان آمده بود.

ماجرای عجیب قتل مروه از این قرار است که وی به دادگاهی مراجعه و مردی آلمانی به نام «آلکس دبلیو» را متهم کرد که در پارک زمانی که با پسرش بازی می‌کرده، به او توهین کرده و به دلیل حجابش، او را تروریست و فاحشه اسلامی خطاب کرده است. دادگاه شکایت شربینی را پذیرفت و آلکس را به پرداخت ۷۵۰ یورو محکوم کرد. آلکس دبلیو این حکم را نپذیرفت و تقاضای تجدید نظر کرد. هنگام برگزاری جلسه دادگاه تجدید نظر در یک دادگاه درجه ۲ در شهر درسدن، مرد آلمانی جلوی چشمان قاضی و دیگر حاضران به شربینی حمله کرد و با ضربات چاقو وی را که سه ماهه باردار بود، از پا در آورد. در این هنگام، شوهر مروه برای نجات همسرش به طرف او شتافت که پلیس آلمان به او تیراندازی کرد. پس از آن، شوهر مروه با وضعیتی بحرانی در بیمارستان بستری شد و فرزند خردسال سه ساله آنها نیز که شاهد این ماجرای خون‌بار بود، برای معالجه، زیر نظر روان‌شناس قرار گرفت. (۱)

## پرداخت مالیات برای حفظ حجاب

زنان محجبه هلندی مالیات حجاب می‌پردازند. به تازگی طرح «ممنوعیت حجاب زنان مسلمان هلند در اماکن عمومی» به تصویب

---

۱- سایت مؤسسه فرهنگی هنری خراسان.

ص:۱۱۸

پارلمان هلند رسیده است. در نروژ نیز دختران محجبه، اجازه ورود به مدارس دولتی را ندارند. ممنوعیت حجاب فقط به هلند و فرانسه و نروژ محدود نمی‌شود، بلکه این ممنوعیت در دیگر کشورهای اروپا نیز وجود دارد.

در آلمان، هفت استان از شانزده استان این کشور، حجاب را برای آموزگاران مسلمان در مدارس دولتی، ممنوع کرده‌اند. مجلس نمایندگان بلژیک، مجلس هلند، دولت سوئیس و دولت ایتالیا نیز قانون ممنوعیت استفاده از پوشش اسلامی و روبند را تصویب کرده‌اند. به موجب این قانون، از این پس زنان مسلمان در اماکن عمومی و اداره‌های دولتی، حق استفاده از روبند یا ردایی که بدن آنها را به‌طور کامل بپوشاند، ندارند. گفته شده است چندی پیش، زنی مسلمان در شمال ایتالیا که در یکی از خیابان‌های «نووارا» با پوشش روبند به سمت مسجد می‌رفت، ۶۵۰ دلار جریمه شد.

گفتنی است در کشور سوئیس، چنین قانونی برای گردشگران منطقه حوزه خلیج‌فارس که در هتل‌های این کشور اقامت می‌کنند و در فروشگاه‌های لوکس سوئیس، پول‌های کلان خرج می‌کنند، اعمال نمی‌شود! البته مسلمانان اروپا که بزرگ‌ترین اقلیت این قاره هستند، در کشورهایی مانند هلند و فرانسه تظاهرات و اعتراض‌های بسیاری به این محدودیت‌ها کرده‌اند. (۱)

---

۱- سایت مؤسسه فرهنگی هنری خراسان.

ص:۱۱۹

## ماجرای دانش‌آموز آمریکایی که باحجاب شد

«سمر» دانش‌آموزی سیزده ساله در مدرسه «رستون» ، در ایالت ورجینیای امریکا بود. وی همواره شلوارهای تنگ و پیراهن‌های کوتاه می‌پوشید و با موهایی آراسته به مدرسه می‌آمد. ولی با آغاز سال جدید درسی، همکلاسی‌های سمر، او را باحجاب کامل و ظاهری اسلامی دیدند.

«سمر» که دانش‌آموز سوم راهنمایی بود، در مصاحبه‌ای با روزنامه «واشنگتن پست» ، در شماره روز جمعه ۱۳/۱۱/۲۰۰۹ گفت: «با اینکه می‌دانستم با مشکلات بسیار زیادی روبه‌رو خواهم شد و بسیاری از دوستان و همکلاسی‌هایم را از دست خواهم داد، اما تصمیم گرفتم که حجاب بر سر کنم» .

وی در ادامه این گفت‌وگو افزود: «پس از برسر کردن حجاب، اولین لحظه‌ای که دوستانم را دیدم، یکی از سخت‌ترین لحظات زندگی برایم بود؛ زیرا به نظر آنان خیلی عجیب و غریب می‌آمدم و آنان اصلاً دوست نداشتند با من حرف بزنند یا به من نزدیک شوند. همه آنان با تنفر و خشم به صورت من نگاه می‌کردند؛ گویا چهره‌ای بسیار زشت و کریه دارم! بعضی‌ها هم طوری از کنارم رد می‌شدند که گویا اصلاً مرا ندیده‌اند و به من هیچ توجهی نمی‌کردند.

اولین کسی که مرا با آغوش گرم مورد استقبال قرار داد، دوست مسلمانم «ایمان کرورتو» بود. او یک مسلمان است، اما حجاب بر سر نمی‌کند. از من پرسید: آیا می‌خواهی در طول سال حجاب بر سر کنی؟ !

ص:۱۲۰

پاسخ دادم: بله. پاسخم او را به فکر فرو برد و احساس کردم برایش خیلی جالب بود»(۱)

## حجاب زنان تازه‌مسلمان در غرب

مهم‌ترین ویژگی زن جوانی که به اسـلام گرایش پیدا می‌کند، تغییر پوشـش اوست. همین امر سبب به وجود آمدن اتفاق‌های تلخ و شیرین برای او می‌شود؛ یکی از این زنان درباره مسلمان شدنش می‌گوید:

در مورد انتخـابم و مسـلمان بودنم، خیلی با پـدر و مادر و دیگر اعضای خانواده کلنجار رفتم. مشـکل آفرین‌ترین موضوع، حجاب و پوشـش اسـلامی من بود. تصور می‌کنم حجـابم همیشه دینم را به یادشان می‌آورد و مایه شـرمندگی و خجالت برای ایشان بود. فکر می‌کنم اگر مسـلمان بودم، اما حجاب نداشـتم، خیلی راحت‌تر با مسئله برخورد می‌کردند. آرزوی من این است که آنها نیز اسلام را بشناسند و خودشان به آن علاقه‌مند شوند؛ نه به خاطر اینکه من مسلمانم.(۲)

خانم دیگری در این‌باره می‌گوید:

وقتی برای مدتی کوتاه، فرایض مذهبی اسـلام را انجام دادم، فهمیدم که خیلی هم سخت نیست. پوشیدن حجاب مهم‌ترین‌چیزی بود که هم خودم و هم اطرافیانم مجبور بودند به آن عادت کنند. در یک شهر خیلی کوچک زندگی می‌کردم و افراد زیادی دائم از من سؤال

---

۱- سایت برترین حجاب.

۲- دختران راهی دیگر، کارول ان آنوی، ترجمه: محمد عرب و ناهید آزادمنش، ص۱۱۴.

ص:۱۲۱

می‌کردند. اما در شهر محل دانشگاه ما که شهری بزرگ‌تر بود، بیشتر مردم حجاب را می‌شناختند و زنان زیادی را با پوشش حجاب اسلامی در سرتاسر شهر می‌دیدند. زمستان بود که شروع به پوشیدن حجاب کردم. از همین رو، تا فرارسیدن تابستان خیلی مشکل نداشتم. در طول زمستان روسری به سر داشتم و در جمع مردم نیز حاضر می‌شدم. استوار و ثابت قدم ماندم. اسلام را نمی‌شود با چیزی دیگر قاطی کرد یا بگویی وقتی در آمریکایی، مثل آمریکایی‌ها باش! به چیزی که به آن اعتقاد داری و می‌پنداری درست است، باید عمل کنی؛ حتی اگر تمامی مردم، اعم از مسلمان یا غیر مسلمان، جور دیگری عمل کنند.(۱)

خانم دیگری نیز می‌گوید:

انجام فرایض مذهبی برایم آسان بود. در پذیرش و انجام عباداتی چون نماز، روزه و همچنین کنار گذاردن مشروبات الکلی، نه تنها مشکلی نداشتم، بلکه از منافع آن نیز بهره‌مند شدم. مشکل‌ترین نبرد من، پوشاندن سرم با روسری بود. هر چند هیچ‌کس نمی‌تواند بفهمد، من پوشش اسلامی را به دلیل وقار آن پذیرفتم.(۲)

## حجاب و تحول فکری زنان غربی

حجاب، یک پوشش ساده یا یک مد لباس نیست که زن آن را برمی‌گزیند، بلکه نشانه‌ای از یک تحول و تغییر اساسی در فکر و روح

---

۱- دختران راهی دیگر، ص۱۱۵.

۲- همان.

ص:۱۲۲

زن است. حجاب، یک انتخاب بزرگ است که زن برای خود برمی‌گزینـد و ارزش حجاب به این است که نشان دهنـده این انتخاب بزرگ است. شایـد اهمیت این موضوع در یک جامعه اسـلامی ماننـد ایران احساس نشود؛ زیرا پوشـش حجاب برای ما عادت شده، ولی در جوامعی که بیشتر زنـان حجـاب ندارنـد،ماننـد کشورهـای غربی و حتی برخی کشورهای اسـلامی، حجاب نشانه یک تفکر است؛ تفکری الهی.

بنـابراین، زنی که در جوامعی مثل جوامع غربی برای خود پوشـش حجاب را برمی‌گزینـد، به همه نشان می‌دهـد که مسـلمانی متعهد است و برای حفـظ مسـلمانی خود، همه مشـکلات را می‌پـذیرد و حاضـر است هر بهـایی را بپردازد. به خاطر دارم در سال‌های آغاز انقلاب که بی‌حجابی در حال ریشه‌کن شـدن بود، فردی که از تحلیل درست مسائل سیاسـی ناتوان بود، با ناراحتی می‌گفت: «آیا ما انقلاب کردیم و این همه خسـارت جـانی و مالی متحمل شـدیم تا فقط زنان کشورمان یک روسـری به سـر کننـد؟» او فکر می‌کرد حجاب، تغییری ساده در پوشـش است. در پاسخ به این‌گونه تحلیل‌های سـطحی باید گفت که اگر حجاب، پوششی ساده است، چرا امروزه دولت‌های غربی، قوانین منع حجاب وضع می‌کنند و در برخورد با زنان مسـلمان و محجبه این‌گونه سـختگیری می‌کنند؟ چرا زنـان مسـلمان و باحجاب، برای حفظ حجاب خود حاضـرند همه سـختی‌ها را تحمل کننـد؟ پس همان‌گونه که گفتیم، حجاب یک تفکر است و احیـای حجـاب، احیـای تفکر دینی است؛ احیـای اسـلام نـاب محمـدی است. حجاب همان اسـلامی است که بر انـدام استکبار و مخالفان اسلامی لرزه می‌افکند. به

ص:۱۲۳

همین دلیل، دشمنان اسلام، باحجاب به شدت مخالفت می‌کنند و به آزار و اذیت زنان باحجاب می‌پردازند.

خانمی آمریکایی که به تازگی مسلمان و باحجاب شده است، درباره حجابش می‌گوید:

به عنوان یک زن مسلمان، موانع زیادی بر سر راه من وجود دارد که ناشی از مسلمانان یا اسلام نیست، بلکه از جانب جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم. آدم گاهی احساس می‌کند که در امریکا مثل یک ماهی است که خلاف جهت آب دارد شنا می‌کند. دائماً باید درباره حجابت به این و آن توضیح بدهی. از مشاغل مختلفی به خاطر حجابم طرد شده و به عبارت دیگر به صورتی آشکار مورد تبعیض واقع شده‌ام. با وجود این، صمیمانه شکرگزار حجابم. این نوعی آزادگی در عرصه‌ای است که زنان بی‌بند و بار غربی هرگز قادر به فهم آن نیستند. من زمانی احساس عزت و احترام می‌کنم که اسلام را در هر جا که به دیگران عرضه می‌کنم، به شکلی قوی ارائه کنم تا به عنوان یک مسلمان شناخته شوم. (۱)

زن دیگری درباره علت انتخاب پوشش اسلامی در جامعه امریکا می‌گوید:

تصور من از زن بودن تغییر کرده است. دیگر آزادی را در شلوارهای تنگ و دامن کوتاه نمی‌بینم، بلکه آن را در حجاب و

---

۱- دختران راهی دیگر، ص۱۱۹.

ص:۱۲۴

وقار می‌یابم. دیگر قائل به تساوی زن و مرد نیستم، بلکه بر این باورم که برای هر کدام نقش‌هایی وجود دارد که مناسب آنهاست. در عین حال، همه ما از مرد و زن، دارای نیازها و استعدادهای منحصر به فردی هستیم که فرصت پرورش آنها را داریم.(۱)

بانویی دیگر درباره تأثیر خوبی که پوشش و حجابش بر دیگران می‌گذارد، می گوید:

من از فرق سر تا انگشتان پایم را می‌پوشانم. دستکش، جوراب و بالأخره یک مجموعه حجاب کامل. یک روسری هم زیر چادرم می‌پوشم و یک پوشیه هم می‌زنم. با این کار همیشه انتظار داشتم که مشکلات زیادی برایم پیش آید و هنوز باورم نمی‌شود که چه قدر انجام این کار آسان بوده است. من حتی سه سال و نیم در امریکا نیز پوشیه می‌زدم، بدون آنکه کوچک‌ترین مشکلی را از این بابت داشته باشم. از آنجا که خیلی از مردم نسبت به پوشیه من کنجکاو می‌شدند، همین امر سبب می‌شد تا چیزهای زیادی درباره اسلام بپرسند و یاد بگیرند. البته کمی گرمم می‌شد، اما وقتی درجه حرارت به بالای صد درجه فارنهایت (حدود پنجاه درج سانتیگراد) می‌رسد، هر چیزی که به تن کنی، گرمت می‌شود. من این لباس را به هر چیز دیگری ترجیح می‌دهم. افرادی که دلیل استفاده از پوشیه و نوع لباس مرا درک می‌کنند، از کار من پشتیبانی می‌کنند و به دید احترام به من می‌نگرند. چه در اینجا و چه در امریکا به خاطر حجابم، با من رفتار

---

۱- دختران راهی دیگر، ص ۱۱۹.

ص:۱۲۵

خاصی می‌کنند. بانوان سالخورده مسلمان می‌خواهند هر کاری از دستشان بر می‌آید، برایم انجام دهند. بهترین جاها را در هواپیما به من می‌دهند، در هر صفی که وارد شوم، دیگران مرا به جلوی صف هدایت می‌کنند. گاهی تجار و فروشندگان مغازه‌ها در این کشور هدایا یا خدماتی مجانی به من عرضه می‌کنند.(۱)

از سخن این خانم باحجاب روشن می‌شود که با وجود مخالفت و ضدیت دولت‌ها با حجاب، مردم کشورهای غربی، نگاهی محترمانه به زنان محجبه دارند و این نشان دهنده بهبود موقعیت اجتماعی زنان مسلمان در جوامع غربی است.

بانوی دیگری که به تازگی مسلمان شده است و رفتار عفیفانه زن مسلمان را معرف شخصیت وی می‌داند، درباره التزامش به حجاب در جامعه امریکا می‌گوید:

یکی از مهم‌ترین تغییراتی که کرده‌ام، این بوده که مراقب نحوه حرف زدنم با مردها باشم. لازم است که بسیار سنجیده عمل کنم و درباره مسائل شخصی حرفی نزنم. دیگر نمی‌توانم مثل سابق با دوستان مرد خود، سلام و خوش و بش کنم و حتی برای یک گفت‌وگوی بی‌مورد توقف کنم. وقتی بیرون اداره منتظر شوهرم هستم، همکاران شوهرم و دوستان او گاه حتی برای یک احوال‌پرسی ساده از پنجره ماشینشان هم توقف نمی‌کنند.(۲)

---

۱- دختران راهی دیگر، ص ۱۲۰.

۲- همان، ص ۱۲۱.

ص:۱۲۶

زنی که تمام زندگی‌اش را مدیون حجاب و تحول فکری حاصل از آن می‌داند نیز چنین می گوید:

اتصال تمام زندگی‌ام به خداوند، معنادارترین چیزی است که اسلام به من داده است. به نظمی که اسلام به زندگی می‌بخشد و تمامی واجبات آن، علاقه و نیاز دارم. اکنون حجاب را عاشقانه دوست دارم و خداوند را شکرگزارم که مرا از مسیری که در آن قرار داشتم، رهایی بخشید؛ همان راهی که هنوز بسیاری از دوستانم در گیر آنند.(۱)

## پاداش عفت و حجاب

از اصولی‌ترین عقاید دین اسلام و دیگر ادیان آسمانی این است که انسان‌ها هر عمل خیر یا شری را انجام دهند، نتیجه و اثر اخروی آن را خواهند دید(۲)؛ اگر عمل آنها خوب باشد، اثر اخروی و معنوی آن نیز مثبت خواهد بود و اگر بد باشد، جز عذاب و دور شدن از رحمت الهی، نتیجه‌دیگری برای آنها نخواهد داشت. البته گاه انسان پیامدهای باطنی برخی اعمال خود را در دنیا می‌بیند تا بیشتر هدایت شود. حجاب و ریشه باطنی آن، یعنی عفاف نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ به ویژه که در دین اسلام به رعایت آن تأکید فراوانی شده است. در این بخش به چند نمونه از پاداش‌های معنوی حجاب و عفاف و نیز پیامدهای سوء

---

۱- دختران راهی دیگر، ص۱۳۵.

۲- ر. ک: زلزال: ۶- ۸.

ص:۱۲۷

بدحجابی و رعایت نکردن عفاف اشاره می‌کنیم تا از یک‌سو مایه تشویق و افتخار زنانی باشد که با تحمل تمام سختی‌ها و اذیت‌ها، به حجاب خود پایبندند و اجازه نمی‌دهند هیچ چیز حیا و عفاف آنها را خدشه‌دار کند و از دیگرسو هشداری برای آن دسته از زنان مسلمانی باشد که به این فریضه مسلّم اسلامی، بی‌توجه هستند و حجاب کامل ندارند.

بی‌شک، زنی که برای رضای خدا سختی‌ها را به جان می‌خرد و در هر شرایطی حجابش را حفظ می‌کند، اجر و پاداش بزرگی نزد پروردگار دارد. این وعده الهی است که در مقابل اعمال شایسته بندگانش، اجر و ثوابی بهتر به آنها عطا می‌کند.(۱)زن مسلمان نیز با ایثار و از خودگذشتگی و در اطاعت از آموزه‌های دین، حجاب و پوشش کامل را برگزیده است. ازاین‌رو خداوند در این دنیا نیز به او نظر عنایت خواهد داشت.

در جامعه امروز تبلیغات بدحجابی با انواع مظاهرش جلوه‌نمایی می‌کند و تیرهای زهرآگین شیاطین، حجاب را نشانه رفته است و تمسخرها و انگ‌های عقب‌ماندگی و نگاه‌های حقارت‌آمیز، از هر سو زنان محجبه را احاطه کرده‌است. با این شرایط، زن مسلمان، لحظه‌ای چادر و مقنعه را از خود دور نمی‌کند و با همین پوشش، به تمام فعالیت‌های اجتماعی و خانوادگی خود می‌رسد. ازاین‌رو زن مسلمان با حجاب، شایسته لطف خداوند و توجه خاص اهل بیت (علیهم السلام) خواهد بود.

---

۱- ر. ک: هود: ۱۱؛ یوسف: ۹۰.

ص:۱۲۸

## توجه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به زن باحجاب

یکی از علمای بزرگ مشهد مقدس برای آنکه به محضر مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شرفیاب شود، ختم زیارت عاشورا را در چهل جمعه و هر هفته در مسجدی از مساجد شهر آغازکرد. ایشان گوید: در یکی از آخرین جمعه‌ها، همان‌طور که در مسجد نشسته بودم و مشغول ختم بودم، ناگهان شعاع نور شدیدی را مشاهده کردم که از خانه‌ای نزدیک آن مسجد که مشغول زیارت عاشورا بودم، می‌تابید. ناخودآگاه از جا برخاستم و به دنبال آن نور، به در آن خانه رفتم. خانه‌ای کوچک و فقیرانه بود، ولی از درون خانه آن نور عجیب می‌تابید. در زدم، وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم حضرت ولی‌عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در یکی از اتاق‌های آن خانه تشریف دارند و در آن اتاق جنازه‌ای را مشاهده کردم که پارچه‌ای سفید روی آن کشیده بودند. وقتی وارد اتاق شدم، درحالی که اشک می‌ریختم، محضر حضرت سلام و عرض ادب کردم. آن بزرگوار پس از جواب سلام، به من فرمودند: «چرا این گونه به دنبال من می گردی و این همه رنجها را متحمل می‌شوی؟» آن گاه به آن جنازه اشاره کردند و فرمودند: «مثل این باشید تا من خودم به دنبال شما بیایم. این بانویی است با عفت و حیا که در دوره بی‌حجابی (در زمان کشف حجاب رضاخان پهلوی) هفت سال از خانه بیرون نیامد که مبادا نامحرم او را ببیند» . (۱)

---

۱- ارمغان عفاف، عدنان زعفرانی، ص۴۸، به نقل از: نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، ص۳۹۸.

ص:۱۲۹

## رؤیای صادقانه

آیت الله اراکی نقل می کند، شخصی نزد مرحوم آیت الله بروجردی آمد و عرض کرد: در خواب دیدم سه قرآن در خانه دارم که به ترتیب یکی بزرگ و دیگری متوسط و سومی کوچک است و دیدم هر سه آتش گرفتند. تا آمدم آنها را خاموش کنم، قرآن بزرگ کاملاً ـ سوخت و دومی نیز به کلی از بین رفت، ولی موفق شدم قرآن کوچک را که اطرافش آتش گرفته بود، خاموش کنم. تعبیر خوابم چیست؟ آیت الله بروجردی فرمود: «من تعبیر خواب نمی‌دانم، ولیکن در تهران شخصی به نام آیت‌الله سیداحمد قمی است که در تعبیر خواب استاد است. نزد ایشان برو تا خوابت را تعبیر کند» .

آن شخص می گوید نزد آیت الله سید احمد قمی رفتم و خوابم را تعریف کردم. آن آقا فرمود: «تو سه دختر داری که یکی بزرگ و دیگری متوسط و سومی کوچک است. دختر اولی و دومی را به دبیرستان فرستادی و بی‌حجاب شدند. آن دو همان دو قرآن بودند که کاملاً ـ سوختند، ولی دختر سومت تا درس ابتدایی‌اش تمام شد و خواست به دوره بالا ـ تر برود و به این بهانه بی‌حجاب شود، گفتی دیگر اجازه نمی‌دهم این دختر از دستم برود و او را از رفتن به دبیرستان منع کردی و او همان قرآن کوچک است که اطرافش سوخت، ولی آتش آن را خاموش کردی. آیا اینها را که گفتم درست است؟» مرد گفت: «کاملاً درست است»(۱)

---

۱- نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، ص۴۱۴.

ص:۱۳۰

ص:۱۳۱

## فصل چهارم: راه‌کارهای گسترش حجاب

### اشاره

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، فقط بر عهده عده‌ای خاص نیست، بلکه همه افراد در مقابل آن مسئول هستند؛ به‌ویژه در امر حجاب که بدون همکاری همه افراد و گروه‌های جامعه، گسترش و نهادینه کردن آن امکان‌پذیر نیست. بنابراین بر همه مؤمنان، به‌ویژه زائران مشاهد مشرفه، واجب و لازم است که در کنار زیارت و عبادت خود، به این امر مهم نیز توجه داشته و از حافظان و مبلغان حجاب در رفتار و گفتار باشند.

همین که زنی بگوید من حجابم را رعایت و از رفتارهای زننده پرهیز می‌کنم، یا مردی بگوید من پوششی مناسب برای خود انتخاب و در رفتار با نامحرم، حدود الهی را رعایت می‌کنم، ولی کاری به پوشش دیگران ندارم، کافی نیست. ما زمانی به وظیفه خود به‌طور کامل عمل کرده‌ایم که به مسئله پوشش و حجاب در جامعه اسلامی توجه کنیم.

ص:۱۳۲

از بهترین فرصت‌هایی که می‌توان از آن برای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف استفاده کرد، سفرهای زیارتی است. در این سفرها افراد، خضوع و خشوع خاصی در برابر خدا پیدا می‌کنند و زمینه پذیرش احکام نورانی اسلام برایشان فراهم می‌شود. ازاین‌رو باید همه دلسوزان دین، اعم از مردان و زنان زائر، روحانیان محترم کاروان که مسئولیت اصلی مسائل فرهنگی را برعهده دارند، همچنین مدیران و معاونان محترم کاروان، به مسئله حجاب توجه و حساسیتی ویژه داشته باشند و از هر فرصتی برای زنده نگه‌داشتن این فریضه استفاده کنند.

در این فصل تلاش شده است نکته‌هایی کاربردی در قالب داستان و خاطره و با هدف حاکمیت بخشیدن به فرهنگ والای حجاب بیان شود. این نکته‌ها در دو گفتار بیان می‌شود. گفتار اول مربوط به وظایف روحانیان محترم کاروان‌ها و نیز عملکرد زائران بزرگوار برای مقابله با بی‌توجهی به حجاب در طول سفر زیارتی است و گفتار دوم بیان راه‌کارهای عملی برای مسئولان محترم سازمان حج و زیارت است. البته این دو بخش از یکدیگر مجزا نیست؛ زیرا برای رسیدن به این هدف، همکاری هر دو بخش لازم است.

## گفتار اول: وظایف روحانیان و زائران برای مقابله با بی‌توجهی به حجاب

### اشاره

پدیده نازیبای بدحجابی که چند سالی است میان کاروان‌های زیارتی، به‌ویژه در حرمین شریفین دیده می‌شود و چهره معنوی زیارت را تهدید

ص:۱۳۳

می‌کند، اتفاقی نیست که بتوان از کنار آن به سادگی گذشت؛ بلکه باید برای ریشه‌کن کردن آن کاری اساسی و برنامه‌ریزی دقیق انجام داد. ازاین‌رو برای روحانیان کاروان‌ها و زائرانی که از بدحجابی دیگر زائران رنج می‌برند، و به حل این مشکل علاقه‌مند هستند، راه‌کارهایی پیشنهاد می‌شود.

پیش از طرح این راه‌کارها، لازم است یادآور شویم که ممکن است گفته شود مبارزه با بدحجابی و روبه‌رو شدن با کسانی که به آن اهمیت نمی‌دهند، صبر و حوصله بسیاری می‌خواهد و دردسر و مشکلات فراوانی خواهد داشت. افزون بر این، تذکر دادن به این افراد اغلب، بی‌فایده است و آنها حرف کسی را نمی‌پذیرند. در پاسخ باید گفت‌اگر از راه درست وارد شویم، هیچ مشکلی به وجود نمی‌آید و زودتر به مقصد می‌رسیم. همچنین اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم داشته باشیم و به وظیفه شرعی خود در قبال ناهنجاری‌ها عمل کنیم، باید دردسرها و مشکلات را تحمل کنیم. هیچ‌کس دوست ندارد در کار دیگران دخالت کند و آنها را از خود برنجاند یا مورد اهانت یا حمله افراد واقع شود. ولی وقتی امر به معروف و نهی از منکر از واجبات مسلم اسلام و از نخستین وظایف هر مسلمان است، عذری برای بی‌توجهی ما باقی نمی‌ماند. نکته دیگر آن است که بسیاری از اوقات ما دچار توهم مشکل می‌شویم نه خود مشکل؛ یعنی فکر می‌کنیم اگر به کسی برای رعایت کردن حجاب تذکر دهیم، برای خود مشکل درست کرده‌ایم. درحالی‌که ترس ما بی‌مورد است. اغلب افراد، به‌ویژه زائران عزیز، افرادی منطقی هستند و از تذکر

ص:۱۳۴

مؤدبانه و منصفانه ما ناراحت نمی‌شوند و برخورد ناپسندی نخواهند داشت. بی‌شک، اگر همه زائران به افراد بدحجاب، تذکری منصفانه، منطقی و مؤدبانه بدهند، مؤثر خواهد بود.

## ۱. توجه به ریشه‌ها و زیر ساخت‌های حجاب

### اشاره

از مهم‌ترین راه‌کارهای گسترش حجاب در میان بانوان، توجه به ریشه‌های اعتقادی و معنوی آن است. برای تشویق زنانی که درباره حجاب کم توجه‌اند باید ریشه‌های حجاب، یعنی ایمان و اعتقاد مذهبی را تقویت کنیم. امر و نهی کردن به زنان درباره حجاب، بدون توجه به ریشه‌های اعتقادی و معنوی آن، نه تنها هیچ سودی برای آنان ندارد، بلکه لجاجت و تنفر آنها را از حجاب افزایش می‌دهد.

ازاین‌رو، باید به تقویت این ریشه‌ها و زیرساخت‌ها توجه شود تا زنان و دختران ما با علاقه و میل و اراده خود به سوی حجاب بروند. از بهترین مکان‌هایی که می‌توان در آن، زمینه پذیرش حجاب را برای زنان فراهم کرد، فضاهای معنوی، زیارتگاه‌ها و مشاهد مشرفه است. بانوی زائر با قرار گرفتن در این موقعیت‌های ویژه، با تلنگری کوچک، ولی ظریف و به موقع، دچار تحولی عمیقی می‌شود؛ تحولی که مانند آن در هیچ جای دیگر رخ نمی‌دهد.

بنابراین، منشأ حجاب را باید در درون فرد جست‌وجو کرد؛ همان‌گونه که دیگر اعمال دینی چنین منشأ و خاستگاهی دارند، و برای توجه دادن فرد به ادای آنها لازم است عقاید درونی او را تقویت کرد.

ص:۱۳۵

بسیاری از افراد از چنین خاستگاه اعتقادی برخوردارند. تنها مانعی که سر راه آنها وجود دارد، غفلت و بی‌توجهی آنها از این خاستگاه است. اگر بتوانیم با ایجاد یک فضای معنوی مناسب، زمینه استحکام مبانی اعتقادی این افراد را فراهم کنیم، بی‌شک، در رفتار آنها تغییر ایجاد خواهد شد و آنها به سمت حجاب متمایل خواهند شد. در ادامه، به خاطره‌ای در این‌باره استناد می‌کنیم.

## خاطره‌ای از تذکر دادن به حجاب

یکی از روحانیان کاروان می‌گفت: در سفرهایی که به مکه و مدینه مشرف می‌شدیم، گاهی زنانی را مشاهده می‌کریم که پوشش آنها با زنان دیگر کاروان فرق داشت و مناسب یک زائر حج یا عمره نبود. تذکرهای عمومی و خصوصی هم کارساز نبود و آنها کماکان راه خود را می‌رفتند. تا اینکه در یکی از سفرها تجربه جالبی به دست آوردم. در این کاروان چند زن با لباس‌های نامناسب و چهره آرایش کرده در جلسات شرکت می‌کردند و مرتباً افراد کاروان، خصوصاً زنان محجبه به من تذکر می‌دادند که با آنها صحبت کنم. ولی من امتناع می‌ورزیدم و می‌گفتم باید وقت مناسب آن برسد.
یک روز صبح زود که همگی به زیارت بقیع رفته بودیم و پشت دیوار بقیع به خواندن دعا و زیارت مشغول بودیم، در حین خواندن زیارت‌نامه، توسلی به حضرت زهرا (علیها السلام) گرفته شد و احساس خوبی به همه دست داد. در همین هنگام موقعیت را مناسب دیدم و همان‌طور که

ص:۱۳۶

افراد هر کدام، ارتباط قلبی با حضرت زهرا (علیها السلام) برقرار کرده بودند، با همان حالت دعا و مناجات گفتم: «ای کسانی که تاکنون گناهی از شما سرزده و در مسیر بندگی خدا تقصیر و کوتاهی کرده‌اید! همین‌جا پیمان ببندید که دیگر از راه راست منحرف نشوید. ای بانوانی که تاکنون پوشش شما کامل نبوده! بیایید از همین الآن به حضرت فاطمه (علیها السلام) قول بدهید که از این به بعد، طوری لباس بپوشید که فاطمه (علیها السلام) از شما راضی باشد. با فاطمه پیمان ببندید که نسبت به نامحرم رفتاری داشته باشید که مورد عنایت دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار گیرید و فردای قیامت شفاعت آن بزرگوار شامل حالتان شود» .

وقتی جلسه توسل تمام شد و به هتل برگشتیم، دیدم همان خانم‌هایی که حجابشان کامل نبود، تصمیم گرفته‌اند چادر به سر کنند و به من گفتند وقتی به ایران هم برگردند، چادر را از خود دور نمی‌کنند. همچنین یکی از خانم‌ها به من گفت: «شما خیلی زیبا و به موقع به ما تذکر حجاب را دادید. ما متوجه بودیم که برخی خانم‌های کاروان از نوع پوشش ما راضی نیستند و دائم به شما می‌گفتند که به ما تذکر بدهید، ولی شما بزرگواری کردید و این کار را نکردید و صبر کردید تا موقع مناسب آن فرا رسید. آن‌گاه طوری به ما گفتید که به هیچ‌کس برنخورد. مطمئن باشید اگر مستقیماً تذکر می‌دادید، نه تنها غرور ما اجازه پذیرش آن را نمی‌داد، بلکه دیگر در هیچ یک از جلسات شما شرکت نمی‌کردیم» .

از آن روز من فهمیدم، راه و روش امر به معروف و نهی از منکر ساده نیست و تصمیم گرفتم همین روش را در همه سفرهایم اجرا کنم و

ص:۱۳۷

به لطف خدا نیز موفق بودم.

با توجه به این داستان، علت اصلی اثرپذیری بانوان از تذکر داده شده، معطوف شدن ذهن آنها به اصل و ریشه حجاب، یعنی عقاید مذهبی آنان است. در حقیقت، اگر به زیرساخت‌های معنوی و حتی اجتماعی حجاب توجه نکنیم و با دیدن یک زن بدحجاب، به سرعت به سوی او برویم و به او یا خانواده‌اش تذکر دهیم، ممکن است واکنشی مثبت در پی‌نداشته باشد، هر چند در ظاهر تذکری نرم و کوتاه بدهیم.

## خاطره‌ای دیگر از تذکر دادن به حجاب

در یکی از سفرهای عمره، به عنوان روحانی کاروان در خدمت زائران بودم. یک روز که از مسجدالحرام برگشتم و برای صرف ناهار به هتل رفتم، در رستوران هتل نزدیک مردی حدود شصت ساله نشستم. در کنار ایشان دو فرد دیگر در حدود ۲۵ و ۴۰ ساله نشسته بودند. بعداً متوجه شدم مرد جوان، پسر او و مرد دیگر داماد اوست. چهره پیرمرد نشان می‌داد که انسان با صفایی است و به همراه خانواده به عمره مشرف شده‌اند.

پس از سلام و احوال‌پرسی مختصر، مشغول غذا خوردن شدیم. در این هنگام دو خانم جوان که یکی از آنها دخترخانمی در حدود شانزده ساله بود و مانتویی بسیار تنگ پوشیده بود و قسمتی از موهایش هم آشکار بود، وارد شدند و به نزد آن مرد آمدند و با او احوال‌پرسی کردند و بعد به طرف قسمت مخصوص بانوان برای صرف ناهار رفتند.

ص:۱۳۸

من که حدس زدم او دختر آن مرد باشد، با خود فکر کردم، شاید مناسب باشد تذکری بسیار کوتاه و مؤدبانه درباره حجاب او بدهم و از طرفی چون در فضای معنوی شهر مکه هستیم، احتمال تأثیر آن بیش از جای دیگر باشد. پس به مرد روکردم و گفتم: «ایشان دختر شماست؟» گفت: «بله» . گفتم: «پوشش مناسبی ندارند» .

ناگهان آن جوانی که برادر این دختر بود، با ناراحتی در پاسخ من گفت: «پوشش ایشان مناسب است» . من چیزی نگفتم و منتظر عکس‌العمل پدرش ماندم. پدر دختر که از تذکر من جا خورده بود، دو جمله در پاسخ من گفت، او ابتدا گفت: «ایشان دختر بسیار خوبی است. خیلی به نماز علاقه دارد و به عبادت در مسجدالحرام و طواف اهمیت خاصی می‌دهد و با ویلچر مادرش را به حرم می‌برد» .

من ابتدا از پاسخ ایشان تعجب کردم و نفهمیدم چه ارتباطی بین این مطلب با تذکر من وجود دارد، اما با کمی تأمل منظور ایشان را فهمیدم. ایشان در واقع می‌خواست به من بگوید، اگر می‌بینی دختر من نسبت به حجاب کمی بی‌توجه است، دلیلش این نیست که فردی لاابالی است و به دیگر مسائل دینی بی‌توجه است، بلکه او کاملاً ـ فردی با اخلاق و مؤمن است. اینجا بود که من فهمیدم در تذکری که داده‌ام، بی‌احتیاطی کردم و از این نکته مهم غافل بوده‌ام.

اگر تصور کنیم تذکر دادن و امر و نهی کردن به دیگران کار ساده‌ای است، کاملاً ـ اشتباه کرده‌ایم. باید در امر و نهی کردن به دیگران، به تمام جوانب آن توجه کنیم، تا تذکر ما اصلاح‌کننده باشد، نه تخریب‌کننده.

ص:۱۳۹

گفتنی است برخی افراد با بداخلاقی و اهانت به دیگران امر و نهی می‌کنند و این امر و نهی نادرست می‌تواند پیامدهای ناگواری در پی‌داشته باشد.

جمله دومی که مرد بلافاصله پس از جمله اول گفت، این بود: «حاج آقا! خدا می‌داند من آن‌قدر به این بچه‌ها تذکر می‌دهم حجابشان را کامل کنند که خودم هم خسته می‌شوم، ولی در این دوره و زمانه بچه‌ها کمتر به [حرف] ما بزرگ‌ترها گوش می‌دهند و راه خودشان را می‌روند» .

منظور ایشان از جمله دوم هم معلوم بود. ایشان در این جمله می‌خواست تذکر دیگری به من بدهد که شما اگر فکر می‌کنید من پدر لاابالی و بی‌تفاوتی هستم که دخترانم را آزاد گذاشته‌ام، سخت در اشتباهید. من به مسائل شرعی اهمیت می‌دهم، این خود بچه‌ها هستند که از ما نمی‌پذیرند. این جمله ایشان نیز اشتباه دوم مرا در تذکری که دادم، به من فهماند.

وقتی تنها شدم، با خودم گفتم: اگر بار دیگر چنین موقعیتی برای من پیش آمد و خواستم به فردی مثل این پدر تذکر دهم، این‌طور می‌گویم: «پدرجان، ایشان دختر شما هستند؟ خوش به حالشان که در سن جوانی و با این‌همه ذوق و اشتیاق به این سفر آمده‌اند. حتماً به انجام اعمال عبادی عمره علاقه خاصی دارند. خدا را شاکر باشید که چنین فرزند خوبی نصیبتان کرده، ولی پدرجان اگر از من بپرسند نمره ایمان ایشان چند است، می‌گویم نوزده است، نه بیست. چرا بیست نیست؟ چون نمره بیست را وقتی می‌گیرند که به جای مانتو از چادر استفاده کنند. البته

ص:۱۴۰

پدرجان من می‌دانم که شما این تذکر را بارها به ایشان داده‌اید، ولی چه می‌شود کرد. جوانان امروز تا خودشان به چیزی نرسند، محال است از بزرگ‌ترها قبول کنند» .

اگر در این چند جمله تذکر دقت کنیم، می‌بینیم هر دو مطلبی که این پدر در پاسخ به تذکر من داد و نسبت به آنها دغدغه داشت، در آن آورده شده است. بنابراین اگر ما دقیق و حساب شده تذکر دهیم، هم مؤثر است و هم جذاب و افزون بر آن، هیچ‌کس نیز رنجیده‌خاطر نخواهد شد.

## ۲. شتاب‌زدگی و عصبانیت در تذکردادن به حجاب، ممنوع

### اشاره

در سفری که با دانشجویان و خانواده‌هایشان به عمره مشرف شده بودیم، روزی به زیارت منا و عرفات رفتیم که سفری جذاب، ولی در عین حال خسته‌کننده است. یکی از دانشجویان که در این سفر با همسرش همراه ما بود، درحالی‌که خیلی ناراحت و گرفته به نظر می‌رسید، خود را به من رساند و گفت: «امروز اتفاقی برای من افتاده که مرا بسیار ناراحت کرده است. خواستم برای شما بگویم تا کمی از ناراحتی‌ام کم شود» . من با خوش‌رویی به او گفتم: «بفرمایید، گوش می‌دهم» . او گفت: «امروز که به زیارت منا و عرفات آمدیم، چون خیلی راه رفتیم، همسرم حالش بد شد و از من کمک خواست. من برای کمک به او، دستش را گرفتم، درحالی‌که او به سختی دنبال من می‌آمد. فردی که در ظاهر بسیار مؤمن به نظر می‌رسید، خود را به ما رساند و با عجله و ناراحتی، در اعتراض به اینکه چرا من دست همسرم را گرفته‌ام، به من

ص:۱۴۱

گفت: همین شماها هستید که با این کارها، آبروی جمهوری اسلامی را می‌برید. خجالت نمی‌کشید جلوی چشم دیگران دست همسرتان را گرفته‌اید؟ من تا به خودم آمدم که این فرد که بود و چرا این اعتراض را کرد، او به سرعت از ما دور شد. هر چه او را صدا زدم تا به او بگویم، همسرم بدحال شده و من برای کمک، دستش را گرفته‌ام، پاسخی نداد و رفت. برای من این برخورد، آن هم از فردی که توقع این رفتار را از او نداشتم، خیلی سنگین آمد و حسابی حال مرا گرفت. حالا آمده‌ام تا با شما درد دل کنم تا کمی از ناراحتی‌ام کم شود» .

من نخست کوشیدم او را دلداری دهم. سپس به او گفتم: «آن فرد قصد آزار شما را نداشته و خیال کرده شما هم مثل برخی افراد هستید که وقتی با همسرشان در خیابان راه می‌روند، دست همدیگر را می‌گیرند و رفتاری که در فضای عمومی پسندیده نیست و دور از شأن یک مسلمان است، از خود نشان می‌دهند» .

وقتی این مطلب را به او می‌گفتم، صرفاً برای آرام کردن او بود؛ چون واقعاً کار آن فرد قابل دفاع نبود؛ زیرا همسر ایشان فردی کاملاً محجبه و چادری بود و این‌گونه سخن گفتن و برخورد تند کردن، شایسته او نبود.

اشتباه دیگری که این شخص مرتکب شده بود، رفتار شتاب‌زده و تند او بود. به فرض که این زن و شوهر رفتار سبکی داشته باشند، ما نباید با آنها برخورد تند داشته باشیم. بلکه همیشه باید فکر کنیم از چه راهی می‌شود رفتار یک فرد را اصلاح کرد. در اینجا به دو نمونه زیبا از برخورد با این‌گونه افراد اشاره می‌کنیم:

ص:۱۴۲

## رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و تذکر به عفاف

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر مرکبی سوار بود و «فضل بن عباس» را که جوانی زیبارو بود، پشت سر خود سوار کرد و از راهی گذشت. در این هنگام زن جوانی جلو آمد و سلام کرد و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اجازه خواست تا مطلبی دربار مسائل دینی بپرسد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرکب را نگه داشت و به پرسش او گوش فرا داد. آن‌گاه پاسخ نسبتاً مفصلی به او داد. در حین پاسخ حضرت متوجه شد، حواس زن جوان به گفته‌های او نیست و به پشت سرش، یعنی به فضل نگاه می‌کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به عقب نگاه کرد و دید که فضل نیز به آن زن جوان چشم دوخته است. پیامبر برای اینکه جلوی این کار را بگیرد، سر فضل را به طرف دیگر برگرداند و به او فرمود: «زنی جوان و مردی جوان، می‌ترسم شیطان در میان ایشان پا بنهد» .(۱)

در این داستان می‌بینیم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هیچ یک از آن دو نفر را که در حضور ایشان رفتاری ناپسند از خود نشان دادند، سرزنش نکرد. حضرت برای اینکه این رفتار ادامه نیابد و هر دو متنبه شوند، با ظرافت خاصی از ادامه این نگاه جلوگیری کرد.

## خاطره‌ای از برخورد رهبر معظم انقلاب با بدحجابی

یکی از اطرافیان مقام معظم رهبری نقل می‌کند: ایشان گاهی برای کوه‌نوردی به کوه‌های اطراف تهران می‌رفتند. در یکی از این سفرها،

---

۱- صحیح بخاری، ج۸، ص۶۳.

ص:۱۴۳

وقتی از کوه بالا می‌رفتند، با پسر و دختر جوانی روبه‌رو شدند که در حال پایین آمدن از کوه بودند. آنها که وضع مناسبی از نظر پوشش نداشتند و دست یکدیگر را هم گرفته بودند و در حال گفت‌وگو بودند، ناگهان با آقا روبه‌رو شدند. لحظه اول اضطراب زیادی پیدا کردند. اما وقتی خوشرویی و چهره خندان آقا را دیدند، آرام شدند و سلام کردند.

رهبر معظم انقلاب، جواب سلام آنها را با مهربانی داد و شروع کرد به احوال‌پرسی و تعریف و تمجید از اینکه این دو جوان، اهل ورزش و کوه‌نوردی هستند. آن‌گاه پرسید: «شما چه نسبتی با هم دارید؟» گفتند: «ما با هم دوست هستیم» . ایشان دوباره آنها را به خاطر اهل ورزش بودن تشویق کرد. سپس فرمود: «آیا دوست دارید با یکدیگر محرم شوید؟» آنها که انتظار این حرف را نداشتند، فوراً اظهار تمایل کردند. حضرت آقا به یکی از همراهانشان فرمودند: «برای ایشان تاریخی را مشخص کنید تا به دفتر بیایند» . آن دو خداحافظی کردند و رفتند، درحالی‌که از این برخورد کریمانه، انقلابی در درونشان به وجود آمده بود.

طبق تاریخ مقرر، این دو جوان به همراه خانواده‌هایشان به محضر آقا رسیدند، درحالی‌که آن دختر با چادر و حجاب کامل آمده بود و آن پسر نیز ظاهری بسیار مذهبی و موقر داشت.(۱)

در این داستان، مقام معظم رهبری، شیوه امر به معروف و نهی از منکر و نیز شیوه برخورد با جوانان و شیوه تشویق جوانان به حجاب و

---

۱- آب، آینه، آفتاب، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، \ ۱۳۸۲.

ص:۱۴۴

عفـاف را به زیبـاترین شـکل نشان می‌دهـد. در حقیقت، ایشان با این برخورد، پیامی مهم به مسـئولان فرهنگی و همه افرادی داد که دغـدغه دینی دارنـد. در حقیقت، برای برپـایی فرهنـگ عفـاف و حجـاب در جامعه، بایـد با کمال آرامش و متانت و با حفظ احترام افراد و در عین حال، بسیار با ظرافت، عمل کرد.

## دو خاطره تلخ و شیرین

یکی از دوسـتان برای من تعریـف کرد: روزی در یکی از شـهرهای مـذهبی، ابتـدای خیابـانی منتظر تاکسـی ایسـتاده بـودم. در آنجا جمعیت زیادی مثل من منتظر تاکسـی بودند. در میان جمعیت، خانم جوانی که پوشش نامناسبی داشت، جلب توجه می‌کرد. ناگهان خانم مسـنی به طرف او رفت و شـروع به پرخاشـگری کرد و گفت: «ای خانم! خجالت نمی‌کشی با این سر و وضع در بین نامحرمان آمده‌ای؟ حداقل از خانواده‌های شـهدا که بهترین عزیزانشان را در راه اسـلام فدا کردند، حیا کن!» هنوز سخن آن زن میان‌سال تمام نشـده بود که زن جوان لنگه کفش خود را در آورد و آن زن معترض را به بـاد کتـک گرفت. اگر مردم پـا در میـانی نکرده‌بودنـد، معلوم نبود چه بر سرش می‌آمد.

مـدتی از این جریان گـذشت، تا اینکه بر حسب اتفاق، دوباره گـذارم به همان خیابان افتاد و همان جریان قبلی تکرار شـد. اما با این تفـاوت که در این جریـان، زنی که تصـمیم گرفته بود به خانم جوان تـذکر حجاب بدهـد، جلو آمـد و با خوشـرویی به او رو کرد و گفت: «دخترم! تو که هزار

ص:۱۴۵

ماشاءالله خانمی زیبا و جذاب هستی، حیف نیست خدای ناکرده مورد تعرض و بی‌احترامی جوان بی‌ادبی قرار بگیری؟ اگر سعی کنی خود را بهتر بپوشانی، هم زیباتر و جذاب‌تر می‌شوی و هم ارزش بالاتری پیدا خواهی کرد» . این خانم آن‌قدر از این سخنان زیبا و تشویق‌کننده گفت که زن جوان تسلیم شد و گفت: چشم مادر و فوراً حجابش را اصلاح کرد.

آن‌گاه دوستم ادامه داد: من وقتی این دو ماجرا را با هم مقایسه کردم، به این نتیجه رسیدم که چرا ما انسان‌ها کار مهمی مثل تذکر دادن و امر به معروف کردن را این‌قدر سرسری می‌گیریم و هنگام مواجه شدن با این‌گونه مسائل، فوراً احساساتی می‌شویم و بعضاً برای فرو نشاندن احساساتمان به جای اینکه تذکر اصلاح گرانه بدهیم، به افراد حمله می‌کنیم؟ ! در ضمن فهمیدم که خداوند با نشان دادن این دو جریان، می‌خواست مرا متوجه این مطلب مهم کند که هنگام تذکر دادن، احساسات و عواطف افراد را در نظر بگیرم و هرگز برای متوجه کردن فرد به یک امر شرعی، تمام شخصیت او را زیر سؤال نبرم.

از این‌دو خاطره به یک نکته مهم می‌توان رسید: اینکه هنگام امر به معروف و نهی از منکر، به‌ویژه نسبت به امر حجاب، باید توجه کنیم که تذکر یا سخن ما به‌گونه‌ای نباشد که آتش لجاجت را در فرد شعله‌ور کند؛ زیرا اگر چنین شود، نه تنها او از رفتارش دست بر نمی‌دارد، بلکه به یک مبلّغ برای رفتار ضد دینی‌اش تبدیل می‌شود.

بنابراین، همه افراد باید توجه داشته باشند که مبادا به جای ترویج فرهنگ حجاب، وضع پوشش بدحجابان را بدتر، و با رفتار تند

ص:۱۴۶

و نسنجیده خود، لجاجت آنها را بیشتر کنند و آنها را به معنویات بدبین سازند.

## ۳. ایجاد نگرش مثبت به حجاب

### اشاره

از راهکارهای مهم گسترش حجاب، ایجاد نگرش مثبت به آن است. امروزه یکی از نقشه‌هایی که دشمنان اسلام و انقلاب، برای دور کردن مردم از معنویات و گسترش فحشا و بی‌بند و باری در میان جوانان، به اجرا گذاشته‌اند، ایجاد نگرش منفی به حجاب است. ازاین‌رو نباید به آنها اجازه چنین فرصتی را داد و در مقابل، باید برای مثبت نگه داشتن نگرش جوانان و نوجوانان به حجاب با همه توان کوشید.

### مبارزه با حجاب

مبارزه باحجاب در قالب ایجاد نگرش منفی به حجاب، در دو سطح، در دستور کار دشمن قرار دارد. سطح اول آن است که ذهن جوان، چه پسر و چه دختر را به حجاب بدبین کند و با شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی، تبیین کند که حجاب، نشانه عقب‌ماندگی است یا کسی که حجاب دارد، کم‌کم افسرده می‌شود و نشاط خود را از دست می‌دهد. این تبلیغات چنان گسترده شده که افزون بر انتشار کتاب و مقاله‌های فراوان، حتی به فیلم‌ها و سریال‌ها کشیده شده و متأسفانه به اشتباه یا عمد، برخی از آنها از تلویزیون نیز پخش شده است.

اما سطح دوم از این نگرش منفی به حجاب، آن است که حجاب از واجبات دینی به شمار می‌رود و رعایت آن نیز لازم است. ولی این

ص:۱۴۷

وجوب در همه‌جا نیست، بلکه فقط مختص اماکن مذهبی است و خارج از این مکان‌ها، رعایت کردن یا نکردن حجاب، به سلیقه و نظر شخص بستگی دارد؛ به عبارت دیگر، در این دیدگاه، فرد خود را متدین و متشرع می‌داند، ولی درباره حجاب و رعایت حریم با نامحرم، نظر و سلیقه خود را ملاک دین قرار می‌دهد.

در حقیقت، این دیدگاه به فرد اجازه می‌دهد خودش اجتهاد کند و به برخی احکام دینی، به‌ویژه احکام اجتماعی، با نظر خود عمل کند.

در دیدگاه اول که دیدگاه تندتری بود، با مضر دانستن حجاب، کل دین را رد می‌کردند و مردود می‌دانستند، ولی در دیدگاه دوم، حجاب را امری شخصی و مخصوص مکان‌ها و مراسم مذهبی می‌داند. ازاین‌رو می‌بینیم برخی زنان در مراسم مذهبی مثل عزاداری‌ها، زیارت‌گاه‌ها و مساجد، باحجاب و چادر حضور می‌یابند، ولی در کوچه و خیابان و مهمانی‌ها و جشن‌ها حجاب را رعایت نمی‌کنند.

برخی هم استدلال عجیبی برای این کار خود دارند. آنان می‌گویند اصل و ریشه حجاب، این است که فکر بدی نداشته باشی و به اصطلاح، دلت پاک باشد. همچنین می‌گویند: زن باید تمیز و زیبا باشد و چه اشکالی دارد ما زنان، با ظاهری زیبا در جامعه حاضر شویم. چرا باید این همه زیبایی را پنهان کنیم؛ به‌ویژه اگر قصد بدی نداشته باشیم! اگر عده‌ای قلب بیماری دارند، تقصیر خودشان است؛ چرا ما باید خود را بپوشانیم؟ چرا مردان نگاهشان را کنترل نکنند؟

ص:۱۴۸

## اصلاح نگرش به حجاب

آنچه گفته شد، نشان می‌دهد نگرش و برداشت این افراد درباره حجاب، درست نیست. بنابراین اگر بخواهیم فرهنگ حجاب را در میان بانوان گسترش دهیم، نخست باید نگرش و دیدگاه آنها را درباره حجاب اصلاح کنیم. باید با طرح مباحث علمی، تبیین کنیم که احکام دین اسلام، به جز از منبع قرآن و سنت، قابل برداشت نیست و ما نمی‌توانیم احکام دینی را بنابر میل خود تغییر دهیم و برداشت شخصی خود را به حساب دین بگذاریم.

در پاسخ به زنانی که ممکن است تحت تأثیر تبلیغات مخالفان حجاب قرار گرفته باشند و تصور کنند حجاب و پوشش، سبب افسردگی و از بین رفتن نشاط زن می‌شود نیز باید گفت این‌گونه سخنان، نه تنها اثبات شدنی نیست و ریشه علمی ندارد، بلکه پژوهش‌های روان‌شناسان خلاف آن را ثابت کرده است.

پژوهش‌ها نشان داده در مقایسه وضعیت روانی زنان باحجاب و زنان بدحجاب، سلامت روانی زنان باحجاب و آرامش و لذتی که از زندگی می‌برند، بیشتر از دیگر زنان است.(۱)امروزه زنان غربی که مصداق کامل آزادی زن در پوشش و رابطه آزاد با نامحرم هستند، در فشارهای روانی و اضطراب زندگی می‌کنند. درحالی‌که زنان شرقی هرگز چنین تجربه‌هایی را نداشته‌اند.

---

۱- ر. ک: حجاب و نقش آن در سلامت روان، صص ۱۰۱ - ۱۳۰.

ص:۱۴۹

به هر حال، مسئولان فرهنگی باید بدانند تا نگرش به حجاب اصلاح نشود، تبلیغ حجاب بی‌فایده خواهد بود.

## حجاب به سبک خاص

چند سال پیش همراه خانواده، به مشهد مقدس رفته بودیم. روزی کنار یکی از ورودی‌های حرم ایستاده بودیم که خانم جوانی، درحالی‌که چادری به سر داشت، در حال خارج شدن از حرم بود. من متوجه او نشدم، ولی وقتی از کنار او گذشتیم، همسرم به من گفت: «متوجه شدی این خانم چه کار کرد؟» گفتم: «نه، چه کار کرد؟» گفت: «این خانم به محض اینکه از حرم خارج شد، چادرش را برداشت و داخل کیف گذاشت. سپس خم شد و جوراب‌هایش را هم در آورد و به راه افتاد» .

من که از این رفتار خیلی تعجب کرده بودم، با خود فکر کردم این رفتارش چه دلیلی دارد؟ چرا داخل حرم حجابش کامل است، ولی وقتی خارج می‌شود، از حجاب کامل فاصله می‌گیرد؟ کسی که این خانم را مجبور نکرده به حرم بیاید، بلکه خودش به خاطر عقاید دینی و علاقه‌ای که به امام رضا (علیه السلام) دارد، به زیارت آمده است. پس چرا در پوشش خود رفتاری دوگانه دارد؟ سرانجام به این نتیجه رسیدم که او برای اینکه حرمت حرم را نگه‌دارد، هم چادر به سر کرده و هم جوراب پوشیده است، ولی وقتی از حرم خارج می‌شود، دیگر حجاب را بر خود واجب نمی‌داند. این همان نگرش غلط به حجاب و همان انحرافی است که در برداشت از دین ایجاد شده است. در حقیقت، این همان بلایی است که

ص:۱۵۰

امروزه در جهان غرب بر سر دین آمده و آن را به کلیسا منحصر کرده است. کسانی که این بلا ـ را بر سر مسیحیت آورده‌اند، می‌خواهند به کمک افرادی ساده‌لوح، این بلا را بر سر اسلام نیز بیاورند. بر این اساس، باید گفت حاکمیت بخشیدن به حجاب، کاری زیربنایی و ریشه‌ای است، نه نه تبلیغاتی.

اگر مردم جامعه‌ای از برداشت‌ها و باورهای دینی درستی برخوردار باشند، هیچ هجمه‌ای آنها را دچار تزلزل نمی‌کند. بنابراین نخست باید ریشه عقاید را محکم کرد. باید دختران و زنان مسلمان بدانند که حجاب، پوششی عادی و مخصوص اماکن مذهبی نیست، بلکه حجاب یک نگرش و تفکر است. حجاب، یک تفکر عمیق دینی است که به صاحب خود، جهان‌بینی الهی می‌بخشد و این جهان‌بینی، همه‌جا همراه فرد است و در نوع پوشش او ظهور می‌یابد.

## ۴. آگاه کردن زائران به پیامدهای منفی بی‌توجهی به حجاب

### اشاره

بسیاری از بانوان نمی‌دانند که حجاب، مسئله‌ای شخصی نیست و رعایت نکردن، پیامدهای منفی بسیاری برای فرد و جامعه خواهد داشت. این بانوان که در نداشتن حجاب کامل، قصد و نیت بدی ندارند، در توجیه کار خود می‌گویند: ما به این پوشش عادت کرده‌ایم و هدف خاصی نداریم؛ غافل از اینکه نداشتن حجاب کامل، پیامدهای تربیتی خود را بر اطرافیان خواهد گذاشت؛ خواه فرد قصد و نیتی نادرست از بدحجابی داشته باشد یا بدون چنین قصدی، حجابش را رعایت نکند.

ص:۱۵۱

چند سال پیش در همایشی که درباره موضوع حجاب در دانشگاه آزاد یکی از شهرستان‌ها بر پا شده بود، درباره آثار روان شناختی حجاب سخنرانی کردم. وقتی صحبتم تمام شد، یکی از استادان خانم دانشگاه که حجاب کاملی نداشت، نزد من آمد و گفت: «می‌توانم مطلبی بپرسم؟» گفتم: «بفرمایید!» گفت: «من چادر به سر نمی‌کنم و مقید نیستم کاملاً حجابم را رعایت کنم. اما وقتی من هیچ قصد بدی ندارم و حریم عفت و حیا را رعایت می‌کنم، چه اشکالی دارد که حجابم کامل نباشد و حتی کمی هم آرایش داشته باشم؟» به او گفتم: «من قبول دارم که امثال شما هیچ قصد و نیت بدی ندارید و نمی‌خواهید با این کار توجه نامحرمی را به خود جلب کنید و عفت و حیای باطنی شما را هم تأیید می‌کنم، ولی آیا نامحرمانی که شما را می‌بینند، به خصوص پسران جوان و مجرد که به ظاهر زیبا و جذاب این‌گونه زنان نگاه می‌کنند، تضمین می‌کنید که هیچ قصدی در نگاهشان نباشد؟» وقتی صحبتم به اینجا رسید، او به سرعت حرفم را تصدیق کرد و گفت: «من تاکنون به این نکته توجه نکرده بودم» .

بنابراین، اگر بخواهیم به کسانی که در سفرهای زیارتی، حجابشان را به‌طور کامل رعایت نمی‌کنند، تذکر دهیم، باید به این مطلب توجه داشته باشیم که بیشتر کسانی که حجابشان کامل نیست، نمی‌خواهند کسی را گمراه کنند یا به گناه بیندازند؛ به‌ویژه بانوانی که به سفر زیارتی می‌روند، هرگز نیت بدی ندارند. همچنین این‌گونه زنان، اغلب از پیامدهای مخرب و بد رعایت نکردن حجاب در اماکن مقدس ناآگاهند. اگر آنان از

ص:۱۵۲

پیامدهای منفی رعایت نکردن حجاب آگاهی یابند، هرگز به خود اجازه نمی‌دهند ظاهر بدحجابی داشته باشند.

بنـابراین، بهترین روش برای تشویق بـانوان به حجاب کامل در این مواقع، آشـنا کردن آنان با آثار سوء بـدحجابی بر افراد است. این آثـار منفی از یـک‌سو افراد ناآگـاه و ضـعیف را به معنویت و ایمـان بـدبین و تصویری را که آنان از زنی مؤمن و زائر در ذهن خود دارند، تخریب می‌کند و از دیگرسو آنان را برای آسیب‌ها و بداخلاقی‌های اجتماعی آماده می‌سازد.

در شـهر مدینه به مغازه پارچه‌فروشـی رفتم که فروشـنده جوانی داشت. ناگهان خانم جوان ایرانی که چادر بر سر نداشت و حجابش نیز کامل نبود از جلوی مغازه گذشت. آن جوان نگاهی شیطانی به آن خانم جوان کرد و خطاب به او سخنانی بی‌ادبانه گفت. من به جوان اعتراض کردم، ولی چرا بایـد زنی بـا شخصـیت و زائر این‌گونه مورد اهانت جوانی هرزه قرار گیرد. آیا کسـی غیر از خود این زن مقصر است؟ !

## رعایت حجاب هنگام استقبال از زوار در فرودگاه ایران

از موارد مهم، ولی به ظاهر فرعی و جزئی که ممکن است کمتر کسـی به آن توجه کند، رعایت حجاب در نخستین برخورد زائرن با اسـتقبال کنندگان است. گاهی دیده می‌شود برخی بانوان زائر، غافل از اینکه از چه سـفر پربار معنوی در حال بازگشت هستند، تنها به این نکته فکر می‌کنند که در نخستین برخورد با استقبال کنندگان، از چهره و تیپ

ص:۱۵۳

جذابی برخوردار باشند. به همین دلیل متأسفانه، آرایش می‌کنند و از پوششی با رنگ‌های روشن و زیبا استفاده می‌کنند. اگرچه آنها قصد بدی ندارند، ولی اسلام، هرگز نفس این کار را تأیید نمی‌کند و این رفتار در شأن یک زن مسلمان نیست؛ به‌ویژه اگر زائر خانه خدا یا دیگر اماکن زیارتی بوده باشد.

گفتنی است برخی آقایان نیز رفتاری مشابه دارند و دیده می‌شود برخی از آنها هنگام بازگشت از زیارت، صورت خود را از ته می‌تراشند و حتی لباس‌های نامناسب می‌پوشند و با چهره‌ای که شبیه یک زائر بازگشته از مکه و مدینه یا عتبات عراق نیست، ظاهر می‌شوند. البته این موارد بسیار نادر است، ولی وجود یک یا دو نفر در کاروان نیز می‌تواند چهره زیبای کاروان زیارتی را زشت کند و مانعی برای رساندن پیام زیارت به استقبال کنندگان باشد.

بنابراین، یکی از مواردی که روحانیان کاروان‌ها باید درباره آن به زائران تذکر دهند، همین مورد است. زائر باید به آثار بدی که ممکن است نوع پوشش بر اطرافیان بگذارد، توجه کند.

اغلب، وقتی زائران از سفر باز می‌گردند، جمعیت بسیاری به استقبال آنها می‌آیند. بسیاری از استقبال کنندگان به این نیت می‌آیند که خداوند، این زیارت را در آینده نصیب آنها کند. ازاین‌رو استقبال کنندگان، به‌طور طبیعی، از خانم یا آقای زائر انتظار دارند، رنگ و بوی زیارت را که همان رنگ و بوی اسلام است، از رفتار و ظاهر آنان استشمام کنند؛ هرچند خود به آن خیلی پایبند نباشد.

ص:۱۵۴

گاه حتی ممکن است فردی که به استقبال زائر می‌آید، خود حجاب درستی نداشته باشد، ولی پیش از اینکه زائر را ببیند، در فکر و ذهنش او را با حجابی کامل تصور می‌کند؛ هر چند قبلاً زائر خیلی به حجاب پایبند نبوده باشد. حال اگر با این تصور زیبا، زائر را در پوششی غیر اسلامی ببیند، تمام تصوراتش خراب می‌شود و با خود می‌گوید، زیارت و اماکن زیارتی با جاهای دیگر تفاوت چندانی ندارد و این سفرها فقط یک سفر سیاحتی و گردشی بوده است. آن‌گاه هر چه زائر از معنویات سفر و حالات خوشی که نصیبش شده، تعریف کند، دیگر برایش جذابیت ندارد؛ زیرا با خود می‌گوید، اگر این حرف‌ها درست است، پس چرا روی خودش اثر نکرده است. شاید هم با شنیدن این تعریف‌ها از زائر، کمی گیج شود و اصل ماجرا برایش روشن نشود.

بنابراین، زائر محترم خانه خدا یا کسی که خدا پس از مدت‌ها انتظار، توفیق پای‌بوسی حرم‌های نورانی ائمه هدی و رسول خدا و فاطمه زهرا (علیهم السلام) را نصیب او کرده است، باید این توفیق و فرصت را غنیمت شمارد و در این چند روز خود را حفظ کند و بر اعمال و احساسات خود مسلط باشد. همچنین بکوشد تا پایان سفر، زائر بماند؛ چرا که هر چه بیشتر این حالت معنوی را در خود حفظ کند، سود بیشتری کرده است. همچنین زائر نباید از یاد ببرد که شیطان، همواره در کمین اوست تا این‌گوهر گران‌بهایی که با زیارت نصیب او شده، از دستش برباید.

آیا عجیب نیست که یک بانوی محترم برای خوشایند دیگران، آرایش می‌کند و از پوشش اسلامی فاصله می‌گیرد، ولی ثواب زیارت خود را از

ص:۱۵۵

دست می‌دهد؟ ازاین‌رو بزرگان گفته‌اند: نگه داشتن یک شیء با ارزش، سخت‌تر از به دست آوردن آن است.

## حجاب پس از بازگشت از سفر

یکی از موارد مهمی که لازم است روحانیون محترم کاروان، به زائران تذکر دهند، رعایت حجاب در دید و بازدیدها پس از بازگشت است. رسم بر این است که پس از بازگشت زائر، اقوام، دوستان و همسایگان به دیدار او می‌آیند و برای قبولی زیارتش دعا می‌کنند. این دیدارها و ملاقات‌ها، از آداب دینی است که به آن سفارش بسیاری شده و حتی در برخی روایات آمده است: «تا نور حج بر چهره حاجی باقی است، به زیارتش بروید» .(۱)انتظار می‌رود در این دیدارها، زائر با ظاهری اسلامی میان دیدارکنندگان حاضر شود. حتی مهمانی‌ها و پذیرایی‌ها و هدیه‌ها و سوغاتی‌ها نیز باید همگی رنگ دینی داشته باشد.

زائران محترم، به‌ویژه خانم‌های زائر، نباید فراموش کنند که آنها نماینده‌ای از طرف صاحب زیارت و حرم به سوی مردم هستند. بنابراین نباید رفتار و عملشان با صاحب زیارت مغایر باشد. امامان معصوم (علیهم السلام) می‌فرمایند: «

مَنْ زارَ رسول الله (صلی الله علیه و آله) کَمَنْ زارَ الله فوق عَرْشه » (۲)؛ «کسی که رسول خدا را زیارت کند گویا خدا را بالای عرش زیارت کرده است» .

این سخن، وظیفه زائر را سنگین می‌کند؛ زیرا بر او واجب می‌کند که

---

۱- کافی، ج۴، ص۲۵۵.

۲- کافی، ج۹، ص۳۳۹.

ص:۱۵۶

به گونه‌ای سخن گوید و ظاهر و پوشش و حجابش به گونه‌ای باشد که حامل پیام صاحب حرم باشد. آیا ممکن است زائر حضرت فاطمه (علیها السلام) ، حجابش به آن حضرت شبیه نباشد؟ ! آیا زیباست زائری به جای سخن گفتن از لذت‌های معنوی و زیبایی‌های عبادت حرم، از بازار قیمت اجناس و مظاهر مادی سفر سخن بگوید؟ ! بنابراین زائر نباید فراموش کند، با رفتن به زیارت، توفیق نمایندگی از سوی صاحب حرم نصیبش شده است و باید وظیفه نمایندگی را به بهترین شکل انجام‌دهد.

## ۵-مخالفت با بدحجابی، نه با بدحجاب

### اشاره

آن که می‌خواهد با فرهنگ و تفکری نادرست مبارزه کند و به جای آن، تفکری صحیح را حاکم کند که در اصطلاح، به آن امر به معروف و نهی از منکر می گویند، باید به این نکته توجه داشته باشد که نوک پیکان حمله خود را روی عمل منکر یا تفکر منکر قرار دهد، نه روی فردی که به آن مبتلا شده است. در روایتی از امام معصوم (علیه السلام) می‌خوانیم:

اِنَّ اللهَ یُحِبُّ العَبْدَ وَیُبْغِضُ عَمَلَهُ.(۱)

همانا خداوند، بنده [گناه کارش] را دوست دارد، ولی با عمل و کار [بدش] دشمن است.

این روایت، به این اصل تربیتی اشاره دارد که باید با عمل منکر، مبارزه و دشمنی کرد، نه با فردی که به آن مبتلا شده است. حتی گاهی باید با فرد

---

۱- بحارالانوار، ج۲۹، ص ۶۰۰.

ص:۱۵۷

گنه‌کـار، بـا دوستی و محبت رفتار کرد تا او را از عمل بـدش جـدا ساخت؛ درست ماننـد فرد بیماری که پزشک با بیماری او مبارزه می‌کند، ولی با خود او با ملاطفت برخورد می‌کند.

دربـاره مبـارزه بـا بـدحجابی نیز همین‌گونه است. اگر بخواهیم به خـانمی که حجاب و آموزه‌های اسـلامی را رعایت نمی‌کنـد یا به مردی که به پوشـش همسر و دخترش توجهی ندارد، امر به معروف و نهی از منکر کنیم، باید از روش‌های محبت‌آمیز استفاده کنیم. با بداخلاقی و ترش‌رویی، نه تنها کاری از پیش نمی‌رود، بلکه بدتر می‌شود. بسیار دیده شده است که افراد با ایمان، وقتی با زنی که وضع پوششی مناسبی ندارد، برخورد می‌کنند، از کوره در می‌روند و عصبانی می‌شوند و حرف‌های ناشایستی به او می‌زنند. آنها در رویارویی با این‌گونه زنان، یا شـروع به ناسـزاگویی و داد و فریاد می‌کننـد یا با تنـدی به او می‌گوینـد که کارش اشـتباه است و باید خود را تغییر دهـد. درحالی‌که نخستین قـدم در مبارزه با بـدحجابی، این است که حساب فرد را از عملش جـدا کنیم و برخورد ما با فرد، از برخورد با عملش متفاوت باشد. در حقیقت، باید به فرد بفهمانیم که آن‌قدر بزرگوار است که این رفتار یا پوشـش نامناسب، هرگز مناسب‌شأن و بزرگواری او نیست. همچنین اگر تـذکر دوسـتانه مـا را نپـذیرفت، هرگز او را سـرزنش نکنیم، بلکه او را مـانند شخص بیماری بدانیم که از خوردن داروی تلخ خودداری می‌کند. یک پرسـتار یا پزشک مهربان، نخست می‌کوشد بیمارش را قانع کند تا از دارو بخورد. ولی اگر قانع نشد، یا از مقدار دارو کم می‌کند یا ماده شیرینی به داروی تلخ

ص:۱۵۸

اضافه می کند. در مبارزه با منکری مانند بدحجابی نیز باید همین روش را به کار برد.

گفتنی است اغلب، برخوردها و شیوه‌تذکر دادن آمران به معروف به خانم‌های بدحجاب، در گذشته خشن و تند بوده است و این افراد، ذهنیت خوبی به تذکر دیگران ندارند. ازاین‌رو گاه حساسیت آنها به تذکر دیگر افراد دوچندان می‌شود و در مقابل آن موضع گیری تندی دارند.

بنابراین، هنگام برخورد اصلاح گرانه با افراد بدحجاب، باید به دو نکته توجه داشت: نخست اینکه به شخصیت فرد احترام بگذاریم و هرگز با او با کینه و دشمنی سخن نگوییم. بلکه فقط عمل او، یعنی بدحجابی را نقد کنیم. در حقیقت، عملش را به‌گونه‌ای به او نشان دهیم و زشتی آن را برایش توضیح دهیم که خودش از آن متنفر شود. دوم اینکه احتمال برخورد نامناسب و توهین‌آمیز را از طرف مقابل داشته باشیم؛ زیرا همان‌گونه‌که گفتیم، او مانند فرد بیماری است که به این عادت بد مبتلا شده است و به احتمال زیاد، در مقابل داروی تجویز شده ما مقاومت خواهد کرد.

این نکته را نیز نباید فراموش کرد که اغلب، تذکر برای همه افراد حتی خود ما تلخ است و فرد باید چنان خودساخته باشد که تذکر دیگران را بپذیرد. هر چه ما در تذکر و برخورد اولیه خود، نرم‌تر، حساب شده‌تر و محترمانه‌تر عمل کنیم، مقاومت طرف مقابل کمتر و پذیرش او بیشتر خواهد بود.

شاید بتوان با چند مثال، مطلب را روشن‌تر بیان کرد. جمله‌ها و

ص:۱۵۹

کلمه‌هایی که برای تذکر دادن به افرادی که پوشش مناسب ندارند، انتخاب می کنیم، می‌تواند مانند این جمله‌ها باشد: «به من اجازه می‌دهید، مطلبی را به شما بگویم؟» اگر جوابشان مثبت بود، در ادامه می گویید: «اگر حجابتان را کامل‌تر کنید، بهتر است؛ زیرا نگاه‌های توهین آمیز بعضی به شما کمتر خواهد شد» .

یا بگویید: «اگر حرفی به شما بگویم، ناراحت نمی‌شوید؟» اگر گفتند نه، همان جمله گذشته یا چیزی شبیه آن را بگویید. اگر در این دو جمله دقت کنید، می‌بینید که با اجازه گرفتن از طرف مقابل، به او تذکر داده‌اید. همچنین تذکر شما همراه با احترام و ادب بوده است. بنابراین اگر طرف مقابل نیز تذکر شما را نپذیرد، برخوردی توهین آمیز با شما نخواهد کرد.

جمله دیگری که می‌توان در تذکر به حجاب به کار برد این است که بگویید: «مرا ببخشید، مطلبی در ذهن بنده است که می‌ترسم اگر نگویم، برای بی‌توجهی‌ام، خداوند مرا مؤاخذه و مجازات کند. اجازه دارم آن را بگویم؟» اگر طرف مقابل اجازه داد، ادامه دهید: «شما حجابتان کامل نیست. از دیدگاه اسلام بر زنان واجب است تمام زیبایی‌هایشان را در مقابل نامحرم بپوشانند» . یا بگویید: «یکی از وظایف مهم زنان مسلمان، رعایت حجاب کامل است. اسلام بر زنان واجب کرده که در مقابل نامحرم، حتی یک تار موی‌شان نیز آشکار نباشد و از هیچ نوع آرایشی استفاده نکنند» . این نکته را نیز به یاد داشته باشید که اگر زنی همراه شوهرش بود، حتماً این جمله‌ها را به شوهرش بگویید و در حضور او هرگز به خانم تذکر ندهید.

ص: ۱۶۰

## داستانی از تذکر دادن به رعایت حجاب

یکی از دوستان می‌گفت فرزندم بیمار شده بود. او را برای معاینه نزد پزشک بردم. در سالن انتظار، جمعیت بسیاری منتظر نشسته بودند. چون جای نشستن نبود، در گوشه‌ای ایستادم تا نوبتم فرا رسد. ناگهان چشمم به خانم منشی افتاد که به شکل محسوسی صورتش را آرایش کرده بود و احتمالاً به همین دلیل دور تا دور میزش را مردان جوان گرفته بودند.

با خود فکر کردم، چه باید بکنم؟ آیا از کنارش بی‌توجه بگذرم؟ در این صورت جواب خدا را چه بدهم؟ یا به او تذکر دهم، ولی چگونه باید این کار را بکنم؟ ممکن است برخورد خوبی با من نداشته باشد. ناگهان فکری به ذهنم رسید. یک برگه کوچک کاغذ برداشتم و روی آن نوشتم: «خانم محترم! مرا ببخشید که به شما تذکر می‌دهم. آرایش کردن شما میان مردان نامحرم صحیح نیست. شاید بگویید به من مربوط نیست و نباید در امور شخصی شما دخالت کنم، ولی من مجبور شدم این کار را بکنم. چون اگر نگویم، خداوند مرا مؤاخذه خواهد کرد. من در واقع به خاطر نجات خودم به شما تذکر می‌دهم» .

نامه را نوشتم و پس از آنکه پزشک فرزندم را معاینه کرد، هنگام خروج از سالن انتظار، کاغذ را روی میز منشی گذاشتم و به ایشان گفتم: «این مال شماست» . سپس از آنجا خارج شدم. هفته بعد به دلیل آزمایشی که پزشک داده بود، دوباره به آن مطب رفتم. نگاهم به منشی افتاد، صورتش عادی بود و از آرایش‌های گذشته خبری نبود. خدا را شکر کردم که توانستم با این روش ساده، مسلمانی را از گناه باز دارم.

ص:۱۶۱

بنابراین، وقتی می‌خواهیم با بدحجابی مبارزه کنیم، نه با بدحجاب، باید به‌گونه‌ای برخورد کنیم که طرف مقابل، از یک‌سو نسبت به زشتی رفتارش متنبه و از آن متنفر شود و از دیگرسو به طرف ما متمایل شود و شیفته اخلاق و رفتار ما به عنوان یک مسلمان و از همه مهم‌تر نوع تفکر و عقیده ما گردد. بر این اساس، باید در تک‌تک کلمات و جملاتی که برای تذکر دادن به کار می‌بریم، دقت کنیم. چه بسا لازم است پیش از تذکر دادن، خوب فکر کنیم و عبارت زیبا و مؤدبانه و جذابی را برای این تذکر انتخاب کنیم تا درجه پذیرش فرد بیشتر شود.

## تذکری زیبا

یکی از دوستان می‌گفت در ماه رمضان، در یکی از میادین شهر، مرد مسافری را دیدم که مشغول خوردن چیزی بود. تصمیم گرفتم به او تذکر بدهم که حرمت ماه رمضان را نگه دارد و دور از انظار مردم غذا بخورد. ولی از طرفی هم نمی‌خواستم از تذکر من رنجیده‌خاطر شود. ناگهان فکری به خاطرم رسید. جلو رفتم و پس از سلام و احوال‌پرسی به او گفتم: «من می‌دانم که در این شهر به خاطر ماه رمضان، همه رستوران‌ها در طول روز بسته است و به شما مسافران خیلی سخت می‌گذرد. اگر موافق باشید، من شما را دعوت می‌کنم به منزل ما بیایید تا برای نهار در خدمتتان باشم» . آن مرد که اصلاً انتظار چنین برخوردی را از من نداشت، به من رو کرد و گفت: «اگر طور دیگری تذکر می‌دادید، حتماً ناراحت می‌شدم، اما شما آن‌قدر خوب و زیبا مرا متوجه کار اشتباهم کردید که

ص:۱۶۲

جای هیچ گله و شکایتی باقی نماند» .

راه‌کارهایی که به نظر می‌رسید برای روحانیان بزرگوار و زائران محترم در ایجاد فرهنگ حجاب مفید باشد، مطرح شد. در پایان، گفتنی است مبارزه با بدحجابی و تلاش برای تبیین و نهادینه کردن فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه، با تلاش یک یا چند نفر یا نوشتن چند کتاب یا برگزاری چند سمینار و نشست علمی امکان پذیر نیست. لازم است همه نیروها دست به دست هم دهند و با کار مستمر و همه جانبه، برای تحقق این هدف مقدس بکوشند.

به این نکته نیز باید توجه کنیم که ما مأمور به انجام وظیفه‌ایم و کاری با نتیجه آن نداریم. مهم آن است که ما کار و وظیفه خود را درست انجام دهیم. اینکه آیا به ریشه‌کن کردن بدحجابی موفق می‌شویم یا شیاطین در جذب افراد به طرف بدحجابی موفق‌تر از ما خواهند بود، در اصل کار ما خللی وارد نمی‌کند. البته شکی نیست که اگر کار درست انجام داده شود، نتیجه‌بخش خواهد بود.

در گفتار دوم، راه‌کارهایی را برای صیانت از فرهنگ حجاب در کاروان‌های زیارتی و جلوگیری از شیوع رفتارهای ضد فرهنگی در میان زوار، به مسئولان حج و زیارت و روحانیون کاروان پیشنهاد می‌کنیم.

## گفتار دوم: راه‌کارهای پیشنهادی به مسئولان حج و زیارت

### اشاره

یکی از دغدغه‌های مسئولان حج و زیارت که نماینده محترم مقام معظم رهبری در حج و زیارت نیز به آن اهتمام ویژه دارد، موضوع پوشش بانوان زائر در سفرهای زیارتی، به‌ویژه زائران حج و عمره است.

ص:۱۶۳

از آنجا که این زائران، هر یک نماینده جمهوری اسلامی ایران در این کشورها هستند، حجاب و پوشش آنها نقش مهمی در معرفی ایران اسلامی و مذهب علوی و فاطمی به دیگر ملت‌ها دارد.

لباس هر قوم و ملت، نشان‌دهنده فرهنگ آنان است. بسیاری از ملیت‌های گوناگون که در مکه و مدینه یا دیگر اماکن مقدس حضور پیدا می‌کنند، جز تبلیغات سوء، ناقص و غیر حقیقی، اطلاعات دیگری درباره ایران ندارند. آنها فقط شنیده‌اند که در ایران، انقلاب شده و حکومت اسلامی، بر اساس مذهب تشیع و مکتب اهل البیت (علیهم السلام) به وجود آمده است. ازاین‌رو وقتی برای اولین بار با زائر ایرانی برخورد می‌کنند، رفتار، عبادت و حجاب زنان و مردان ایرانی را ملاک شناخت خود از ایران و مذهب تشیع قرار می‌دهند. ازاین‌رو همه توجه می‌کنند که زائر ایرانی با چه ظاهر و چه رفتاری به زیارت این مشاهد مشرفه آمده است.

بنابراین یک بانوی مسلمان ایرانی باید بداند که حجاب و پوشش برای او، فقط رفتاری عبادی و شخصی نیست که اگر رعایت نکند، خود نگاه کرده است و عذاب آن را خواهد دید، بلکه یک زن مسلمان ایرانی، نماینده مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در میان دیگر زائران است؛ زائرانی که بیشتر آنها اهل سنت هستند و حتی برخی سران آنها منتظرند تا رفتارهای نادرست ایرانی‌ها را به مکتب تشیع و اهل بیت (علیهم السلام) نسبت دهند. ازاین‌رو همه زائران ایرانی به‌ویژه مسئولان، وظیفه‌ای مهم در این‌باره بر عهده دارند و باید بیشتر بکوشند. آنچه در بخش دوم به عنوان راه‌کارهایی برای مسئولان حج و زیارت بیان می‌شود، چند پیشنهاد است که عبارت‌اند از:

ص:۱۶۴

## ۱. فرهنگ‌سازی برای حجاب کامل

سفرهـای زیـارتی، بهترین فرصت برای ایجـاد فرهنـگ حجـاب کامل، یعنی چادر میان بانوان است. بی‌شک، خانمی که پول و وقت خود را برای چنین سفرهایی هزینه و دوری از خانواده و فرزندان خود را تحمل می‌کند، درونش تحولاتی به وجود آمده است. مسئولان فرهنگی حج و زیارت، باید این فرصت اسـتثنایی و این تحول ارزشـمند را غنیمت بشمارند و از آن کمال استفاده را ببرند. از کارهای تربیتی خوبی که می‌توان در این چند روز انجام داد، این است که انگیزه استفاده از چادر را میان زنان زائر افزایش دهیم. این کار سـبب می‌شود هم زنانی که از چادر اسـتفاده می‌کنند، احساس خوبی پیدا کنند و هم زنانی که چادری نیسـتند، به پوشـیدن چادر تشویق شونـد. به این نکته نیز بایـد توجه داشت که از حجاب به صورت مانتو، نه تبلیغ کنیم و نه دفاع؛ زیرا در امر حجاب باید به حـدی جـدیت نشـان داد که در حـد لاـزم رعـایت شود. امیرمؤمنان علی (علیه السـلام) در فرمایشـی به فرزنـدش امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید.

وَاکْفُفْ عَلَیْهِنَّ مِنْ اَبْصارِهِنَّ بِحِجابِکَ ایّاهُنَّ فَانَّ شِدَّةَ الْحِجابِ اَبْقی عَلَیْهِنَّ.(۱)

زنان را در پرده حجاب نگاه دار تا نامحرمان را ننگرند؛ زیرا سخت‌گیری در حجاب، عامل سلامت و استواری آنان است.

حضرت در ادامه مواردی از سخت‌گیری و جدیت در امر حجاب را

---

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

ص:۱۶۵

بیان می‌فرماید که نشانه اهمیت این موضوع از دیدگاه ایشان است.

برای اینکه چادر در میان بانوان زائر فرهنگ‌سازی شود، روحانیان محترم کاروان‌ها نقش بسیار مؤثری دارند. آنها می‌توانند جلسه‌هایی با دو گروه از زائران برگزار کنند: اول با خانم‌هایی که به رعایت حجاب و ایجاد فرهنگ حجاب اهمیت بسیاری می‌دهند و توان‌مندی مشارکت در این طرح را دارند. این افراد می‌توانند با راهنمایی روحانی کاروان و با روشی جذاب و شیرین، خود را به سوژه‌های مورد نظر نزدیک کنند و به تدریج و در طول سفر، آنها را به طرف حجاب کامل راهنمایی کنند.

گروه دومی که باید با آنها جلسه برگزار شود، خانواده‌هایی هستند که از نظر فرهنگی از حجاب دور بوده‌اند. این جلسه بسیار حساس خواهد بود و باید غیر مستقیم و در پوششی غیر از موضوع حجاب باشد. در این نشست‌ها که به ظاهر محور اصلی آن آموزه‌ها و معارف زیارت است، باید با اشاره به فرصت کوتاه سفر و تأکید بر استفاده کامل بردن از آن، در یک فرصت مناسب، به حفظ ظاهر در کنار حفظ باطن نیز اشاره‌ای شود. همچنین باید به آنها گوشزد کرد که آبروی ایران و ایرانی را نزد وهابیانی که به ما شیعیان نسبت بی‌دینی می‌دهند، و خود را پیرو واقعی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌دانند، حفظ کنند. بی‌شک، این جلسه‌ها بی‌تأثیر نخواهد بود.

پیشنهاد دیگر به روحانیان کاروان این است که در خلال جلسه‌های عمومی کاروان، به بیان احکام و مسائل حجاب نیز بپردازند و آن را در قالب چند مسئله شرعی بیان کنند. این کار نه تنها تذکر دادن غیر مستقیم

ص:۱۶۶

به حجـاب است، بلکه مسائـل و احکـام حجـاب را نیز برای افراد بازگو می کنـد؛ زیرا بسـیاری از افراد ممکن است از حـدود حجاب اطلاع کافی نداشـته باشند؛ برای مثال، افراد بسیاری فکر می کنند آرایش کردن ملایم صورت یا بیرون گذاشتن کمی از موی سر، یا نپوشاندن پا با جوراب یا استفاده از لباس‌های تنگ و نازک، مانعی برای حجاب ایجاد نمی کند. ازاین‌رو با اینکه چادری هستند و به مسائـل دینی توجه دارنـد، ولی این موارد را رعـایت نمی کننـد. بنـابراین لاـزم است روحانیـان مسائل و احکام جزئی حجاب را برای مردم تبیین کنند، همان گونه که مسائل نماز و حج و عمره و جزئیات آن را بیان می کنند.

## ۲. تقدس‌بخشی به چادر

### اشاره

از دیگر راه کارهای فرهنگ‌سازی حجاب کامل، تقدس بخشـیدن به چادر است. چادر، سمبل عفت و حیای زن است. ازاین‌رو لباس مقدسـی به شـمار می‌رود. مسئولان باید حجاب زنان را به سوی پوشش چادر سوق دهند و دیگر پوشش‌ها را مقدمه‌ای برای رسیدن به چـادر بداننـد. این سـیاست، در سـفرهای زیارتی، بهتر عملی می‌شود؛ زیرا فضای معنوی زیارت، آماد گی پـذیرش این فرهنگ را برای زائر فراهم می کند.

در زمینه فرهنگ‌سازی حجاب با چادر، به‌ویژه تقدس‌بخشـی به چادر، افزون بر آنچه گفته شد، دو کار دیگر می‌توان انجام داد. اول اینکه فرهنگ چادر را که فرهنگ کامل دینی - اسـلامی و نیز فرهنگ اصیل ایرانی است، با توضیح و تبیین خاستگاه قرآنی آن، در جامعه و در

ص:۱۶۷

محیطهای زنانه، مثل مدارس و دانشگاه‌ها گسترش دهیم. خداوند در قرآن، درباره نوع پوشش حجاب، دو آیه اصلی دارد. در آیه اول که درباره آشنایی باحجاب است، می‌فرماید: وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلی جُيُوبِهِنَّ وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ ؛ «مقنعه‌های خود را بر سینه خود افکنند و زینت خود را آشکار نسازند» . (نور: ۳۱)

این آیه، دو مطلب را توضیح می‌دهد:

۱. از خِمار که همان مقنعه بلند است و سر و تمام سینه و گردن را می‌پوشاند، برای حجاب استفاده کنیم.

۲. تمام زینت‌ها و زیبایی‌های بدن و نیز قسمت‌های تحریک‌کننده بدن را بپوشانیم. در این آیه صحبتی از چادر نمی‌شود؛ زیرا خداوند برای نخستین بار می‌خواهد زنان را با فریضه حجاب آشنا سازد. ازاین‌رو نمی‌توان بر زنان سخت گرفت تا دل‌هایشان آمادگی پذیرش حجاب را پیدا کند.

خداوند در آیه دوم که مرحله تکمیلی حجاب است، چنین می‌فرماید:

قُلْ لِأَزْواجِكَ وَ بَناتِكَ وَ نِساءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلاَبِيبِهِنَّ ذلِكَ أَدْنى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ (احزاب: ۵۹)

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلباب‌های (چادرهای بلند) خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است.

خداوند در این آیه به سه نکته مهم اشاره می‌کند:

ص:۱۶۸

۱. در این آیه از پوششی به نام جلباب سخن می گوید که بلندتر از مقنعه است و تا زانو می‌رسد و به عقیده برخی مفسران تا روی پا را می گیرد. البته از نوع پوشش حضرت زهرا (علیها السلام) معلوم می‌شود که جلباب، تمام بدن را می‌پوشاند و همان چادر امروزی است.(۱)

۲. این آیه خطاب به زنان و دختران پیامبر و زنان مؤمن است. منظور این است که خداوند حجاب چادر را برای با شخصیت‌ترین زنان جامعه لازم کرده است. در حقیقت، چادر هدیه‌ای از طرف خداوند به زنان فرهیخته و با عقل و شعور است تا با پوشیدن آن، ارزش‌های معنوی و شخصیتی خود را حفظ کنند.

۳. در این آیه پوشیدن چادر را سبب امنیت زن در برابر دست‌درازی‌ها و اهانت‌های دیگران به حریم او می‌داند و دلیل جالبی بیان می کند و آن این است که پوشش چادر، سبب می‌شود تا همه افراد به ارزش حقیقی و انسانی این زن پی ببرند و در نتیجه، او را مورد سوء استفاده و آزار قرار ندهند.

از مجموع این مطالب، می‌توان به این حقیقت رسید که پوشش چادر، پوششی عادی نیست که کسی از سر عادت از آن استفاده کند. بلکه لباس مقدسی است که باید حرمت آن نگه داشته شود. به این ترتیب، به کار دومی می‌رسیم که برای فرهنگ‌سازی حجاب برتر باید انجام دهیم و آن این است که زنان محترمی که توفیق استفاده از چادر را دارند، باید

---

۱- ر. ک: الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۵۳.

ص:۱۶۹

حرمت و ارزش آن را بشناسند و نگه دارند.

اگر بخواهیم این مطلب را دقیق‌تر توضیح دهیم، بهتر است مثالی بزنیم. پوشش چادر را می‌توان به لباس روحانیت تشبیه کرد. یک طلبه وقتی لباس مقدس روحانیت می‌پوشد، مردم او را حجت‌الاسلام، یعنی نماینده اسلام و راهنمای مسلمانان می‌دانند و به او احترام می‌گذارند. بنابراین خودش نیز باید حرمت این لباس را حفظ کند؛ زیرا اگر یک روحانی حرمت لباس خود را حفظ نکند، فقط تقدس خود روحانی از بین نخواهد رفت، بلکه تقدس این لباس نیز از بین می‌رود. پوشش چادر نیز همین‌طور است. البته شاید به دلیل کثرت استفاده از چادر، روی این پوشش به اندازه لباس روحانیت حساسیت نباشد. ولی بی‌شک، مردم توقع دارند یک زن چادری، بیش از دیگران خوش اخلاق باشد، عدالت داشته باشد و به حلال و حرام الهی توجه کند.

## ارزش چادر از دیدگاه آیت الله صافی

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، با اشاره به اهمیت چادر برای زنان می‌فرماید:

در بعضی دیدارها، برخی بانوان درخواست دارند تا عبای مرا ببوسند. من به آنها می‌گویم: «چادر شما از عبای من مقدس‌تر است. زن مسلمان باید بداند که چادری که بر سر دارد، نوعی امر به معروف است و ارزشش بسیار بیشتر از عبای علماست» . (۱)

---

۱- عفاف سرچشمه زیبایی، عبدالکریم پاک نیا، ص۸۳.

ص:۱۷۰

با توجه به آنچه گفته شد، وظیفه زنان چادری بسیار سنگین است و اگر به این وظیفه عمل کنند، بی‌شک، ثواب بسیاری نصیبشان می‌شود و اگر به وظیفه خویش عمل نکنند، گناهانشان چند برابر گناه دیگران خواهد بود؛ زیرا رفتار آنها موجب بدبینی مردم به حجاب و زنان چادری خواهد شد.

گفتنی است در کاروان‌های زیارتی، باید اصل حجاب را بر چادر گذاشت و غیر چادر را به سادگی نپذیرفت. هیچ یک از بزرگان و علما و مراجع اجازه نداده و نمی‌دهند که خانواده و اطرافیانشان از حجابی غیر از چادر استفاده کنند. پس ما نیز باید فقط چادر را تبلیغ و بر استفاده از آن تأکید کنیم و در سمینارها و برنامه‌های فرهنگی، استفاده از چادر را تبلیغ کنیم. از دیگرسو زنان چادری در کاروان‌های زیارتی، وظیفه سنگینی در حفظ فرهنگ حجاب دارند. رفتار آنها باید به‌گونه‌ای باشدکه زنان دیگر شیفته اخلاق آنها شوند و نوع پوشش و حجاب آنها را الگوی خود قرار دهند. متأسفانه در این سال‌ها دشمنان، نقشه‌هایی علیه چادر پیش گرفته‌اند تا تقدس آن را از بین ببرند و زنان و دختران مسلمان را به استفاده از چادر بی‌علاقه کنند. هدف مخالفان حجاب این است که قشر جوان و تحصیل‌کرده را از چادر متنفر کنند که متأسفانه تا حدودی نیز در رسیدن به هدف خود، موفق بوده‌اند. این در حالی است که بنابر تأکید صریح قرآن در سوره احزاب، خداوند به زنان شریف و با شخصیت دستور استفاده از حجاب با چادر را می‌دهد. خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «شما باید در حفظ خود از

ص:۱۷۱

نامحرم، بیش از دیگران تلاش کنید؛ چنان‌که حتی صدای شما نیز موجب تحریک آنها نشود» ؛ یعنی سفارش شده است افزون بر پوشش بدن، مواظب صدای خود نیز باشند. قرآن پس از اینکه جلباب یا چادر را حجاب برتر معرفی می‌کند، تحلیل جالبی دارد و به زنان پیامبر می‌گوید ارزش و شخصیت آنها به این دلیل که همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند و مانند زنان عادی نیستند از جایگاه بسیار برتری از نظر اجتماعی برخوردارند. بنابراین برای اینکه این جایگاه حفظ شود، باید بیشتر از دیگران به حجاب خود پایبند باشند.

خداوند در این آیه با صدای رسا به همه مردم، به‌ویژه زنان تأکید می‌کند که حجاب برتر، نشانه شخصیت و جایگاه اجتماعی برتر زن است.

امروزه با توجه به اطلاع‌رسانی مناسب صدا و سیما و دیگر مراکز فرهنگی درباره پیامدهای حجاب و نیز وجود کتاب‌های مفیدی در این زمینه، انتظار می‌رود بانوان باحجاب و پوشش کامل ظاهر شوند و اجازه ندهند هیچ بانوی مسلمانی تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گیرد و به پوشش اسلامی خود بی‌توجه باشد. نباید فراموش کرد دلیل رواج فرهنگ بدحجابی در میان برخی زنان تحصیل‌کرده و دانشگاهی ناآشنا بودن این قشر مهم با فرهنگ متعالی حجاب است؛ چرا که انتظار می‌رود هر چه سطح تحصیلات و شغل و موقعیت اجتماعی یک زن بالاتر می‌رود، میزان توجه او به حجاب بیشتر شود.

این نکات مهم باید در کاروان‌های زیارتی فرهنگ‌سازی شود؛

ص:۱۷۲

به‌گونه‌ای که وقتی زنان‌ما از زیارت بازمی‌گردند، خود مبلغ و گسترش دهنده فرهنگ حجاب در جامعه باشند.

بنابراین، تبلیغ از چادر به عنوان حجاب برتر قرآنی، از راه‌کارهای گسترش حجاب است که بایـد در این مـدت کوتاه زیارت، آن را فرهنگ‌سازی کرد.

### ۳. برگزاری کارگاه علمی برای حجاب

منظور از کارگـاه حجـاب این است که از کارشناسـی دعوت کنیم تـا دربـاره موضوع‌هـای مختلفی که به حجاب و راه‌های گسترش حجاب مربوط می‌شود، صـحبت کند و افراد شرکت‌کننده را نیز در بحث شرکت دهد. موضوعات پیشنهادی برای برگزاری کارگاه عبـارت است از: آثار مثبت حجاب برای زن و اجتماع، آثار منفی بـدحجابی برای زن و اجتماع، روش‌های تـذکر دادن به افرادی که پوشـش نامنـاسب دارنـد، رابطه حجاب و پوشـش ظاهری با عفت درونی، ارتباط حجاب و پوشـش با دیگر رفتارهای دینی، راه‌های تغییر نگرش‌هـای منفی به حجـاب، تـأثیر حجـاب زنـان زائر ایرانی بر دیگر ملت‌های مسـلمان، آثار رعایت نکردن حجاب در اماکن زیارتی بر فرد و اجتماع و ده‌ها موضوع متنوع دیگر.

اگر در این کارگاه‌ها بتوان موضوع‌های مربوط به حجاب را به‌صورت عینی و ملموس به زائران نشان داد، بی‌شک، تأثیر شگرفی در فرهنگ‌سازی حجاب، به‌ویژه در رعایت کامل حجاب از سوی زائران محترم، خواهد داشت.

ص:۱۷۳

## ۴. برگزاری جلسه‌های پرسش و پاسخ

از دیگر راه‌کارهـای فرهنگ‌سـازی حجـاب، برگزاری جلسه‌هـایی بـا عنوان جلسه‌های پرسـش و پاسـخ دینی است. در این جلسه‌ها، شرکت‌کنندگان می‌توانند پرسـش‌های خود را به صورت کتبی و شـفاهی مطرح کنند و روحانی کاروان یا کارشـناسان دیگر به این پرسـش‌ها پاسـخ دهنـد. کتبی بودن پرسـش‌ها این امکان را به شـرکت‌کنندگان می‌دهـد که پرسـش‌هایی را که نمی‌توانند حضوری بپرسند، مطرح کنند و پاسخ آن را بگیرند.

از آنجا که یکی از اهداف مهم برگزاری این جلسه‌ها یا در حقیقت، هدف اصـلی آن، فرهنگ‌سازی برای حجاب است، باید در این جلسه‌هـا پرسـش‌های هـدف‌داری دربـاره حجـاب مطرح کنیـم و بـه بهـانه پاسـخگویی به این پرسـش‌ها، به طرح مبـاحث حجـاب و معضـلات بـدحجابی بپردازیم. البته این کـار بایـد به صورتی حسـاب شـده و دقیق انجام شود تا هم ما را به اهـدافمان برسانـد و هم حساسـیت‌برانگیز نباشــد. منظـور از حساسـیت‌برانگیز نبـودن ایـن اسـت کـه پرسـش‌ها و پاسـخ‌ها نبایـد به‌گـونه‌ای باشـد کـه افراد شرکت‌کننده، به‌ویژه کسانی که چادری نیسـتند، از این جلسه‌ها احساس شرمساری کنند و دیگر در این‌گونه جلسه‌ها شرکت نکنند. بلکه فقـط یـک تـذکر لطیف و ظریف و غیر مسـتقیم باشـد و کرامت افراد حفظ گردد؛ زیرا ممکن است برگزاری این جلسه‌ها نتیجه عکس داشته باشد و افراد بدحجاب تصور کنند که عده‌ای می‌خواهند آبروی آنها را خدشه‌دار کنند.

ص:۱۷۴

## ۵. تهیه فیلم و گزارش

مسئولان محترم حج و زیارت می‌توانند گزارش مستند و مفصلی از ناهنجاری‌های رفتاری زائران تهیه کنند و پیش از سفر برای زائران کاروان پخش کنند. این ناهنجاری‌ها و آسیب‌های رفتاری می‌تواند شامل بی‌نظمی‌ها و سرموقع نیامدن زائران و معطل کردن دیگران، پرسه‌زدن‌های زیاد در بازارها به‌ویژه هنگام نماز، ترک مسجد و حرم هنگام پخش اذان، بی‌توجهی به مناسک و احکام عبادی، اسراف در استفاده از آب و غذا، زیاده‌روی در خرید سوغاتی، رعایت نکردن بهداشت فردی، مزاحمت برای دیگران در هتل‌ها و از همه مهم‌تر، رعایت‌نکردن پوشش مناسب و حجاب بانوان باشد.

بی‌شک، پخش فیلم، به دلیل سمعی و بصری بودن آن و نیز به این‌دلیل که معضلات رفتاری را به صورت عینی نشان می‌دهد، تأثیر آن بسیار بیشتر از سخنرانی خواهد بود. در این فیلم‌ها می‌توان مشکل بدحجابی و پوشش‌های نامناسب را برجسته‌تر کرد و نشان داد که چگونه مخالفان مکتب تشیع، از این موضوع بهره‌برداری سیاسی می‌کنند.

برای تهیه فیلم باید از کارگردان‌های با تجربه استفاده کرد تا بسیار هنرمندانه و جذاب، این مشکل مهم را که متأسفانه روز به روز در حال افزایش است، نشان دهند.

پیشنهاد می‌شود در ساخت فیلم، افزون بر گفتن سخنان جذاب و روشن‌گرانه درباره پیامدهای منفی بدحجابی، به آیات و روایات حجاب نیز اشاره شود. همچنین درباره فتواهای مراجع بزرگوار درباره لزوم

ص:۱۷۵

رعایت حجاب، به عنوان یک واجب الهی و یکی از شرایط احرام حج و عمره، توضیحاتی داده شود.

## ۶. برگزار کردن مسابقه‌های علمی حجاب

از دیگر راه‌های خوب و مؤثر که توجه افراد را به حجاب و اهمیت آن جلب می کند، برگزاری مسابقه است. در این باره می‌توان سه نوع مسابقه برگزار کرد:

الف) مسابقه برای نوشتن بهترین خاطره حجاب، به‌ویژه اگر خاطره کسانی باشد که نسبت به حجاب متحول شده‌اند یا خاطراتی درباره آثار حجاب یا بدحجابی و مانند آن. برای برگزاری این مسابقه، می‌توان این موضوع‌ها را پیشنهاد کرد: خاطره درباره تحول و حجاب، خاطره حجاب و امنیت برای زن، حجاب و تحکیم روابط خانوادگی، حجاب و احساس آرامش، حجاب و تأثیرگذاری در افراد بدحجاب، حجاب و ناکام شدن افراد فرصت‌طلب و بیماردل، حجاب و بالا رفتن ارزش زن و به‌طور کلی خاطرات مثبت و منفی درباره حجاب.

ب) مسابقه مقاله‌نویسی درباره حجاب و آثار آن و موضوعات مرتبط با حجاب، به‌ویژه رعایت حجاب در اماکن مقدس. در این مسابقه افراد تشویق می‌شوند تا درباره این موضوع بیندیشند و به اهمیت زن بیشتر توجه کنند. موضوع‌هایی که برای این مقاله‌ها پیشنهاد می‌شود، همان موضوع‌هایی است که در مسابقه خاطره‌نویسی گفته شد.

ج) تهیه سؤال‌های مسابقه به صورت تستی و تشریحی در قالب

ص:۱۷۶

مجموعه‌ای از آداب سفر زیارت، از جمله حجاب و توزیع آن بین افراد کاروان. سؤال‌های بخش حجاب باید برجسته‌تر از دیگر بخش‌ها باشد. این مجموعه‌سؤال‌ها می‌تواند در ایران و پیش از سفر، بین زائران توزیع شود تا خانواده‌های زائران نیز با آن آشنا شوند و حجاب در میان آنها نیز تبلیغ شود.

وقتی این سه مسابقه برگزار شد، می‌توان از میان شرکت کنندگان، به بهترین پاسخ‌دهندگان جوایز خوب و مناسب داده شود. البته در مسابقه اول و دوم، افزون بر اهدای جایزه، می‌توان از برندگان خواست مقاله یا خاطره خود را در بین جمع بخوانند که این کار خود، تبلیغ مضاعفی از فرهنگ حجاب خواهد بود.

## ۷. تقویت روحیه افراد متحول شده به‌وسیله حجاب

### اشاره

سفرهای زیارتی به دلیل دارا بودن فضای معنوی خاص، تأثیر بسیاری بر روح و روان افراد می‌گذارد و سبب تحولات مثبت فراوانی در آنها می‌شود. گاه افرادی به این سفرها مشرف می‌شوند که تا به حال چنین تجربه‌های نابی نداشته‌اند. بسیاری از افراد در این سفرها و تحت تأثیر فضای معنوی، برای نخستین بار دلشان می‌شکند و اشکشان جاری می‌شود. حتی کسانی که عمری نماز خوانده‌اند، وقتی در این فضاهای معنوی قرار می‌گیرند، تازه لذت عبادت حقیقی را می‌فهمند و درمی‌یابند که نمازهای قبلی آنها، به ظاهر نماز بوده و روح عبادت در آن نبوده است.

ص:۱۷۷

در سفرهای زیارتی و در این مدت کوتاه، درهای روح و جان انسان باز و آماده پذیرش حقایق و آموزه‌های الهی می‌شود. ازاین‌رو مسئولان محترم کاروان‌ها و روحانیان بزرگوار، باید از این فرصت طلایی بهترین بهره را برای تثبیت این حالات خوب ببرند و بکوشند این حالات خوش معنوی ایجاد شده، به تحول عمیق روحی تبدیل گردد.

## راه‌کارهای تقویت تحول

برای بیشتر شدن تحول معنوی در زائران، سه راه‌کار پیشنهاد می‌شود:

الف) با برداشتن موانع تحول، راه را برای افزایش زمینه‌های تحول هموار سازیم. برای ایجاد زمینه تحول در زائران، می‌توان از جلسه‌های بیان اسرار و معارف زیارت بهره گرفت. این جلسه‌ها که با همکاری روحانیان کاروان‌ها تشکیل می‌شود، نقش فراوانی در ایجاد زمینه‌های تحول ایفا می‌کند. روحانیان محترم می‌توانند با بیان اسرار و معارف زیارت و مقدمات معنوی سفر، زمینه تحول را برای زائران فراهم کنند. همچنین زائران را پیش از سفر به توبه کامل دعوت کنند یا اگر آنان حقی الهی را ضایع کرده‌اند یا حق‌الناسی برعهده آنان است، تا جایی که ممکن است، جبران کنند تا از این سفر، بهره کافی ببرند و زمینه تحول را برای خویش فراهم کنند.

راه دیگر برای فراهم کردن مقدمات تحول و تغییر روحی زائران، برگزاری جلسه‌های دعا و مراسم مذهبی در طول سفر است. همان‌گونه که در بحث‌های گذشته اشاره شد، قلب و روح افراد هنگام نیایش و دعا

ص:۱۷۸

آماده‌تر می‌شود. ازاین‌رو این زمان‌ها بهترین فرصت برای بهره‌برداری معنوی و اثرگذاری اخلاقی و تحول روحی به‌شمار می‌رود. بنابراین، مداحان محترم باید توجه داشته باشند که هدف از توسل در عزاداری‌ها و مداحی‌ها، فقط اشک ریختن و شکسته شدن دل نیست. هدف اصلی این است که انسان بتواند پیوندی محکم و ناگسستنی میان خود و مقام ولایت ایجاد کند. حضرت امام خمینی (رحمه الله) فرمود: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است» ؛(۱)یعنی این عزاداری‌ها و توسلات است که سبب شده میان مردم و دینشان پیوند ایجاد شود. ازاین‌رو روحانیان محترم باید این حقایق را به مداحان عزیز یادآوری کنند تا از این هدف دور نشوند. بنابراین برای ایجاد تحول روحی و معنوی در زائران، نخستین کار ایجاد زمینه برای بروز این تحول است.

ب) دومین کاری که لازم است برای تحول روحی زائران صورت گیرد، تثبیت تحول ایجاد شده است. وقتی زمینه تحول را در کاروان ایجاد کردیم، نباید از وضعیت روحی و روانی افراد غافل شویم. یک کشاورز وظیفه‌اش فقط شخم زدن زمین و پاشیدن بذر نیست. بلکه باید منتظر بماند تا ببیند آیا بذرهای کاشته شده، سر از زمین در می‌آورد؟ ! در تحولات معنوی نیز همین‌گونه است. بی‌شک، افراد بسیاری در این سفرها دچار انقلاب درونی می‌شوند که اگر این تحول درونی تقویت شود، کم‌کم به مرحله تثبیت می‌رسد. البته باید مواظب افراطها و

---

۱- صحیفه امام، ج۱۵، ص ۳۳۰.

ص:۱۷۹

تفریطها باشیم و از جاده تعادل خارج نشویم. به هر حال، سفرهای زیارتی از بهترین موقعیت‌ها برای تثبیت تغییرات و تحولات روحی به حساب می‌آید.

یکی از تحولاتی که انتظار می‌رود میان کاروانیان به وجود آید، تغییر در پوشش و حجاب زنان است که مصداقی از تحول و انقلاب درونی است. برخی بانوان، وقتی در فضای معنوی اماکن مقدسه قرار می‌گیرند، پوششان کامل‌تر می‌شود و حجاب بهتری پیدا می‌کنند؛ ولی چون به مرحله تثبیت نمی‌رسند، وقتی از این فضا خارج می‌شوند، دوباره به حالت اول باز می‌گردند. ازاین‌رو مرحله تثبیت، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا اگر این تحولات تثبیت نشود، تلاش سازمان حج و زیارت و مسئولان فرهنگی در این زمینه، بی‌نتیجه خواهد ماند.

مرحله تثبیت، خود راه‌کارهایی دارد که قدم اول آن، شناسایی افراد متحول شده است. به این نکته نیز باید توجه کرد که میزان تحول در همه افراد یکسان نیست. برخی افراد، راه صدساله را یک‌شبه می‌روند. برخی افراد نیز برای رسیدن به تحول کامل، به کمک و تشویق دیگران نیاز دارند؛ برای مثال، برخی خانم‌ها که حجاب چادر ندارند، بسیار به پوشیدن چادر علاقه‌مند هستند. ولی تصور می‌کنند با پوشیدن چادر، ممکن است مورد تمسخر دیگران واقع شوند. در این موارد باید چنان افکار آنها را تقویت کرد که به راحتی تحول ایجاد شده را بپذیرند؛ برای مثال، کاری کنیم که چادر سفید احرام را تا پایان سفر از خود دور نکنند. سپس در کنار این کار عملی، باید فعالیت‌های فکری و شناختی نیز برای

ص:۱۸۰

آنها داشته باشیم.

گفتنی است راه‌کارهای تثبیت تحول، به سلیقه و تجربه روحانیان و مسئولان کاروان بستگی دارد. به‌طور کلی، اگر افراد متحول شده را مورد توجه و تشویق قرار دهیم و در آنان نسبت به حفظ حالات معنوی، نوعی خودآگاهی به‌وجود آوریم، راه رسیدن به مرحله تثبیت را هموار ساخته‌ایم.

پیشنهاد می‌شود بعثه مقام معظم رهبری، با افراد متحول شده جلسه داشته باشند و از زبان خود آنان، حالات روحی ایجاد شده برای آنها را بشنوند. این‌کار نوعی تشویق برای آنان به‌شمار می‌رود. شنیدن ماجرای تحول روحی از زبان خود فرد، موجب تثبیت بیشتر حالات و نیز سبب تشویق فرد متحول خواهد شد. همچنین از مصاحبه و تهیه فیلم و گزارش و درج آن در خبرنامه سازمان یا روزنامه زائر نیز می‌توان برای این کار استفاده مطلوب کرد.

راه دیگر تثبیت این حالات، این است که از فرد بخواهیم به میان جمع بیاید و درباره تحول روحی خود صحبت کند تا در دیگران نیز تأثیر مثبت بگذارد. البته بهتر است پیش از آن، روحانی کاروان، مقدمه کوتاهی درباره آثار معنوی زیارت بر حالات روحی انسان بیان کند. گفتنی است استفاده از تشویق‌های مادی برای این افراد، ممکن است تأثیر منفی داشته باشد. مگر آنکه بسیار حساب شده باشد و همه جوانب آن در نظر گرفته شود.

ج) سومین کار برای کسانی که تحت تأثیر فضاهای معنوی زیارت

ص:۱۸۱

قرار می‌گیرنـد و دچار تحول درونی می‌شوند، پس از تثبیت، پیگیری است. منظور از پیگیری این است که پس از بازگشت از سـفر، ارتبـاط مسئولان کـاروان، به‌ویژه روحانی کاروان با زائرانی که تحول روحی و معنوی پیـدا کرده‌انـد، قطع نشود. این پیگیری سـبب می‌شود تحول ایجاد شده، دوام بیشتری پیدا کند و حتی همیشگی شود.

شایسته است مسئولان سازمان حج و زیارت گاهی از این افراد خبری بگیرند، مثلاً آنها را در برخی جلسه‌های عمومی دعوت کنند یا برایشان نشریه‌ای بفرستند و درباره تحول روحی آنها و حالات معنوی خوبی که پیـدا کرده‌اند، بررسـی و پرسـش کنند. این‌گونه کارها سبب می‌شود تلاش‌هایی که برای تحول این افراد داشته‌اند، هدر نرود.

ممکن است برخی خواننـدگان تصور کننـد عملی سـاختن این پیشـنهادها کـار دشواری است، ولی اگر بر انجـام آن مصـمم باشـیم، خـواهیم دیـد که شـدنی است. امروزه در بسـیاری از کشورهـا این نوع پیگیری‌هـا برای اهـداف مـادی و جلب رضـایت مرد صورت می‌گیرد. حتی برخی از تولیدکنندگان یا فروشـندگان برای تبلیغ کالاهای خود و کسب رضایت مشتری، پیگیری‌های بسیاری دارند. مؤسـسه‌های مشاوره نیز نتایج خدمات مشاوره‌ای خود را پیگیری می‌کنند؛ برای مثال در یکی از کشورهای اروپایی، خانمی که تبعه اصـلی آن کشور نیز نبود، بـا همسرش اختلاف پیـدا کرده و به مشاوره مراجعه کرده بود. مشاور، نظر به جـدایی داد. آن‌گاه دولت منزلی با تمام وسایل لازم برای او تهیه کرد و هفتصد دلار حقوق ماهیانه نیز برای او در نظر گرفت تا بتواند زندگی مستقلی

ص:۱۸۲

داشته باشد و این‌گونه نبود که فقط مشاوره‌ای بدهند و دیگر پیگیر ماجرا نباشد. این‌گونه عمل کردن در احکام اسلامی نیز وجود دارد؛ برای مثال رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یا امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در مواردی مانند رسیدگی به ایتام، به دست آوردن دل‌ها و مانند آن، مخارجی از بیت‌المال برمی‌داشتند و در این امور مصرف می‌کردند. امروزه فقهای ما بر همین اساس و تحت امور حسبیه عمل می‌کنند و فتوا نیز می‌دهند. ما اگر بخواهیم کار فرهنگی موفقی داشته باشیم، باید این‌گونه هزینه‌ها را نیز متقبل شویم. در مقابل، می‌توانیم بسیاری از هزینه‌های اضافی را حذف کنیم.

نکته دیگری که اهمیت پیگیری را دو چندان می‌کند، این است که برخی زائران در محیطهایی زندگی می‌کنند که چندان معنوی و مذهبی نیست و مقاومت در برابر فشار چنین فضاهایی کار دشوار است. چه بسا خانمی محجبه شده و تصمیم گرفته باشد، چادر به سر کند، ولی خانواده و فامیل او این اجازه را نمی‌دهند و دوباره او را وادار می‌کنند به شکل سابق برگردد. نمی‌توان انتظار داشت در این چند روز سفر زیارتی، شخصیت فرد چنان تغییر کرده باشد که تحت تأثیر این‌گونه فشارها قرار نگیرد. بنابراین حمایت معنوی از این افراد پس از سفر، امری لازم و ضروری است.

همان‌طور که گفته شد، برای حمایت معنوی از این افراد، گاه باید هزینه‌هایی صرف شود، ولی ارزش آن را دارد. برای تنوع در این حمایت‌ها، افزون بر آنچه گفته شد، می‌توان از راه‌کارهای دیگری نیز استفاده کرد؛ برای مثال، برای شرکت در یک اردو از آنها دعوت شود. در

ص:۱۸۳

هر شـهر یا اسـتان، در طی چنـد سال، تعدادی از این افراد یافت می‌شوند. با این افراد می‌توان جلسه‌هایی در قالب اردو یا افطاری ماه رمضـان یـا جشن‌هـای مـذهبی برگزار و تجدیـد خـاطره‌ای از عمره و آثـار آن کرد. همچنیـن می‌تـوانماننـد حافظـان قرآن یـا افراد تازه‌مسـلمان یـا مستبصر، از آنهـا دعوت کرد در جلسه‌هـای عمومی خاطره بگوینـد تا هم حالات معنوی آنها تقویت گردد و هم در افراد حاضـر در مجلس تأثیر مثبت داشـته باشد. می‌توان در مدارس دخترانه یا در جمع دانشـجویان دختر از این خانم‌ها استفاده کرد. بی‌شک، مسـئولان فرهنگی سازمان حـج و زیارت و روحانیان و مـدیران محترم کاروان‌ها، ایـده‌های بهتری دارند که با به کارگیری آن، پیگیری را بهتر می‌توان عملی کرد.

## ۸. سخت‌گیری به رعایت حجاب

سازمان حـج و زیارت می‌تواند از ثبت‌نام زائرانی که شـئونات اسـلامی به‌ویژه حجاب را رعایت نمی‌کنند، جلوگیری کند. برای این کار می‌توان قوانینی وضع کرد که زائران را به رعایت شـئونات اسـلامی ملزم کند. البته این نکته را نباید فراموش کرد که این قانون، باید بسـیار دقیق و حساب شده اجرا شود. نخست باید با متقاضیان بدحجاب، به‌طور منطقی صحبت کرد و قانون حجاب کامل، یعنی استفاده از چادر را به آنها تذکر داد. سپس از آنها و خانواده‌شان درباره رعایت حجاب و پوشیدن چادر تعهد گرفت.

در پاسخ به کسانی که معتقدند نباید مسائل دینی را به افراد اجبار

ص:۱۸۴

کرد، می‌توان گفت سازمان حج و زیارت که با زحمت بسیار، زائران را اعزام می‌کند و امکانات بسیار خوبی نیز در اختیار آنان قرار می‌دهد، این حق را دارد به منظور حفظ شئونات دینی و شعائر اسلامی و آبروی جمهوری اسلامی ایران، پوشیدن چادر و رعایت حجاب کامل را برای همه بانوان الزام کند؛ همان‌گونه که تزریق واکسن مننژیت و مانند آن را برای همه الزام می‌کند. استفاده بانوان از چادر و پوشش کامل، افزون بر مزایایی که گفته شد، سبب یک‌شکل شدن پوشش بانوان زائر ایرانی می‌شود که این کار، جلوه زیبایی به کاروان‌های ایرانی خواهد بخشید.

## ۹. تشویق مدیران موفق

سازمان حج و زیارت باید مدیرانی را که هنگام ثبت‌نام از زائران زن، به رعایت حجاب کامل آنان تأکید می‌کنند و نیز در طول سفر نسبت به رعایت حجاب، تدابیر لازم را می‌اندیشند، تشویق کنند. در مقابل، باید با مدیرانی که به این موضوع اهمیت نمی‌دهند، برخورد کنند و آنها را از ادامه فعالیت برای مدتی کوتاه یا در صورت تکرار، برای همیشه محروم کنند.

البته برای اجرای کامل این طرح، ضروری است جلسه‌ها و کارگاه‌های دانش‌افزایی و توجیهی لازم برای مدیران و دست‌اندرکاران کاروان‌ها برگزار شود تا هیچ نقطه مبهمی برای آنها باقی نماند.

ص:۱۸۵

## کتابنامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آیا حجاب ضرورت دارد؟ ، شهریار روحانی، (بررسی مسئله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناختی) ، تهران، نشر اشراقیه، ۱۳۶۹ه. ش.

۲. آیین بهزیستی، احمد صبور اردوبادی، تهران، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ه. ش.

۳. الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی الطبرسی، بیروت، انتشارات الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ه. ق.

۴. استفتائات، امام خمینی (رحمه الله) ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ه. ش.

۵. اسدالغابه، عزالدین علی بن محمد الشیبانی (ابن اثیر) ، تهران، انتشارات اسماعیلیان، بی‌تا.

۶. الاصول و الفروع من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ه. ش.

۷. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۳ه. ق.

ص:۱۸۶

۸. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، قم، دارالکتب العلمیهٔ، ۱۳۳۴ه. ش.

۹. پرسمان حجاب، حسین مهدی زاده، (پژوهشی در باب پوشش از دیدگاه قرآن) ، قم، صهبای یقین، ۱۳۸۶ه. ش.

۱۰. پوشش زن در اسلام، محمد محمدی اشتهاردی، قم، انتشارات ناصر، ۱۳۷۴ه. ش.

۱۱. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی، ج۱۳، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ه. ش.

۱۲. تفسیر قمی، ابو الحسن علی بن ابراهیم قمی، بیروت، دارالسرور، ۱۴۱۱ه. ق.

۱۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۶ه. ش.

۱۴. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران، مکتبهٔ الصدوق، ۱۳۷۶ه. ش.

۱۵. حجاب و نقش آن در سلامت روان، عباس رجبی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله) ، ۱۳۸۴ه. ش.

۱۶. الخصال، محمد بن علی بن الحسین صدوق، قم، انتشارات جامعه مدرسین.

۱۷. دانستنی‌هایی درباره ازدواج، عصمت حداد، قم، انتشارات مهدی یار، ۱۳۸۸ه. ش.

۱۸. دختران راهی دیگر، کارول ان آنوی، ترجمه: محمدعرب و ناهید آزاد منش، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ه. ش.

۱۹. روح زن، جینا لمبروزو، تهران، انتشارات دانش، ۱۳۶۹ه. ش.

۲۰. زن به ظن تاریخ، بنفشه حجازی، تهران، انتشارات شهر آب، ۱۳۷۰ه. ش.

ص:۱۸۷

۲۱. سنن ابی‌داود، ابو داود سلیمان بن الاشعث، بیروت، انتشارات الکتب الثقافیه، ۱۴۰۹ه. ق.

۲۲. السیرۀ الحلبیه، علی بن برهان الدین الحلبی، (بی‌جا) ، انتشارات المکتبۀ الاسلامیه، (بی‌تا) .

۲۳. شجره طوبی، حاء، عین، قم، نشر مکتب اهل البیت.

۲۴. صداقت، سیدعلی اکبر، تحفه دانشجو.

۲۵. عرفان حج، عبدالله جوادی آملی، قم، نشر مشعر، ۱۳۷۸ه. ش.

۲۶. عفاف سرچشمه زیبایی، عبدالکریم پاک نیا، قم، انتشارات نورالزهرا، ۱۳۹۰ه. ش.

۲۷. عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ، محمد بن علی بن الحسین صدوق، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ه. ش.

۲۸. غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد الآمدی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ه. ش.

۲۹. فاطمۀ الزهراء بهجۀ قلب المصطفی، احمد رحمانی همدانی، تهران، انتشارات منیر، ۱۳۷۸ه. ش.

۳۰. فرائد السمطین فی فضایل المرتضی و البتول و السبطین، ابراهیم بن سعد الدین حموینی، بیروت، مؤسسۀ المحمودی، ۱۳۹۸ه. ق.

۳۱. کتاب مقدس، تهران، نشر اسماء، ۱۳۸۴ه. ش.

۳۲. کشف الغمۀ، علی بن عیسی اربلی، بی‌جا، بی‌تا.

۳۳. کمال الدین، محمد بن علی بن الحسین صدوق، قم، مؤسسۀ النشر الاسلامی، ۱۳۸۰ه. ش.

ص:۱۸۸

۳۴. کیمیای محبت، محمد محمدی ری‌شهری، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵ه. ش.

۳۵. ماهنامه پیام زن، سال هشتم، شماره هفتم، مهر ۱۳۷۸ه. ش.

۳۶. مجله آب، آینه، آفتاب، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله) ، ۱۳۸۲ه. ش.

۳۷. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ه. ش.

۳۸. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، سید محسن محمودی، ورامین، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان، ۱۳۸۰ه. ش.

۳۹. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، بیروت، مؤسسهٔ آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ه. ق.

۴۰. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن الحسین صدوق، نجف، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ه. ق.

۴۱. مهر تابان، سید محمدحسین حسینی تهرانی، مشهد، نشر علامه طباطبایی، ۱۳۷۹ه. ش.

۴۲. نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، سیدنعمت الله حسینی، قم، انتشارات عصر انقلاب، ۱۳۸۴ه. ش.

۴۳. نماز بانوان، عباس عزیزی، قم، نشر صلاهٔ، ۱۳۸۵ه. ش.

۴۴. نهج الفصاحهٔ، ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۰ه. ش.

۴۵. وسائل الشیعه، محمد بن الحسن الحر العاملی، قم، انتشارات مؤسسهٔ آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ه. ق.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰-۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای




WWW